



نقش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در توسعه پایدار کشاورزی

مؤلف

دکتر محمد سعید خاکسار

سرشناسه	: خاکسار، محمدسعید، ۱۳۶۸-
عنوان و نام پدیدآور	: نقش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در توسعه پایدار کشاورزی / مولف سعید خاکسار.
مشخصات نشر	: تهران: موسسه آموزشی تألیفی ارشدان، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۰۸-۸۸۵۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: تعاونی‌های روستایی - ایران
	Cooperative societies, Rural – Iran*
	کشاورزی پایدار - ایران
	Sustainable agriculture – Iran
	کشاورزی تعاونی - ایران
	Agriculture, Cooperative-- Iran
رده بندی کنگره	: HD۱۴۸۶
رده بندی دیویی	: ۳۳۴/۶۸۳۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۵۷۹۸۹۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا



مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان

■ نام کتاب:	نقش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در توسعه پایدار کشاورزی
■ تألیف:	محمد سعید خاکسار
■ ناشر:	آموزشی تألیفی ارشدان
■ ویرایش:	اول
■ نوبت چاپ:	اول ۱۴۰۳
■ حروف چینی و صفحه‌آرایی:	www.irantypist.com
■ طراح و گرافیکست:	www.irantypist.com
■ شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۰۸-۸۸۵۹-۸
■ شمارگان:	۱۰۰۰
■ مرکز خرید آنلاین:	www.arshadan.com
■ مرکز پخش و توزیع:	www.arshadan.net
■ قیمت:	۰۲۱۴۷۶۲۵۵۰۰
	۲۳۰۰۰۰ تومان

پیشگفتار ناشر:

به نام ایزد دانا که آغاز و انجام از آن اوست

هرگز دل من ز علم محروم نشد کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد
اکنون که به چشم عقل در می‌نگرم معلوم شد که هیچ معلوم نشد

ای دانای بی‌همتا، ای بخشنده‌ای که ناخواسته عطا فرمایی و هر نیازمندی را به عدالت بی‌نیاز گردانی، مگر اینکه نالایق باشد و آن عنایت را به بازگونه از دست دهد. در عرصه پیشرفت تکنولوژی در هزاره سوم، هنوز نیاز بر مطالعه کتاب در کنار استفاده از منابع کامپیوتری و اینترنت احساس می‌شود. از این بابت خوشحالیم که می‌توانیم در جهت اعتلای علم، دانش و فرهنگ کشور قدمی هرچند کوچک برداریم.

و من الله التوفیق

دکتر شمس‌الدین یوسفیان

مدیرمسئول انتشارات ارشدان

فهرست مطالب

پیشگفتار ۹

فصل اول: مروری بر اهداف پژوهش ۱۱

اهمیت و ضرورت تحقیق ۱۵

اهداف تحقیق ۱۸

اهداف فرعی تحقیق ۱۸

پیشینه تحقیق در داخل کشور ۱۹

پیشینه تحقیق در خارج از کشور ۲۳

فصل دوم: بررسی مفهوم شرکتهای تعاونی تولید روستایی ۲۷

تعاونی و گذشته آن ۲۸

تعریف و مفهوم تعاون ۲۸

تعریف و مفهوم تعاونی ۲۸

نظریه‌های تعاونی و اصول مرتبط به آن ۲۹

تعاون در اسلام ۳۰

تاریخچه تعاونی در جهان ۳۱

تاریخچه تعاونی‌های روستایی در ایران ۳۲

سیر تاریخی شرکتهای تعاونی در قانون اساسی ایران ۳۵

سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران ۳۷

اهداف و وظایف سازمان ۳۷

ارکان سازمان ۳۸

وظایف سازمان ۳۸

وظایف تصدی‌گری سازمان واگذار شده به شبکه	۳۹
وظایف شبکه تعاونی‌ها و تشکل‌ها.....	۴۰
انجام عملیات زیربنایی کشاورزی.....	۴۱
اهم برنامه‌های هدایتی سازمان مرکزی تعاون روستایی:.....	۴۱
اهم برنامه‌های حمایتی سازمان مرکزی تعاون روستایی.....	۴۲
تعاون روستایی استان	۴۳
نتایج حاصل از تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و مشکلات آنها.....	۴۸
پیشینه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی.....	۵۰
ضرورت‌ها و الزامات قانونی برای توسعه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی.....	۵۴
موضوع و حدود عملیات شرکت‌های تعاونی تولید روستایی.....	۵۶
وضعیت موجود شرکت‌های تعاونی تولید روستایی.....	۶۰
محور فعالیت‌های فنی	۶۰
محور فعالیت‌های اجتماعی	۶۲
محور فعالیت‌های خدماتی و پشتیبانی تولید.....	۶۳
محور فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی.....	۶۴
جایگاه شرکت‌های تعاونی‌های تولید روستایی در بخش کشاورزی.....	۶۶

فصل سوم: نقش تعاونی‌های تولید روستایی در توسعه کشاورزی پایدار ۶۹

ابعاد کشاورزی پایدار.....	۷۱
پایداری اکولوژیکی.....	۷۲
پایداری اقتصادی.....	۷۲
پایداری اجتماعی.....	۷۳
شاخص‌ها و متغیرهای ارزیابی پایداری.....	۷۴
طرح و تبیین ساختاری موضوع تحقیق در سطح کلان.....	۷۵

تبیین جغرافیایی تعاونی‌های کشاورزی.....	۷۵
حوزه تجربیات بین‌المللی.....	۷۸
تعاونی‌های کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری.....	۷۸
تعاونی‌های کشاورزی در کشورهای سوسیالیستی بلوک شرق.....	۸۵
نقش مثبت تعاونی‌ها در توسعه کشاورزی کشورهای جهان سوم.....	۹۵
تبیین جغرافیایی توسعه کشاورزی پایدار.....	۹۹
تحول اندیشه‌ای توسعه کشاورزی پایدار.....	۱۰۱
تحول روش‌شناختی توسعه کشاورزی.....	۱۰۴
تحول برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی.....	۱۰۶
بنیان‌های نظریه‌های جدید توسعه پایدار کشاورزی.....	۱۰۹
نظریه توسعه محلی.....	۱۰۹
نظریه توانمندسازی.....	۱۱۰
نظریه ظرفیت‌سازی.....	۱۱۰
نظریه تعاون‌گرایی.....	۱۱۱
جامعه مدنی بستر شکل‌گیری تعاون‌گرایی.....	۱۱۳
استراتژی‌های کلی نظام در پایداری روستایی و کشاورزی.....	۱۱۴
پایداری کشاورزی و نهادهای مشارکتی تعاونی.....	۱۱۶
اصول مشترک در نظریه‌های تعاون‌گرایی و توسعه کشاورزی پایدار.....	۱۲۰

فصل چهارم: نتیجه‌گیری ۱۲۳

پیشنهادهای.....	۱۲۷
-----------------	-----

منابع..... ۱۲۹

پیشگفتار

نواحی روستایی در کشورهای در حال توسعه با در اختیار داشتن سهم قابل توجهی از تولید ناخالص ملی، اشتغال، تأمین نیازهای غذایی، ارزآوری و به عنوان محل سکونت جمعیت قابل توجهی از مردم، یک بخش مهم و برجسته در توسعه کشاورزی محسوب می‌شوند. امروزه یکی از راهبردهای مؤثر جهت توسعه همه‌جانبه و پایدار کشاورزی، استفاده از ظرفیت‌ها، سرمایه اجتماعی، مشارکت و توانمندی‌های مردمی، بخصوص در مناطق روستایی می‌باشد؛ مهمترین ابزار نیل به این مقصود را می‌توان در تشکیل نهادهای سازماندهی شدهی غیردولتی (تشکل‌های غیردولتی) دانست که بر اساس نیاز و توانایی گروه‌های مختلف ساکن روستا، در موضوعات متنوع و ضروری جهت اجرای برنامه‌های توسعه کشاورزی ایجاد می‌گردند.

احیاء و توسعه همه‌جانبه کشاورزی نیازمند فعالیت تشکل‌های داوطلبانه و مردمی است که با شور و اشتیاق، خودآگاهی و مشارکت، در کنار دولت و بخش خصوصی بتوانند برای توسعه کشاورزی گام‌های مؤثر و سازنده‌ای بردارند. به همین منظور شرکت‌های تعاونی تولید روستایی با ساختار غیردولتی برای حل بسیاری از مشکلات روستاییان فعالیت می‌نمایند.

تشکل‌های کشاورزی می‌توانند در تسهیل ارتباط بین دولت و مردم، اجرای مناسب سیاست‌ها و برنامه‌های مورد نظر دولت، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، دسترسی مناسب کشاورزان به منابع و امکانات، تسهیل واگذاری مسئولیت‌های تصدی‌گری به بخش غیردولتی و پذیرش اجرای آنها، زمینه‌ساز تقویت فرهنگ مشارکت گروهی و خودباوری، ایجاد و اداره مشاغل کوچک و ... باشند.

کشاورزی پایدار نوعی کشاورزی است که در جهت منافع انسان بوده، کارآیی بیشتری در استفاده از منابع دارد و با محیط‌زیست هم در توازن است. کشاورزی پایدار در سطح ملی مجزا از توسعه پایدار در سطح روستاها نیست، بنابراین توسعه پایدار کشاورزی می‌تواند نقش چشمگیری در توسعه پایدار روستایی داشته باشد.

تجربه چندین برنامه توسعه کشور نشان می‌دهد که توسعه، امری صرفاً دولتی نیست و در صورت کم‌توجهی به نقش مردم، برنامه توسعه نمی‌تواند پیشرفت پیش‌بینی‌شده را داشته

باشد. بدین لحاظ حضور و مشارکت مردم چه در مرحله تدوین و چه در مرحله اجرا و ارزیابی، می‌تواند در موفق بودن برنامه، نقش قابل توجهی داشته باشد. از مهمترین ابزار تحقق مشارکت و حضور مردم در اداره امور، سازماندهی آنها در قالب تشکلهای مختلف از جمله شرکتهای تعاونی تولید می‌باشد. این تشکلهای می‌توانند برای مردم متفرق و پراکنده، توان و امکان لازم برای مشارکت و هم افزایی در برنامه‌های توسعه را فراهم نمایند.

با توجه به این که قسمت اعظمی از اراضی کشاورزی تحت مالکیت مردم و در اختیار طیف گسترده‌ای از کشاورزان خرده‌مالک است، بدین لحاظ شاغلین این حوزه دارای نقش مؤثرتر و مهم‌تری در توسعه و پیشرفت این بخش می‌باشند و توجه به جلب مشارکت و حضور آنها در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه بیش‌ازپیش حائز اهمیت است و بدون مشارکت آنها تحقق بسیاری از اهداف امکان‌پذیر نمی‌باشد.

با عنایت به تجربیات موفق شبکه بزرگ تعاون روستایی و اتحادیه شرکتهای تعاونی تولید روستایی استان همدان در اجرای پروژه‌های دانش‌بنیان، ملی و استانی و همکاری ثمربخش آنها با سازمان جهاد کشاورزی و وزارتخانه متبوع، بر آن شدم تا با بهره‌گیری از مطالعات و تجارب اجرایی خود در جایگاه‌های متفاوت طی بیش از یک دهه خدمت، به منظور بهره‌مندی از دانش مدیریت در حوزه کشاورزی، پژوهش حاضر را در خصوص ارتباط سازنده تشکلهای بخش کشاورزی و توسعه پایدار انجام دهم تا اقدامی مؤثر و کارا در اجرای هر چه بهتر فعالیت‌ها با دیدگاه مدیریتی، زیست‌محیطی و فرانگر در این بخش صورت گیرد.

در پایان با استعانت از الطاف الهی و ضمن تقدیر و تشکر فراوان از حمایت‌ها و زحمات همه مسئولین و مدیران محترم استانی و ملی، راهنمایی‌های اساتید بزرگوام، به خصوص جناب دکتر حمیدی و جناب دکتر بهراملو؛ تلاش همکارانم در اتحادیه، شبکه بزرگ تعاون روستایی و مجموعه بزرگ جهاد کشاورزی استان همدان، امید دارم که این کتاب مورد بهره‌برداری مفید و اثربخش در این حوزه قرار گیرد.

این پژوهش را تقدیم می‌کنم به پدر و مادر عزیز و همسر مهربانم که از نگاهشان صلابت، از رفتارشان محبت و از صبرشان ایستادگی را آموختم.

با تقدیم احترام

محمد سعید خاکسار

فصل اول

مروری بر اهداف پژوهش

توسعه پایدار، ترکیبی از دو واژه است که دو جنبه متفاوت (پیشرفت اقتصادی- صنعتی و کیفیت محیط‌زیست) را در یک نماد (توسعه پایدار) متحد می‌سازد؛ به عبارت دیگر دو مفهوم اقتصاد و اکولوژی در کنار هم قرار گرفته وزیربنای استراتژی توسعه پایدار را شکل می‌دهد آنچه در تعاریف مربوط به توسعه پایدار مشترک است، جنبه پویایی آن، رفع نیازهای اساسی، توجه خاص به حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی آن است. لازم به ذکر است توسعه پایدار کشاورزی الگویی از توسعه است که از زمین، آب و منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری حفاظت کند و از لحاظ زیست‌محیطی بدون تخریب، از نظر فنی مناسب و بجا، از نظر اقتصادی معقول و معتبر و از نظر اجتماعی مقبول باشد (Waring, 2020). بخش کشاورزی سهم مهمی در تولید ناخالص داخلی کشور دارد به طوری که در سال ۱۳۸۷ بیش از ۲۰ درصد از کل اشتغال را به خود اختصاص داده است. دستیابی به امنیت غذایی، کسب درآمدهای ارزی و استقلال سیاسی و اقتصادی از عمده‌ترین ضرورت‌های توجه به بخش کشاورزی است. توسعه کشاورزی بدون نگرش پایداری به آن موجب بروز مسائل و مشکلاتی گردیده است که مصرف بی‌رویه مواد شیمیایی و تخریب محیط‌زیست از عمده‌ترین آن‌هاست. براین اساس از سال ۱۹۸۰ موضوع توسعه کشاورزی پایدار مورد توجه قرار گرفت. کشاورزی پایدار نوعی از کشاورزی است که کیفیت زندگی نسل‌های فعلی و آینده را از طریق حفظ و بهبود فرآیندهای اکولوژیکی که زندگی بدان وابسته است را بهبود می‌بخشد. مدل کشاورزی پایدار، تناسب اکولوژیکی، ماندگاری اقتصادی، مقبولیت اجتماعی و مسئولیت سیاسی را به عنوان چهار بعد تفکیک‌ناپذیر از اهداف بلندمدت پایداری را مورد بحث قرار می‌دهد که یکی از اهداف اساسی توسعه کشاورزی پایدار، ایجاد درآمد و اشتغال در نواحی روستایی در جهت افزایش رفاه و کاهش فقر روستاییان است که باید مورد توجه قرار گیرد.

از جمله مهم‌ترین مزیت‌های توسعه پایدار کشاورزی تأمین نیازهای اساسی غذایی نسل حاضر و آینده از نظر کمی و کیفی و درعین حال تأمین تولیدات کشاورزی و از سویی ایجاد مشاغل دائمی و درآمد کافی و شرایط مناسب زندگی و کار برای کسانی است که در فرایند تولیدات کشاورزی اشتغال دارند (مجنونیان، ۱۳۷۶). کشاورزی پایدار نظامی است که ضمن مدیریت موفق بهره‌برداری از منابع برای تأمین نیازهای غذایی بشر، کیفیت محیط را در حفظ و ذخایر منابع طبیعی افزایش می‌دهد و می‌تواند به گونه‌ای نامحدود در جهت رفاه

بیشتر بشر، با کارایی بیشتر در مصرف منابع و ایجاد تعادل با محیط به طوری که مساعد افراد بشر و گونه‌های حیاتی دیگر باشد، تکوین یابد (Agudelo-Vera et al., 2018). از طرفی، شرکت‌های تعاونی تولید روستایی می‌توانند نقش مهمی در حفظ و ارتقای جایگاه بخش کشاورزی، ایفا کنند. به هر روی، با توجه به مشکلات موجود در روستاها و در بخش کشاورزی، نظام‌های بهره‌برداری تعاونی‌های تولید کشاورزی (روستایی) می‌توانند بسیاری از مشکلات کشاورزان را برطرف سازند و در توسعه مناطق روستایی بسیار مؤثر عمل کنند (Zaccai, 2012)؛ بنابراین، تعاونی‌های تولید نوعی نظام بهره‌برداری در جهت حداکثر کردن بهره‌برداری از منابع آب‌و خاک کشور، آشنا ساختن اعضا با روش‌های نوین کشاورزی، استفاده صحیح از ماشین‌آلات کشاورزی متناسب با شرایط محلی، فراهم نمودن امکانات و تسهیلات بیشتر برای توسعه و بهبود صنایع‌دستی و فعالیت‌های غیر کشاورزی به شمار می‌آیند (بذرافشان، ۱۳۸۹). شرکت‌های تعاونی تولید روستایی علاوه بر شکوفایی اقتصادی، سبب رونق کسب و کار و ایجاد بسترهای مناسب جهت افزایش صادرات کالا و محصولات تولیدی نیز می‌شوند و از این طریق درآمدهای ارزی را افزایش می‌دهند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۷). از طرفی، شرکت‌های تعاونی تولید روستایی می‌توانند نقش مهمی در حفظ محیط‌زیست، حفاظت خاک، کاهش آلودگی آب‌های زیرزمینی و سطحی، بهبود کیفیت مواد غذایی و ارتقای جایگاه بخش کشاورزی ایفا کنند. لذا شرکت‌های تعاونی تولید نقش بارزی در دستیابی به توسعه پایدار دارند. آنچه مسلم است اینکه شرکت‌های تعاونی تولید به دلیل سنخیت با بافت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه تولیدکننده از یک سو و از سوی دیگر نقش روند توسعه کمی و کیفی این‌گونه تشکله‌ها در ایجاد سازوکارهای متناسب با بهبود مستمر و افزایش تولید می‌توانند در آینده نقش مهمی در حفظ و ارتقای جایگاه بخش کشاورزی برای تأمین امنیت غذایی جامعه ایفا کنند (اسلامی، ۱۳۸۳). در این زمینه، تجربه کشورهای توسعه‌یافته نیز نشان می‌دهد تعاونی‌ها نقش مهمی در توسعه کشاورزی پایدار در سطح جامعه دارند (محمودی، ۱۳۸۷).

تعاونی شیوه‌ای پسندیده است که ارزش‌های خود را از اصول و تعالیم اسلامی به طور کلی و از آیات قرآنی به طور خاص گرفته است. فرهنگ کهنسال ایرانی که با تعالیم دین مبین اسلام عجین می‌باشد، برای تعاون و همکاری ارزش والایی قایل شده است. (۱۸)

رفتار تعاونی که می‌توان آن را نوعی بلوغ اجتماعی نامید، نشانه‌ای از عزم انسان‌ها و برخورد اصولی و مبتنی بر اراده‌ی جمعی با مشکل‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه است. بدین ترتیب همه مکتب‌های اجتماعی، نهضت تعاون را یک راه‌حل اساسی برای رفع مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی_ اجتماعی می‌دانند. امروزه اقتصاد تعاونی بخشی از دانش گسترش‌یافته اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای جهان می‌باشد و در کشورهای درحال توسعه دولت‌ها، تعاونی‌ها را ابزاری مطمئن جهت پیشبرد برنامه‌های ملی می‌دانند و به نظر بسیاری از مفسران، تعاونی‌ها می‌توانند مشکل بیکاری و فقر را در کشورها حل کرده و با توجه به ماهیت وجودی خود، نقش اجتماعی ارزنده‌ای ایفاء نمایند، زیرا تعاونی‌ها از ابتدا یار محرومان بوده و توانسته‌اند زندگی روستایی‌ها، کارگران، کارمندان، بیکاران و ازکارافتادگان را بهبود بخشیده و درهای امید را به روی آنان بگشایند. (۵۱)

امروزه تعاونی‌ها در تمامی جوامع و کشورهای دنیا مزایا و امتیازات خود را به مردم نشان داده‌اند. کارکرد تعاونی‌ها اکثراً کارکردی مثبت و مفید به حال جوامع بوده است. مطالعه تعاونی‌ها در جهان، حکایت از آن دارد که چنین نهادهایی در داخل هر حکومتی و با هر نوع اقتصادی البته در چارچوب نهادهای مردمی می‌توانند نقش مؤثری ایفاء نمایند. (۴)

شرکت‌های تعاونی برای رفع آن قسمت از نیازهای اعضاء خود که به صورت فردی عملی نیست و نیز جهت انجام فعالیت‌های تولیدی، عمرانی و یا خدماتی که نیاز به همکاری و همیاری گروهی دارد، ایجاد می‌شوند و نقش اقتصادی آنها در کاستن از هزینه‌های توزیع کالاها، کنار نهادن واسطه‌های غیرضروری، گسترش مالکیت جمعی، برقراری عدالت اقتصادی_ اجتماعی، ایجاد اشتغال مفید و هدف‌های ارزشمندی از این قبیل است. (۵۱)

درکشورعزیزمان ایران شرکت‌های تعاونی روستایی از قدیمی‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین تعاونی‌ها در ایران محسوب می‌شوند. در آغاز برنامه اصلاحات اراضی در ایران و کناررفتن مالکین و خوانین، دولت برای پرکردن خلأ ایجاد شده در سطح روستاها اقدام به تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی نمود و مالکیت بر زمین را شرط عضویت در این تعاونی‌ها قرار داد. این امر اصلی‌ترین دلیل گسترش این شرکت‌ها بعد از اصلاحات اراضی می‌باشد. با وجود اینکه هدف اساسی شرکت‌های تعاونی روستایی را رفاه اجتماعی روستاییان تشکیل می‌دهد و در این راه حتی چون یک نهاد اجتماعی به دولت در انجام وظایف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مدد می‌رساند، با توجه به اینکه شرکت‌های مذکور ساختار اقتصادی دارند لذا

همراه با عدالت اجتماعی به اثرات مثبت اقتصادی بر کل جامعه روستایی نیز منجر می‌شود. (۵۸)

با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی که نظام اقتصادی ایران را بر سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی می‌داند و بخش تعاونی به عنوان بخش میانی و تعدیل‌کننده، در کنار دو بخش مذکور در نظر گرفته شده است و شرکت‌های تعاونی روستایی نیز با توجه به اینکه سهم عمده‌ای در بخش تعاون کشور دارند، با وجود چنین تشکیلات مردمی است که برنامه‌ریزی دولتی در بخش کشاورزی و دامپروری، در زمینه سرمایه‌گذاری و اعطاء اعتبارات لازم برای تأسیسات ساختاری از قبیل انبارها، سردخانه‌ها، واحدهای صنایع روستایی، توزیع صحیح کالاهای و نهاده‌های کشاورزی، ماشین‌آلات کشاورزی و ... آسان‌تر صورت می‌پذیرد. (۱۹)

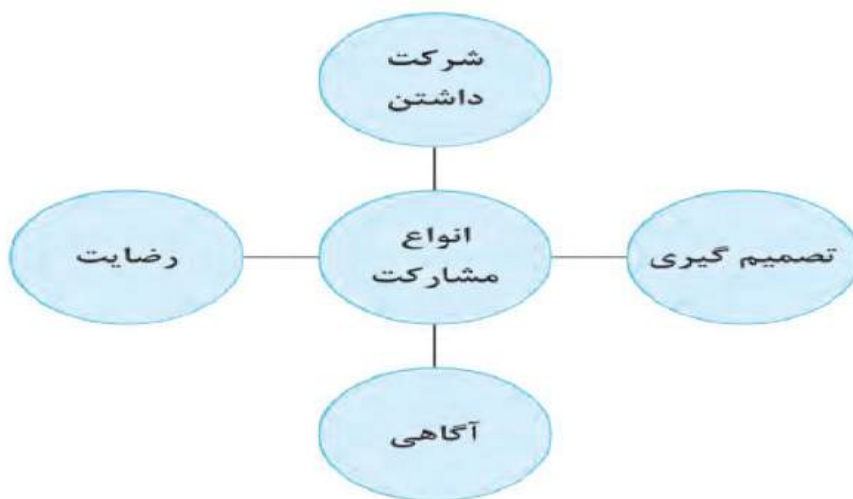
در مورد ماهیت شرکت‌های تعاونی روستایی به عنوان یک بنگاه فعال اقتصادی، اجتماعی در ارائه خدمات مختلف به قشر روستاییان را شامل می‌شوند و نقش این شرکت‌ها در پیشبرد مدیریت و توسعه روستاها و همچنین رفع مشکلات و معضلات روستاییان به خصوص قشر دام‌پروران که در نهایت در اقتصاد ملی تأثیرگذار می‌باشد حائز اهمیت می‌باشد. (۵۸)

اهمیت و ضرورت تحقیق

از اواسط دهه ۱۹۶۰، الگوهای تفکر و اقدامات نوسازی توسعه به سوی یافتن گزینه‌های جدید تغییر جهت داد. یک بحث اساسی این بود که هر چند توسعه فیزیکی مهم است ولی در کنار آن باید توسعه انسانی یعنی ایفای نقش مؤثرتر توسط مردم محلی و کنترل آنها بر فرآیند توسعه افزایش یابد توسعه ثروت محور یا فیزیکی، هر چند تحولات مثبتی در زندگی برخی از مردم پدید آمده و تا حدودی مهارت‌ها توانایی‌ها و استعدادهای آنان را ارتقاء بخشیده است ولی در گسترش و تشویق مشارکت عموم مردم در فرآیند توسعه چندان موفق نبوده است. به عقیده شوماخر (۱۹۷۳)، برنامه توسعه اگر به سه عامل آموزش، مشارکت مردمی و سازمان توجه نکند قادر نخواهد بود از سایر منابع بهره لازم را ببرد. از این رو امروزه تأکید کارشناسان بر توسعه مردم محور است و به اعتقاد آنها مردم باید محور همه فعالیت‌های توسعه باشند. در یکی از رهیافت‌های توسعه روستایی که بیشتر ابزاری است مردم عامل اصلی تولید و ارتقاء بهره‌وری هستند و اگر به افزایش رفاه و بهبود زندگی مردم

توجه شود این امر در راستای ارتقاء بهره‌وری آنان در اقتصاد ملی خواهد بود. درحالی‌که رهیافت دیگر توسعه روستایی معادل مشارکت مردم در یادگیری دوجانبه و تبادل تجربیات و به‌کارگیری منابع داخلی و خارجی برای توانمندسازی آنها است. به اعتقاد طرفداران رهیافت دوم، مردم نمی‌توانند توسط عامل خارجی توسعه یابند بلکه آنها می‌توانند از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های تعاونی که بر بهزیستی آنها تأثیر می‌گذارد خود را توسعه دهند. بر اساس این رهیافت تا زمانی که مردم بی‌اختیار به سوی انجام کارهای خاص و حتی جدید هدایت می‌شوند توسعه نمی‌یابند بلکه باید برای آنها فرصت تفکر، تصمیم‌گیری، تبادل تجربه و به طور کلی مشارکت فعالانه را فراهم نمود لذا از این رهیافت تحت عنوان «توسعه مردم محور» یا «توسعه مشارکتی» یاد می‌شود (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۳). از این رو در دهه‌های اخیر نظام‌های خدمات روستایی در بسیاری از نقاط جهان به منظور بهبود کارایی و اثربخشی خدمات خود با اتخاذ رویکردی کثرت‌گرایانه بیش از هر چیز به استفاده از سازمان‌های جامعه محلی شامل سازمان‌های کشاورزان و سازمان‌های غیردولتی گرایش دارند (Swanson 2007, Anderson; 2008). لذا تفکیک مشارکت از مفاهیم توسعه غیرممکن است اگر بتوان مشارکت را در فرآیند توسعه به طور معناداری مورد توجه قرارداد موفقیت توسعه تضمین خواهد شد. در بسیاری از متون، مشارکت حلقه گمشده در فرایند توسعه می‌باشد که می‌توان آن را به صورت یک نهال ملموس در طرح‌های فیزیکی توسعه جای داد (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰). بر این اساس امروزه کارگزاران توسعه تلاش می‌کنند که مشارکت هر چه بیشتر کشاورزان در پروژه‌های کشاورزی که دربرگیرنده بخش اصلی برنامه‌های توسعه روستایی هستند را افزایش دهند. به عقیده اوکلی (۱۹۹۱)، دلایل اصلی ضرورت افزایش مشارکت مردم در کشاورزی مواردی نظیر افزایش سطح پوشش خدمات کشاورزی، کمک به شکستن مقاومت درونی و ذاتی نسبت به تغییر در مناطق روستایی حصول اطمینان از تمرکز پروژه‌ها بر نیازهای اساسی، زارعان، سوگیری به سمت برآوردن نیازهای اقشار خرده‌پا در کنار کشاورزان پیشرو و از بین بردن جو بی‌اعتمادی نسبت به در نظر نیاوردن نظرات کشاورزان در پروژه‌ها را در برمی‌گیرد. لذا در عصر حاضر می‌توان اشکال مختلفی از مشارکت مردمی را در برنامه‌های توسعه مشاهده کرد چنان‌که تشکیل گروه‌های همیار، تعاونی‌های روستایی طرح اعتبارات خرد روستایی و شوراهای اسلامی روستاها از مصادیق گسترش مشارکت مردمی در جریان توسعه هستند در تعبیری گسترده مشارکت در قالب مشخص به عنوان ابزار لازم و ضروری آن در

نظر گرفته می‌شود این سازمان‌ها اعم از این که توسط افراد خارج از روستا یا خود روستاییان تأسیس شده باشند، به مثابه ابزاری برای توسعه مشارکت محلی عمل می‌کنند تا آنجا که برخی معتقدند که فرآیندهای مشارکتی، زمینه‌ساز ظهور سازمان‌هایی نظیر تعاونی‌ها یا سازمان‌های کشاورزان است که می‌توانند در توسعه نقش بسیار مهمی ایفا نمایند (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۳). در حقیقت در مسیر دستیابی به توسعه پایدار تأسیس تشکلهای اجتماعی فعال شامل اتحادیه‌ها و تعاونی‌های تولید یکی از بدیل‌های جلب مشارکت مردم محلی می‌باشد که می‌تواند نقش مؤثری در روند تغییر و تحولات مثبت جامعه داشته باشد درعین حال بایستی بین مشارکت فعال و غیرفعال در تعاونی‌های روستایی تمیز قائل شد همان‌گونه که در تصویر شماره ۱ مشاهده می‌گردد از دیدگاه از کیا مشارکت افراد در نهادهایی چون تعاونی‌ها را می‌توان در چهار سطح مجزا و البته مربوط به هم در نظر گرفت که عبارت‌اند از:



- ❖ آگاهی: مطلع بودن افراد از وظایف، حدود اختیارات، کارهای انجام شده، برنامه‌های آینده، مشکلات و امکانات شرکت تعاونی تولید روستایی؛
- ❖ تصمیم‌گیری: مؤثر بودن در اتخاذ تصمیم‌هایی که در سازمان درباره انجام امور گرفته می‌شود؛

- ❖ شرکت داشتن: حضور و همکاری در فعالیتهایی که تحت نظارت هر یک از سازمان‌های مربوط و یا مأمورین دولتی انجام می‌گیرد؛
- ❖ رضایت: داشتن احساس خوشایندی که از حسن انجام کار پس از ارزیابی نتایج فعالیت‌ها و کارهای انجام شده حاصل می‌گردد (سوختانلو، ۱۳۸۸).

اهداف تحقیق

هم‌اکنون شبکه گسترده تعاونی‌های تولید روستایی در اقصی نقاط کشور به خصوص روستاها، حضوری فعال داشته و به عنوان یکی از نهادهای گسترده با پوشش وسیع جغرافیایی، فعالیتهای زیادی مانند ارائه خدمات عمومی و اختصاص اعتبارات و تأمین نهاده‌ها و همچنین ارائه خدمات بازاریابی دارند و با توجه به نقشی که تعاونی‌های تولید روستایی، می‌توانند در بهبود نظام بهره‌برداری و ارائه محصولات به بازار و بالطبع بهبود وضع درآمدی و اشتغال کشاورزان به عهده داشته باشند، لازم به نظر می‌رسد که عملکرد این شرکت‌ها در کمک به کشاورزان مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و عملکرد آنها در مقایسه با اساسنامه آن تعاونی مورد تطابق قرار گیرد تا نهادهای ذی‌ربط و سیاست‌گذاران کشور از آن استفاده نمایند؛ بنابراین هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در توسعه پایدار کشاورزی می‌باشد.

اهداف فرعی تحقیق

۱- بررسی نقش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در توسعه پایدار کشاورزی و محدود کردن واسطه‌ها و عمده‌فروشان محصولات و همچنین تضمین خرید محصولات کشاورزی، باغی و علوفه با توجه به هزینه‌های تولید و سود عادلانه تولیدکننده در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی کشور.

۲- بررسی و شناسایی امکانات و استعدادهای بالقوه کشاورزی و منابع غذایی کشور توسط تعاونی‌ها و همچنین بررسی نقش این تعاونی‌ها در حمایت و ایجاد تسهیلات لازم جهت حمایت سرمایه‌گذاری‌ها در تولید فرآورده‌های غلات و ایجاد شبکه‌های آموزشی، ترویجی و تحقیقاتی و اطلاعاتی در زمینه مسائل و اصول فنی و علمی کشاورزان.

۳- بررسی نقش تعاونی‌ها در تبدیل کشاورزی‌های سنتی به صنعتی و بررسی نقش آنها در برنامه توسعه پرورش متخصصین.

پیشینه تحقیق در داخل کشور

هیچ‌گونه مطالعه‌ای نایبستی بدون بازنگری اولیه منابع و دانش موجود صورت پذیرد. محقق به منظور آشنایی با آنچه قبل از پژوهش وی انجام گرفته است، لازم است به بررسی تحقیقات مشابه انجام شده بپردازد. مطالعه در زمینه مسائل مربوط به موضوع مورد تحقیق که قبلاً توسط محققین دیگر به نگارش درآمده است به محقق کمک می‌کند تا از جنبه‌های دیگر مرتبط با موضوع مورد تحقیق علمی خود، آنچه تا کنون کشف شده است، روش‌های امیدبخش، مایوس‌کننده و مسائل حل نشده که باقی مانده است آگاه شود. (۴۸)

اگرچه در ایران مطالعاتی در زمینه شرکت‌های تعاونی روستایی انجام گرفته است اما کمتر به بررسی نقش و عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی در خصوص رفع مشکلات و معضلات کشاورزان که نقش اساسی در تأمین غذایی مورد نیاز جامعه را دارند پرداخته است؛ به عبارت دیگر بررسی جامعی در ایران وجود ندارد که عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی و یا راهکارهایی اصولی را برای تعالی و پیشرفت این تشکلهای بیان نمایند. با توجه به آنچه که گفته شد، برخی از مطالعات انجام شده در ایران که ارتباط با موضوع تحقیق حاضر داشته باشد و زمینه را برای نگرش مطلوب‌تر موضوع فراهم آورد اشاره می‌گردد.

موسی نژاد (۱۳۷۰) به بررسی نقش تعاونی‌های روستایی کشاورزی (ورامین) در خصوص بازاریابی محصولات اعضا و دلایل موفقیت و یا عدم موفقیت شناسایی مشکلات و نارسایی‌ها در این زمینه پرداخته است. ایشان معتقد است با توجه به نقشی که تعاونی‌های روستایی، می‌توانند در بهبود نظام بهره‌برداری و ارائه محصولات به بازار و برقراری تسهیلات حمل‌ونقل با هزینه منطقی و تأمین اعتبارات موردنیاز اعضا و بالطبع بهبود وضع درآمدی و اشتغال کشاورزان، به عهده داشته باشند. لازم به نظر می‌رسد که نقش این تعاونی‌ها در جهت کمک به کشاورزان و عملکرد این شرکت‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد و با یافتن مشکلات و نواقص کار این شرکت‌ها و تجدیدنظر در عملکرد آنها، راه‌حل‌هایی منطقی و عملی ارائه گردد تا نهادهای ذی‌ربط و سیاست‌گذاران کشور از آن استفاده نمایند. نتایج این پژوهش بیانگر این واقعیت می‌باشد که فقدان یک نظام بازاریابی مطلوب و کارآ، به همراه عدم وجود نظام

خدمات رسانی مطلوب در جهت تأمین نهاده‌ها و اعتبارات مورد نیاز کشاورزان که همگی از جمله اهداف و اصول شرکت‌های تعاونی روستایی قید شده است، افت تولید و در نهایت کاهش درآمد کشاورزان و دامپروران را در پی داشته و دارد. (۴۵)

هاشمی (۱۳۸۶) در تحقیق خود به عملکرد تعاونی‌های روستایی و نقش آن در توسعه روستاها (مازندران) می‌پردازد و در بررسی خود اظهار می‌دارد شرکت‌های تعاونی روستایی ریشه در مشارکت روستاییان داشته و در طول چهار دهه گذشته این شرکت‌ها خدمات ارزنده‌ای به روستاییان ارائه نموده‌اند، هر چند دارای نواقص زیادی بوده ولی می‌توانند پشتوانه قوی جهت برنامه‌ریزی و توسعه روستاها، همچنین مدیریت روستایی در سطح خود و در رابطه مستقیم با تولید و واحدهای بهره‌برداری باشند. همچنین در بررسی پیشنهادات و نیاز اعضا به تعاونی‌های روستایی از ۸ پارامتر بررسی شده دو پارامتر، ارائه خدمات اعتباری، توزیع نهاده‌های کشاورزی و خرید فروش محصولات کشاورزی توسط این شرکت‌ها نزدیک به ۶۰ درصد ارزیابی گردیده است و در نتایج اشاره گردیده که هر چند اساسنامه سازمان مرکزی و شرکت‌های تعاونی روستایی به این دو مورد توصیه اکید داشته ولی عدم اجرای صحیح آن در طول چند دهه، عدم پشتوانه مالی قوی و عدم خرید و فروش محصولات اعضا از مهمترین علل عدم موفقیت تعاونی‌های روستایی در ایران محسوب می‌شود. (۵۸)

خطیب (۱۳۷۷) در تحقیقی با عنوان "دامداری ایران گرفتار در دام بی‌سیاستی و چند سیاستی" به طور کامل و جامع به مشکلات و معضلات زیر بخش دام‌پروری کشور می‌پردازد. ایشان به مؤلفه‌های زیادی در این تحقیق پرداخته‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از: مؤثرترین سلاح اقتصادی که تأمین غذا و از جمله پروتئین مورد نیاز انسان و توجه به حفظ سرمایه‌های ملی در این زمینه از مهم‌ترین سلاح‌های سیاسی و اقتصادی بیان شده است. لزوم توجه به برنامه‌ریزی که البته عدم وجود مدیریت واحد و برنامه‌ریزی‌های متفاوت در زمینه دامداری‌ها مشکلات بی‌شماری را به وجود آورده است. دیدگاه‌های وزارت جهاد که در زمینه‌های مختلف همچون راه‌سازی، برق‌رسانی، صنایع روستایی، دام‌پروری و... که هر کدام تخصص و مدیریت ویژه‌ای را می‌طلبد مسئولیت دارد درحالی که این وزارت فاقد چنین امکاناتی در این امر می‌باشد و با حداقل کارایی در این زمینه‌ها ظاهر می‌شود. لزوم تشکلهای دامداری که در حال حاضر کشورهای موفق در دام‌پروری، متکی به برنامه‌ریزی‌های دقیق هستند و این کشورها با تشکیل تعاونی‌ها و اتحادیه‌های دام‌پروری به

نتایج فوق‌العاده‌ای دست‌یافته‌اند. مظهری از فن‌آوری و مدیریت در دامداری‌ها که به مسائل مختلفی همچون کمبود نقدینگی، اجرای شش برنامه مهم بازسازی و نوسازی دام‌پروری ایران، فرهنگ بسته‌بندی، کاهش واردات، ارز سازی از ضایعات و کمبود خوراک دام اشاره دارد. (۲۰)

فیروزآبادی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان بررسی موانع و مشکلات تعاونی‌های روستایی در بازاریابی محصولات کشاورزی (مورد مطالعه: شرکت تعاونی روستایی روستای کوشک هزار بیضا) بر این باور است که هدف پژوهش حاضر، بررسی موانع و مشکلاتی است که در بازاریابی کشاورزی تعاونی‌های روستایی وجود دارد. چارچوب نظری این پژوهش را بحث‌های مربوط به تعاونی‌های روستایی و بازاریابی محصولات کشاورزی تشکیل می‌دهند. این پژوهش با روش تحقیق کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق با کارمندان و اعضای تعاونی روستایی دهستان کوشک هزار و بررسی اسناد و مدارک موجود انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که تعاونی مورد نظر فقط در زمینه خرید محصولات کشاورزی تضمینی، فعال است. طبق نتایج پژوهش، کمبود امکانات زیرساختی (سردخانه، کارخانه فرآوری و بسته‌بندی و...)، کمبود اعتبار و سرمایه مالی تعاونی‌ها، ضعف در منابع انسانی (دانش، آگاهی، مهارت‌ها و...)، شفاف نبودن ارتباط بین سرپرستان و کارمندان تعاونی روستایی با اعضا و ضعف در ساختار بوروکراسی اداری تعاونی‌ها، از عوامل مؤثر بر ناتوانی تعاونی‌های روستایی در بازاریابی محصولات کشاورزی هستند. در نهایت، عوامل اجتماعی و فرهنگی به ویژه اعتماد متقابل و مشارکت فعال روستاییان در شرکت‌های تعاونی روستایی، نسبت به سایر عوامل مؤثر در عدم موفقیت تعاونی‌های مذکور در بازاریابی محصولات کشاورزی، از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

همپور (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان بررسی کارآفرینی شرکتی در شرکت تعاونی روستایی شباهنگ شهریار بر این باور است که با توجه به شواهد، شرکت تعاونی شباهنگ شهریار یکی از نمونه‌های موفق تعاونی روستایی در زمینه نوآوری و کارآفرینی است و لذا بررسی رویکرد این شرکت در زمینه کارآفرینی و عوامل تعیین‌کننده آن برای ارائه یک الگوی تجربی از شرکت‌های تعاونی‌های روستایی کارآفرین سودمند به نظر می‌رسد. این تحقیق به روش مورد-کاوی با هدف بررسی کارآفرینی شرکتی در تعاونی روستایی شباهنگ شهریار انجام شد. جامعه آماری شامل تمام مدیران و کارمندان این شرکت به تعداد ۲۵۰ نفر بود. نتایج

نشان داد که از بین مؤلفه‌های کارآفرینی شرکتی، مؤلفه‌های «حمایت مدیریت ارشد» و «اختیارات و آزادی عمل» به ترتیب اولویت بالاتری دارند. نتایج تحلیل عاملی عوامل تأثیرگذار بر توسعه کارآفرینی شرکتی به استخراج شش عامل «تعاملات نهادمند، بازاریابی و عرضه محصولات، بودجه‌بندی و تخصیص اعتبارات، کسب حمایت اجتماعی، مخاطب محوری و عملکرد مدیریتی» منجر شد. طبق نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام، ترکیب خطی متغیرهای بازاریابی و عرضه محصولات، مخاطب محوری، رضایت شغلی و کسب حمایت اجتماعی در مجموع ۵۱/۱ درصد از تغییرات کارآفرینی شرکتی در تعاونی روستایی شباهنگ را تبیین می‌کردند.

محمدی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای که با عنوان بررسی تأثیر آموزش اصول تعاونی بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی کهریزک می‌باشد. مشخص نمود بین آموزش اصول تعاونی و موفقیت شرکت تعاونی روستایی کهریزک رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد با توجه به اینکه این رابطه مثبت است، بنابراین با افزایش آموزش اصول، موفقیت شرکت تعاونی روستایی کهریزک افزایش می‌یابد.

گریس راد و همکارانش^۱ مداخله دولت در امور تعاونی‌ها را تنها در محدوده حفظ منافع اعضا در یک چارچوب قانونی، توجیه‌پذیر می‌دانند. بررسی نتایج گوناگون در ایران روی عملکرد شرکت‌های تعاونی فعال در بخش کشاورزی و عوامل مؤثر در آن نشان می‌دهد این شرکت‌ها عموماً عملکرد ناموفقی داشته‌اند. بر اساس این پژوهش‌ها، نگرش اعضا نسبت به تعاون، شناخت اعضا از اصول تعاون و آگاهی و مشارکت و آموزش اعضا در افزایش کارایی و بهبود عملکرد تعاونی‌ها نقش مهم و مثبتی داشته‌اند. (۶۵)

آقاجانی ورزنه (۱۳۸۰) با مطالعه تعاونی‌های تولید روستایی، اعلام می‌کند که اعضای این شرکت‌ها با فلسفه ایجاد و کارکرد تعاونی‌ها آشنایی نداشته، از آموزش کافی نیز بی‌بهره بوده، در مجموع تعاونی‌ها در راه رسیدن به اهداف تعیین شده موفق نبوده‌اند. همچنین این تعاونی‌ها در افزایش کارایی عوامل تولید و بهبود روش بهره‌برداری در جهت اقتصادی کردن فعالیت‌ها موفقیت چشمگیری نداشته‌اند. (۳)

^۱ Gripsrud et al, 2001

پیشینه تحقیق در خارج از کشور

راجندران (۲۰۰۴) صنعت شیر و تعاونی‌های لبنی در هندوستان را مورد مطالعه قرار داده است و پیشرفت و دست آوردهای این تعاونی‌ها را از سال ۱۹۷۰ به بعد را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و اظهار می‌دارد تعاونی‌های لبنیات در هندوستان که به عنوان بزرگترین طرح خدمات و استخدام روستایی می‌باشند توسعه این بخش را تا سطحی پیش بردند که این کشور نه تنها قادر شد تأمین‌کننده شیر کشور و تولیدات شیری شود بلکه فرصت‌های تجاری جهانی هم ایجاد کردند.

ازدمیر (۲۰۰۵) به بررسی تعاونی‌ها در ترکیه از تأسیس تا گسترش آنها در این کشور و انواع تعاونی‌های به وجود آمده در این کشور پرداخته است. تعاونی‌ها در ترکیه توسط رهبر آن، آتاتورک، اوایل دوره حکومت جمهوری این کشور تأسیس شدند. یکی از انواع تعاونی‌های تازه تأسیس تعاونی‌های کشاورزی بودند که خود به سه دسته، تعاونی‌های اعتباری^۱، تعاونی‌های فروش^۲ و تعاونی‌های تولید^۳ تقسیم می‌شوند؛ اما امروزه با وجود رشد این سه تعاونی در تعداد و افزایش کمی آنها، این تعاونی‌های کشاورزی تأثیر خیلی کمی در مسائل اقتصادی، اجتماعی و پیشرفت‌های صنعتی این کشور و بخش کشاورزی داشته است که محقق عوامل اصلی این ناکامی را مشکلاتی همچون مسائل مالی، آموزش و تحقیق، تولید اضافی، اجرا و نظارت، قانون‌گذاری، نظارت و رسیدگی کردن و عدم رابطه همکاری متقابل بین اعضا تعاونی‌ها عنوان می‌کند و با تجزیه و تحلیل این مشکلات در نهایت پیشنهاداتی جهت بهبود این تعاونی‌ها ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از:

- الف: همه بخش‌های تعاونی به حکومتی دموکراتیک و با توجه به چارچوب قانونی نیاز دارند.
- ب: آموزش‌های همگانی می‌تواند هم باعث افزایش توان اعضا در حل مشکلاتشان در تعاونی شود و هم حس وظیفه‌شناسی آنها را تقویت کند.
- ج: تعاونی‌های اعتبار با تأسیس بانک تعاونی، می‌تواند اندوخته‌های اعضا را جمع‌آوری و نگهداری کند. (۶۷)

^۱ ACC: Agricultural Credit Cooperative

^۲ ASC: Agricultural Sales Cooperative

^۳ ADC: Agricultural Development Cooperative

احد انگورانی (۱۳۷۷) در تحقیق خود با عنوان: کشورهای کم رشد و تلاش برای جبران عقب‌ماندگی با استفاده از شیوه‌های تعاونی به بررسی تعدادی از کشورهای عقب‌مانده و کم رشد می‌پردازد که در سال‌های اخیر توانسته‌اند با استفاده از شیوه‌های تعاونی برای انجام فعالیت در رفع نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد، در جهت اهداف توسعه کشور خود، به صورت متعادل و هماهنگ حرکت نمایند. این کشورها دریافته‌اند که دارای امکانات متعددی هستند که می‌توانند با اتخاذ شیوه‌ها و روش‌های صحیح و راه‌حل‌های عاقلانه از امکانات موجود به بهترین نحو استفاده نمایند و نارسایی‌ها را بزدایند و آنها را تحت کنترل خود درآورند و در رفع عقب‌ماندگی‌های خود کوشش نمایند.

در اغلب این کشورها با استفاده از امکانات موجود به منظور کمک به افزایش تولیدات کشاورزی در نقاط روستایی محروم و افزایش درآمد مردم از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی، اقدامات مفیدی با فراهم نمودن امکان مشارکت و تشریک‌مساعی افراد با یکدیگر در قالب مؤسسات خودیار و ترویج شیوه‌های تعاونی انجام پذیرفته و توأم بوده است. محقق به بررسی تعاونی‌ها در کشورهای مختلف از قبیل شیلی، پرو، بولیوی و هائیتی از کشورهای امریکای جنوبی و کشورهای هند، پاکستان، چین، مالزی، تایلند و سنگاپور از کشورهای آسیایی و ساحل عاج و غنا از کشورهای آفریقایی پرداخته و به طور مختصر در مورد بعضی از کشورها توضیحاتی ارائه داده‌اند. (۷)

انجمن کشاورزی استرالیا (۱۹۸۸) میزان مشارکت اعضاء با موفقیت شرکت‌های تعاونی رابطه مستقیم دارد. از سوی دیگر، میزان مشارکت با عواملی از قبیل میزان اعتقاد به اصول تعاون، میزان فعالیت اجتماعی، تأثیرگذاری اعضاء، بی‌طرفی تعاونی‌ها و میزان رضایت اعضاء و کارکنان تعاونی در ارتباط است. کوبیا و نوارو (۶۴) نیز بقای تعاونی‌ها در دراز مدت را در گرو مشارکت اعضاء می‌دانند. (۶۰)

جان و همکارانش (۲۰۰۱) که در تحقیقی به ارزیابی مدیران شرکت‌های تعاونی کشاورزی در امریکا پرداختند و میزان موفقیت آنها را مورد مطالعه قرار داده‌اند، نشان می‌دهند که مدیران سه اصل حداقل سود و خدمات بهتر، آزادی عضویت و رعایت انصاف و عدالت را از اصول مهم و مؤثر بر موفقیت تعاونی‌ها ارزیابی کرده‌اند. شناخت از اصول تعاون با افزایش سن مدیران رابطه مثبت و با سابقه مدیریتی رابطه منفی دارد، شناخت مدیران در برنامه‌های آموزشی رابطه مستقیم دارد. هم‌چنین تصمیم‌گیری در امور شرکت با سطح تحصیلات و

سن رابطه مستقیم و معناداری دارد. این تحقیق هم‌چنین نشان می‌دهد که مدیران عامل در زمینه تصمیم‌گیری بیشترین و در امور مالی کمترین توانایی را داشته‌اند. (۶۶)

وزارت کشاورزی امریکا (۱۹۹۸) در تحقیقی نشان می‌دهد که موفقیت شرکت‌ها تابعی از مشارکت اعضاء بوده است و میزان مشارکت اعضاء در امور تعاونی، با میزان اعتقاد به اصول تعاون، میزان فعالیت اجتماعی، تأثیرگذاری اعضاء، بی‌طرفی تعاونی‌ها و میزان رضایت از سایر اعضاء و کارکنان تعاونی در ارتباط است.

بهویان (۶۲) نیز عدم پایبندی اعضاء به تعاونی را مانع اصلی توسعه تعاونی‌های کشاورزی در امریکا ذکر کرده‌اند. در مطالعه‌ای دیگر بهویان و همکارانش (۶۱) پیروی از اصول اساسی تعاون را عامل اصلی در موفقیت تعاونی قلمداد کردند.

فصل دوم

بررسی مفهوم شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

تعاونی و گذشته آن

تعریف و مفهوم تعاون

تعاون در مفهوم عام به معنای با هم کار کردن برای رسیدن به یک هدف مشترک و محسوس با رعایت اصول و قواعد ویژه می‌باشد. واژه انگلیسی تعاون^۱ کلمه‌ای است مرکب از دو بخش «Co» که در زبان لاتین به معنای بیشتر و یا «با هم» به کار می‌رود و دیگری «operation» که از ریشه «operei» مشتق شده و به معنی عمل کردن و کار کردن می‌باشد. (۳۵)

تعاون در مفهوم کلی همکاری، خودیاری، همیاری، دگریاری، عملی که در داخل یک شرکت تعاونی صورت می‌گیرد، با هم کار کردن که در مقابل رقابت و رویارویی است اطلاق می‌گردد. تعاون از باب تفاعل و مصدر می‌باشد و اصل آن از کلمه «عدن» به معنای یاری کردن است. در اصطلاح علمی عبارت است از تمرکز امکانات و مساعی افراد و به کار گرفتن آنها در حصول به هدفی معین یا رفع نیازهای مشترک افراد. (۱۵)

بنابراین تعاون یک الگوی همگرایی اجتماعی، اقتصادی است که در رابطه‌ای متعامل بین افراد یا جوامع خاص برقرار می‌شود. تعاون یک ساخت اجتماعی، مرکب از عوامل مؤلفه متعددی است که ادراک آن بسیار دشوار است. (۳۳)

تعریف و مفهوم تعاونی

واژه تعاونی به لحاظ دستوری صنعت مصدر تعاون محسوب می‌شود که در واقع واحد سازمانی است که همکاری یا تعاون را آشکار می‌سازد و اصولاً نیازهای اعضای خود را در مناسب‌ترین شکل برآورده می‌سازد. واژه لاتین شرکت‌های تعاونی^۲ از اواسط قرن نوزدهم و به دنبال ایجاد مؤسسات اقتصادی مبتنی بر اصول تعاون رایج گردید. (۳۴)

از تعاونی‌ها تعاریف متعددی ارائه گردیده که در اینجا به چند مورد اشاره می‌گردد:

^۱ Cooperation

^۲ Cooperatic society

- اتحادیه بین‌الملل تعاون (ICA)^۱ در سی و یکمین کنگره خود که در سال ۱۹۹۵ در منچستر انگلستان برگزار گردید، تعاونی را این گونه تعریف کرده است: تعاونی انجمنی مستقل و متشکل از افرادی است که به طور داوطلبانه به منظور تأمین نیازها و اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از طریق اداره و نظارت دموکراتیک مؤسسه‌ای با مالکیت جمعی تأسیس نمایند. (۵۵)
- شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع نیازهای مشترک و بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی اعضاء از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان مطابق اصولی که در این قانون مطرح است تشکیل می‌شود. (۶)
- شرکت‌های تعاونی که برای رفع آن قسمت از نیازهای اعضاء خود که به صورت فردی عملی نیست و نیز جهت انجام فعالیت‌های تولیدی، عمرانی و یا خدماتی که نیاز به همکاری و همیاری گروهی دارد ایجاد می‌شوند و نقش اقتصادی آنها در کاهش هزینه‌های توزیع کالا، کنار نهادن واسطه‌های غیرضروری، گسترش مالکیت جمعی، برقراری عدالت اقتصادی-اجتماعی، ایجاد اشتغال مفید و هدف‌های ارزشمندی از این قبیل است. (۵۱)
- دکتر ژرژفو فرانسوی نیز این شرکت‌ها را چنین تعریف می‌نماید:
شرکت تعاونی اتحادی است از افراد که از یک طرف مشابه بودن برخی از نیازهای خود را قبول نموده‌اند و از طرف دیگر امکان رفع و ارضای بهتر این نیازها را توسط یک مؤسسه مشترک بر روش‌های فردی ترجیح داده‌اند. (۳۴)

نظریه‌های تعاونی و اصول مرتبط به آن

در خصوص ایجاد تعاون گرایی دو دیدگاه بین صاحب‌نظران وجود دارد، گروهی معتقدند زمینه‌های همیاری سنتی میان مردم و بعد از تجربیات متعدد موجب تنظیم نظریه‌ها و ضوابط تعاونی‌ها گردیده است. در مقابل گروه دیگر اعتقاد دارند که مسائل و مشکلاتی که بعد از صنعتی شدن به خصوص در انگلستان پدید آمد موجب طرح نظریه‌های تعاونی و اصول آن گردید. (۳۳)

^۱ International Cooperative Alliance

اصول تعاونی به شکل امروزی بر پایه اندیشه‌های پیشگامان نهضت تعاونی (راچدیل) در قرن نوزدهم پایه‌ریزی شد. بنیان‌گذاران شرکت تعاونی «راچدیل» نخستین کسانی بودند که اصول شرکت‌های تعاونی را تدوین و نهضت تعاونی را بر پایه‌های استوار بنا نهادند. آن زمان تا کنون همواره این اصول منشأ پیدایش تمامی نهضت‌های تعاونی در سراسر جهان بوده است. هرچند در این اصول تغییراتی رخ داد ولی روح آن همواره حاکم بر شرکت‌های تعاونی جهان بوده است. اصول و روشی که راچدیل بنیان نهاده است اکنون وسعت بی‌مانندی یافته و به صورت یک فلسفه اجتماعی با شعار: «اندیشه انسان، برای انسان و به دست انسان» درآمده است. (۳۵)

اتحادیه بین‌المللی تعاون اصول اولیه راچدیل را در موارد متعدد به ویژه در سال ۱۹۸۶ میلادی مورد تجدیدنظر کلی قرار داده و در سال ۱۹۹۵ نیز در کنگره یکصدمین سالگرد فعالیت این اتحادیه مجدداً مورد بررسی نهایی قرار گرفت و در آوریل همان سال به تصویب رساند. هم‌اکنون اصول تعاونی شامل هفت اصل اساسی است که عبارت‌اند از:

۱. عضویت داوطلبانه آزاد
۲. نظارت دموکراتیک اعضاء
۳. مشارکت اقتصادی اعضاء
۴. استقلال و عدم وابستگی
۵. آموزش، تربیت و اطلاع‌رسانی
۶. تعاون بین تعاونی‌ها (همکاری بین تعاونی‌ها)
۷. توجه ویژه به مسائل جامعه. (۵۸)

تعاون در اسلام

در مکتب والای اسلام تعاون جایگاه خاصی داشته و در قرآن مجید نیز انسان‌ها به تعاون در امور خیر، اجتماعی و اقتصادی دعوت شده‌اند. در قرآن آمده «تعاونوا علی البر و تقوی و الا تعاونوا علی الاثم والعدوان»^۱ که به صورت صریح و واضح نقش تعاون جهت جامعه بیان شده پس تعاون در مکتب اسلام سابقه ۱۴۰۰ ساله دارد. اسلام از طرفی دیگر اجیر شدن و به استخدام دیگران درآمدن و به بیان دیگر زیر یوغ دیگران بودن را نفی می‌نماید. (۵۶)

^۱ آیه دوم سوره مبارکه مائده

در مذهب شیعه هم تعاون جایگاه خاصی را در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم دارد. فرامین حضرت علی علیه‌السلام مبتنی بر رعایت سادگی، روش عادلانه بودن خرید و فروش و به ویژه تعیین قیمت مناسب همان اصولی است که بعداً در تعاونی‌های جهان به کار گرفته شده است. (۵۸)

تاریخچه تعاونی در جهان

تعاون به معنای با هم کار کردن برای انجام یک هدف مشترک در طول همه ادوار تاریخی وجود داشته است؛ به عبارت دیگر تعاون اقتضای زندگی اجتماعی بوده است، مشارکت‌های طبیعی افراد جامعه به اشکال مختلف وجود داشته و محصول رسوم بوده است. رفتاری که برای ارضای نیازی صورت می‌گیرد و در صورت تقلید دیگران و تکرار تثبیت شود، رسم را پدید می‌آورد که کارکردش ارضای نیازهای اجتماعی است. این مفهوم کلی تعاون دارای قواعد و مقررات نا نوشته‌ای است که تحت عنوان تعاون سنتی از آن یاد می‌شود. (۳۵)

در سه هزار سال قبل از میلاد در کشور مصر سازمان‌های پیشه‌وران و کارگران صنایع دستی به وجود آمده که اگرچه تحت نظارت حکام و پادشاهان وقت اداره می‌شد ولی تا حدودی آزادی عمل برای اعضای این سازمان‌ها وجود داشته است. در روم قدیم نمونه‌ای از تعاونی‌های پیشه‌وران در ۴۵۰ سال قبل از میلاد مشاهده شده که هر صنف دارای سازمان تعاونی خاص خود بوده است. (۹)

در چین سابقه تعاونی‌ها به ۲۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد که آثاری از وجود تعاونی به دست آمده است. در این تعاونی‌ها اعضاء دارای سهام مساوی، حق مساوی و سود مساوی بوده‌اند و حضور در جلسات عمومی برای اعضاء اجباری بوده است. دریافت وام بر اساس تقدم درخواست مبلغ پیشنهادی اعضاء صورت می‌گرفته است و در صورت تساوی درخواست مبلغ پیشنهادی، وام‌گیرنده به حکم قرعه تعیین می‌شده است. (۵۳)

تأسیس اولین شرکت‌های تعاونی در اروپا به صورت تعاونی بیمه در لندن و پاریس در سال ۱۵۳۰ میلادی آغاز یک حرکت جمعی و هماهنگ را نشان می‌دهد. به طوری که به تدریج رشد فکری و گرایش‌های تعاونی هم زمان با سیر تحولات اقتصادی و صنعتی از قرن ۱۵ تا ۱۸ میلادی در اروپا اتفاق افتاد. (۵۳)

بریتانیا نخستین کشوری بود که به وضع قانون تعاونی پرداخت، تعاونی‌های اولیه دوستانه (مصوب ۱۷۹۳) تشکیل می‌شدند. در انگلستان در سال ۱۸۳۱ اولین کنگره تعاونی با هدف تأسیس و گسترش تعاونی‌های تولید کارگری و تولید جمعی تشکیل شد که برای تأمین منابع مالی تعاونی‌ها پیشنهاد شد کارگران عضو تعاونی تولید هر هفته مبلغی بپردازند تا سرمایه کافی برای تشکیل و توسعه تعاونی‌ها فراهم گردد. (۵۳)

به هر صورت نهضت تعاونی که ابتدا جنبه اروپایی داشت به تدریج به سایر کشورها سرایت کرده و به صورت یک مسئله جهانی در آمد و در کشورهای درحال توسعه مورد استقبال قرار گرفت و با نفوذ تدریجی خویش نظام اقتصادی بسیاری از کشورها را تحت تأثیر قرار داده، به طوری که در بعضی از کشورها به عنوان یکی از ارکان سیاست اقتصادی درآمد و درصد زیادی از تولید و فروش محصولات را زیر پوشش تعاونی قرار داد. (۲۵)

به طور کلی می‌توان تاریخچه تعاون در جهان را از نظر اقتصادی به دو دوره تقسیم کرد:

- ✓ دوره اول: از آغاز زندگی اجتماعی انسان شروع می‌شود و از قرن ۱۵ میلادی به تدریج تحول می‌پذیرد.
- ✓ دوره دوم: با انقلاب صنعتی فرانسه، قرن ۱۸ میلادی شروع می‌شود که تعاونی‌ها را متحول و وارد دوران جدیدی می‌کند.

بنابراین دوره اول را عصر تعاون اجتماعی و دوره دوم را عصر تعاون صنعتی یا علمی می‌نامند. (۷۱)

تاریخچه تعاونی‌های روستایی در ایران

بسیاری از صاحب‌نظران مبنای تاریخی تعاون را در نخستین دوره‌های بشر و در محدوده تمدن‌های درخشان عهد عتیق چون مصر، چین، یونان و ایران جستجو کرده‌اند. (۳۷). در ایران تعاون به مفهوم واقعی کلمه از سابقه‌ای بس طولانی برخوردار است. این سابقه طولانی علاوه بر ویژگی‌ها و خصوصیات روحی و روانی مردم برخاسته از فرهنگ و اندیشه، اشکال زندگی اجتماعی، تمدن کهن ایرانی و همچنین شیوه‌های گوناگون تولید می‌باشد. تعاون و همیاری‌های مختلف اجتماعی در ایران نه تنها خود به وجود آمده از ویژگی‌های فوق است

بلکه در بسیاری از موارد عامل مهمی در شکل‌گیری تغییر و تحولات اجتماعی بوده است که در سراسر تاریخ پرفرازونشیب ایران به چشم می‌خورد. (۲۲)

طبق تحقیقات آقای عراقی و بر اساس تحقیق و کاوش محققین و دانشمندان نامی دنیا، نخستین ملتی که به سیستم تعاونی از نقطه نظر کشاورزی توجه نموده است ملت ایران بوده است. (۳۰)

آغاز تعاون رسمی در ایران را می‌توان به تصویب قانون تجارت ایران در سال ۱۳۰۳ خورشیدی دانست که مواردی از این قانون به بحث در مورد تعاونی‌های تولید و مصرف پرداخته بود؛ اما از لحاظ تشکیل و ثبت فعالیت تعاونی‌های رسمی به طور قانونی از سال ۱۳۱۱ خورشیدی شروع شد، اما در سال ۱۳۱۴ خورشیدی اولین شرکت تعاونی روستایی در منطقه داورآباد گرمسار تشکیل گردید و تا سال ۱۳۲۰ شرکت‌های تعاونی دیگری نیز به وجود آمدند که به دلیل عدم توجه به نظام تعاونی سنتی حاکم در روستاها و ابقاء نوعی تعاونی متفاوت با فرهنگ روستا با شکست مواجه شدند. (۳۵). در سال ۱۳۲۰ دولت از طریق بانک کشاورزی به تشکیل صندوق‌های روستایی در شهرستان‌ها پرداخت. این صندوق نیز دچار همان مشکلاتی گردیدند که بانک فلاح (که در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد ولی در عمل موفق نبود) با آن مواجه بود، به علت مشکلات ناشی از نفوذ ملاکین و منتفدین محل در صندوق‌ها و استقرار صندوق‌ها در مراکز شهرها، دوری راه و نبودن وسیله نقلیه یا هزینه زیاد رفت و آمد و همچنین عدم آشنایی روستاییان به نظام کاغذ بازی و همچنین ناچیز بودن مبلغ وام، دولت عملاً نتوانست از این طریق به تزریق سرمایه در روستاها بپردازد و کار شرکت‌های تعاونی به کندی پیش می‌رفت به طوری که طی ۹ سال فقط ۱۹ شرکت تعاونی در کشور تأسیس گردید که همگی شرکت تعاونی مصرف بودند و همه می‌توانستند سهام آن را خریداری نمایند. بانک مذکور به این صندوق‌ها به میزان پنج برابر سرمایه آنها کمک می‌کرد که وام به طور کوتاه‌مدت و با نرخ بهره پایین پرداخت می‌شده است. (۴۵)

از سال ۱۳۲۴ بانک تعاون کشاورزی ایران، کشاورزان را به تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی تشویق می‌کرد و چون تشویق این گونه شرکت‌ها با وجود صندوق‌های روستایی مشکلاتی به وجود آورد، در سال ۱۳۳۷ بانک مذکور تصمیم گرفت صندوق‌های روستایی را به شرکت‌های تعاونی روستایی تبدیل کند. تا دیگر مشکلات بانک فلاح و صندوق‌های تعاونی روستایی به وجود نیاید که بدین ترتیب تا قبل از اجرای قانون اصلاحات اراضی

(۱۳۴۱) تعداد ۹۲۵ شرکت تعاونی روستایی با عضویت ۳۵۵ هزار نفر و با سرمایه ۱۹۱ میلیون ریال تشکیل شد که اکثراً در تعاونی‌های اعتبار فعالیت داشتند. (۴۵). در سال ۱۳۵۰ قانونی به نام قانون شرکت‌های تعاونی با ۱۴۹ ماده به صورت آزمایشی و برای مدت ۵ سال به تصویب رسید. در ماده یک قانون مزبور آمده است: «شرکت تعاونی، شرکتی است از اشخاص حقیقی و حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی شرکا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان و تشویق به پس‌اندازی موافق اصولی که در این قانون مطرح است تشکیل می‌شود». (۳۵)

هم زمان با اجرای قانون اصلاحات ارضی، دولت متوجه این نکته شد که دادن زمین به روستاییان بدون وجود یک دستگاه رهبری و ارشاد مالی و خدماتی نمی‌تواند زندگی روستاییان و در وضع کار و تولید روستاها مؤثر باشد به همین جهت در ماده ۱۶ قانون اصلاحات ارضی عنوان شده است عضویت کشاورزانی که صاحب زمین و آب می‌شوند در شرکت‌های تعاونی ضروری است. در واقع طبق این ماده به افرادی زمین واگذار شده است که قبلاً عضویت شرکت‌های تعاونی را پذیرفته باشند. در ادامه اجرای قانون مزبور برای تقویت و توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی و توسعه عملیات اقتصادی و اجتماعی روستاها، ایجاد سازمان مستقلی را ضروری تشخیص دادند بر اساس این فکر در مردادماه ۱۳۴۲ سازمان مرکزی تعاون روستایی با سرمایه دولت به صورت شرکت سهامی رسماً تشکیل و وظایف تشکیل و ارشاد رهبری شرکت‌های تعاونی روستایی را به عهده گرفت. با تأسیس این سازمان بالا بردن سطح زندگی کشاورزان بیشتر مورد توجه قرار گرفت. برای توسعه فعالیت سازمان مرکزی تعاونی روستایی در سال ۱۳۴۶ وزارتخانه جدیدی به نام وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی تشکیل و سرمایه دولت در سازمان به وزارت مذکور واگذار شد ولی تدوین و تصویب اساسنامه آن در نوزدهم اسفندماه ۱۳۴۸ خورشیدی به تصویب رسید. (۵۶)

نام وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی نیز در فروردین ۱۳۵۰ به وزارت تعاون و امور روستاها تغییر یافت و سرمایه اولیه سازمان مرکزی تعاونی روستایی بالغ بر یک میلیارد ریال بود که تا آخر سال ۱۳۵۲ تا مبلغ ۲۱۶۴۶۸۰۰۰۰ ریال افزایش یافته است. از این مبلغ ۱۶۸۸۱۶۰۰۰۰ ریال آن متعلق به دولت (وزارت تعاون و امور روستاها) و مبلغ ۴۷۶۵۲۰۰۰۰ ریال آن متعلق به اتحادیه‌های شرکت‌های تعاونی روستایی می‌باشد. (۳۶). طبق اساسنامه سازمان، اتحادیه‌های تعاونی روستایی می‌توانند به تدریج سهام سازمان را

خریداری نمایند. در نتیجه سرمایه سازمان متعلق به اتحادیه‌های تعاونی روستایی خواهد گردید. چون سرمایه اتحادیه‌ها متعلق به شرکتهای تعاونی و سرمایه تعاونی‌ها نیز از آن کشاورزان عضو است؛ بنابراین سرمایه سازمان متعلق به کشاورزان عضو تعاونی‌ها خواهد شد. (۴۱)

بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بخش تعاونی در کنار بخش خصوصی و دولتی به رسمیت شناخته شد که اصل ۴۴ بیانگر این واقعیت است. این امر حاکی از توجه و عنایت خاص جمهوری اسلامی به نقش تعاونی‌ها در توسعه اقتصادی کشور می‌باشد. رشد کمی‌بالای شرکتهای تعاونی بعد از انقلاب متأثر از به رسمیت شناختن بخش تعاونی در قانون اساسی به عنوان یکی از بخش‌های اقتصادی کشور بوده است.

سیر تاریخی شرکتهای تعاونی در قانون اساسی ایران

در ایران مبنای حقوقی شرکتهای تعاونی بر اساس مواد ۱۰۷ الی ۱۱۲ قانون تجارت سال ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ خورشیدی که به تصویب کمیسیون پارلمانی عدلیه رسیده است می‌باشد.

در ماده ۱۰۷ از فصل دوم، شرکتهای تعاونی به دو نوع تولید و مصرف تقسیم‌بندی شده بود و در ماده‌های ۱۰۸ تا ۱۱۲ با تشریح قوانین مربوط به اهداف، مقاصد، چگونگی تقسیم منافع و ضررها و تعداد آراء اعضاء شرکت در مجمع عمومی و غیره پرداخته شده بود. البته این در حالی بود که اساساً نیاز به چنین شرکت‌ها و قوانینی هرگز احساس نگردیده بود. (۳۹)

این قانون در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ به موجب قانون تجاری دیگری در همین تاریخ به تصویب رسید لغو گردید. (۳۱)

در سال ۱۳۱۱ قانون تجارت ماده ۱۹۰ تا ۱۹۴ به تصویب رسید که تفاوت عمده‌ای با قانون قبلی در زمینه مسائل تعاونی ندارد و فقط شرط التزام شرعی را در تعاونی‌های تولید حذف نموده است. (۳۵)

پس از تصویب این قانون، در سال ۱۳۱۳ خورشیدی بانک فلاحیت تأسیس شد که در عمل موفق نبود (دلایل شکست این بانک در قسمت ۲-۳-۶ آورده شده است) و یک سال بعد یعنی ۱۳۱۴ اولین شرکت تعاونی روستایی در منطقه داورآباد گرمسار تشکیل گردید. (۴۵)

در سال ۱۳۳۲ لایحه شرکت‌های تعاونی در ۱۴ ماده تهیه و طبق قانون اختیارات به وسیله دولت وقت مورد تصویب قرار گرفت و برای اولین بار مسائل مربوط به شرکت‌های تعاونی از قانون تجارت جدا گردید. این قانون پس از دو سال اجرا، به دلیل مشاهده نقایص، در مردادماه سال ۱۳۴۴ با اصلاحاتی، قانون شرکت‌های تعاونی در ۱۱ ماده به تصویب کمیسیون مشترک مجلس شورا و سنا رسید.

در ماده یک قانون مزبور تعریف شرکت تعاونی به این صورت آمده است «شرکت تعاونی شرکتی است که برای مدت نامحدود به منظور رفع احتیاجات مشترک شرکا و بهبود وضع مادی و اجتماعی آنان برای یک یا چند منظور ذیل تشکیل می‌شود...» در ماده دو این قانون اصول تعاون آورده شده است. (۳۵)

با پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی، بخش تعاون به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه خاص قرار گرفت.

با وقوع انقلاب و تحولات ارضی جدید برعکس چند سال قبل از انقلاب (۱۳۵۱ الی ۱۳۵۷) که دوره رکود تعاونی‌ها بود با منحل شدن و تغییر نظام بهره‌برداری جمعی، شاهد گسترش تعاونی‌ها در سراسر کشور بوده‌ایم. (۳۸)

قانون بخش تعاونی در سیزدهم سال ۱۳۷۰ به تصویب رسید که در اصول ۴۳ و مخصوصاً ۴۴ از فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگاه تعاونی در نظام اقتصادی کشور مشخص گردیده است. (۳۴)

در اصل ۴۴ قانون اساسی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می‌شود. بخش دولتی که شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری و... و مانند این‌هاست که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است. (۵۸)

بخش تعاونی شامل کلیه شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی آن شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. (۴۵)

با توجه به این که ایران کشوری در حال توسعه بوده و اصولاً در این نوع کشورها در بخش‌های گوناگون اقتصاد کشور ناهماهنگی‌هایی دیده می‌شود لذا توجه به این اصل و محتوای آن نباید از نظر دور ماند. به همین دلیل است که صاحب‌نظران اقتصادی نسبت به اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی تأکید ویژه دارند با توجه به شرایط اقتصادی فعلی کشور و قرار گرفتن بخش تعاون مابین دو بخش دولتی و خصوصی جهت ایجاد تعادل بین دو بخش مذکور لزوم توجه جدی دولت به بخش تعاونی به عنوان تعدیل‌کننده دو بخش کاملاً ضروری است. (۵۸)

سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران

در سال ۱۳۴۲ سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران به منظور هدایت، حمایت و نظارت بر تعاونی‌های روستایی به صورت شرکت سهامی برای مدت نامحدود با سرمایه اولیه یک میلیارد و سیصد و چهل و یک میلیون ریال منقسم به یکصد و سی و چهار هزار و یکصد سهم ده هزار ریالی تشکیل گردید که قانون اساسنامه آن در نوزدهم اسفندماه ۱۳۴۸ مشتمل بر ۳ فصل و ۴۷ ماده به تصویب رسید. (۱)

سازمان مرکزی تعاون روستایی- سازمان تعاونی روستایی استان- اداره تعاون روستایی شهرستان که این تشکیلات به عنوان نمایندگان دولت در امر تعاونی‌های روستایی می‌باشد. (۵۸)

اهداف و وظایف سازمان

با توجه به ماده سه اساسنامه که عبارت است از تأمین موجبات پیشرفت، گسترش و تقویت تعاون در روستاها، توسعه عملیات بازاریابی، بازرگانی و خدمات تعاونی در روستاها در یک تقسیم‌بندی کلی وظایف سازمان عبارت است از هدایت، حمایت و نظارت بر شبکه

تعاونی‌های روستایی، کشاورزی، تعاونی تولید و روستایی زنان که به طور مفصل در اساسنامه آن ذکر گردیده است. (۱)

ارکان سازمان

شامل مجمع عمومی، شورا، هیئت‌مدیره و بازرسان می‌باشد. مجمع عمومی متشکل از صاحبان سهام سازمان است و حداقل در هر سال یکبار تشکیل می‌گردد. صاحبان سهام عبارت‌اند از: وزارت جهاد کشاورزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و اتحادیه مرکزی تعاونی روستایی و کشاورزی کشور. این شورا مرکب از ۵ نفر است که توسط مجمع عمومی برای مدت ۳ سال تعیین می‌شوند.

بازرسان: مرکب از دو نفر است که به پیشنهاد وزیر جهاد کشاورزی و تصویب مجمع عمومی برای هر سال مالی انتخاب می‌شوند. (۱)

سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران یکی از سازمان‌های زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی است که وظیفه توسعه روستایی و بخش کشاورزی از طریق تعاونی‌ها و تشکلات را بر عهده دارد. در سال ۱۳۴۲، سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران با ماهیت شرکت سهامی و وابسته به وزارت کشاورزی تأسیس شد. [۲] این سازمان در سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۵۰ زیرمجموعه وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی [۳] و در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۰ زیرمجموعه وزارت تعاون و امور روستاها [۴] بود و بعد از آن ذیل وزارت کشاورزی و عمران روستایی (وزارت جهاد کشاورزی کنونی) قرار گرفت. اساسنامه سازمان در سال ۱۳۴۸ به تصویب کمیسیون‌های دو مجلس رسید. [۵] ارکان سازمان شامل مجمع عمومی، شورا، هیئت‌مدیره و بازرسان می‌باشد که وزیر جهاد کشاورزی ریاست جلسات مجمع عمومی را برعهده دارد. مدیرعامل سازمان، رئیس هیئت‌مدیره نیز محسوب می‌شود. [۵]

وظایف سازمان

وظایف حاکمیتی

وظایف حاکمیتی سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران در قبال شبکه تعاونی‌های روستایی و کشاورزی به چهار حوزه تقسیم می‌گردد:

الف) وظایف سیاست‌گذاری:

در امور سازماندهی، ساماندهی، کارآمدسازی و ارتقاء سطح توانمندی‌های تخصصی، مهارتی، مالی، عملیاتی، خدمات‌رسانی و مدیریتی تعاونی‌های روستایی و کشاورزی.

ب) وظایف هدایتی:

- آموزش اصول تعاون و روش اداره شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی روستایی و کشاورزی.

- ترویج و اشاعه فرهنگ تعاون به منظور توسعه کمی و کیفی تعاونی‌ها.

- تعلیم و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز سازمان و تعاونی‌ها.

- ارائه خدمات فرهنگی به اعضاء، کارکنان و مدیران تعاونی‌ها.

ج) وظایف حمایتی:

حمایت‌های حقوقی، فنی و تخصصی، مالی، اعتباری (تسهیلاتی)، بازاریابی و بازررسانی محصولات کشاورزی، امورمطالعاتی و پژوهشی و نیز دفاع از منافع مادی و معنوی تعاونی‌های روستایی و کشاورزی درسطوح ملی، استانی و شهرستانی.

د) وظایف نظارتی:

نظارت و حسابرسی مستمر تعاونی‌ها و اتحادیه‌های سراسری، استانی و شهرستانی.

وظایف تصدی‌گری سازمان واگذار شده به شبکه

۱- تهیه و توزیع نهاده‌ها (کود، بذر، سم، نهال و...) و ماشین‌آلات کشاورزی.

۲- خرید، جمع‌آوری، نگهداری و فروش محصولات کشاورزی و نیز سایر محصولات تولیدی شرکت‌ها و اتحادیه‌های روستایی و کشاورزی.

۳- ایجاد تأسیسات نگهداری (انبار، سردخانه و...)، صنایع تبدیلی و نمایشگاه‌های محصولات کشاورزی.

- ۴- انجام خدمات عمومی و متفرقه مورد نیاز تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها (ایجاد صندوق بازنشستگی، تعمیرگاه‌های ثابت و سیار، ماشین‌آلات، ایجاد واحدهای اعتباری، تهیه و اجرای طرح‌های تبلیغاتی، ایجاد سیستم حمل‌ونقل و ...)
- ۵- تهیه، تولید، توزیع و فروش کالاهای مصرفی روستائیان و کشاورزان.
- ۶- انجام خدمات فنی جهت تهیه طرح‌های تولیدی.
- ۷- برگزاری دوره‌های آموزشی اعضا و ارکان تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها.
- ۸- ایجاد تأسیسات و ساختمان‌های اداری مورد نیاز تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها.

وظایف شبکه تعاونی‌ها و تشکله‌ها

- ۱- خرید و تهیه مواد و وسایل مورد احتیاج معیشتی و حرفه‌ای اعضا
- ۲- انجام عملیات جمع‌آوری، نگهداری، تبدیل، طبقه‌بندی، بسته‌بندی، حمل‌ونقل
- ۳- بازاریابی، ایجاد مراکز و بازارچه عرضه محصولات تولیدی اعضا
- ۴- انجام خدمات به منظور بهبود امور حرفه‌ای و یا زندگی اعضا
- ۵- بهره‌برداری جمعی و مشترک از اراضی ملکی یا استیجاری و ایجاد مجتمع‌های تولیدی
- ۶- تهیه و تأمین و توزیع انواع نهاده‌های کشاورزی
- ۷- ایجاد کارخانجات صنایع تبدیلی و تکمیلی، مراکز ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی
- ۸- برگزاری نمایشگاه جهت معرفی و بازاریابی و صادرات محصولات کشاورزی در داخل و خارج از کشور
- ۹- فراهم نمودن وسایل توسعه و ترویج تعاون و آموزش حرفه‌ای اعضا
- ۱۰- تأمین تسهیلات، عقد قرارداد و قبول نمایندگی مؤسسات بیمه و سایر مؤسسات مالی و بانک‌ها
- ۱۱- ایجاد رابطه با مؤسسات جهانی تعاون در چارچوب قوانین و مقررات کشور
- ۱۲- برگزاری دوره‌های آموزشی و تخصصی برای ارکان و اعضا تعاونی‌ها

۱۳- تأمین اعتبارات و وام‌های مورد نیاز اعضا با همکاری سازمان‌های مربوطه

انجام عملیات زیربنایی کشاورزی

۱- ایجاد واحدهای کشاورزی اعم از واحدهای زراعی، باغی، دامی و تأسیسات مورد نیاز

۲- انجام هرگونه معاملات جهت تأمین نیازهای نهاده‌ای و معیشتی اعضا

۳- انجام خدمات فنی و مشاوره‌ای به منظور تهیه و اجرای طرح‌های فنی و تولیدی

اهم برنامه‌های هدایتی سازمان مرکزی تعاون روستایی:

۱- تربیت انسان‌های با تفکر تعاون به‌عنوان تعاونگران در سطح روستا

۲- آموزش اصول تعاون و گسترش نهضت تعاون در سطح جامعه روستایی

۳- تربیت مدیران تعاونگر برای اداره شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی روستایی و کشاورزی در جامعه روستایی

۴- توسعه کمی و کیفی شبکه تعاونی‌ها و تهیه استانداردها و شاخص‌های توسعه‌ای آموزشی

۵- تدوین و بازنگری اساسنامه، دستورالعمل‌ها، آئین‌نامه‌ها برای ارتقاء سطح آگاهی تعاونگران شبکه

۶- تدوین تقویم سالیانه آموزشی و همکاری و همگامی با سایر دستگاه‌های آموزشی برای گسترش دانش و ارتقاء مهارت‌های علمی و کاربردی در سطح جامعه روستایی تعاونگر

۷- برپایی و تشکیل نمایشگاه‌ها، کارگاه‌های آموزشی، سمینارهای آموزشی و ترویجی برای اعضا و ارکان شبکه گسترده تعاونی روستایی

۸- ترتیب مسابقات علمی و آموزشی و اعطای جوایز به نفرات ممتاز شبکه تعاونی روستایی

۹- ایجاد ارتباط و قبول عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای شبکه تعاونی‌ها و استفاده بهینه از فرصت‌های جامعه بین‌الملل برای اعزام کارآموز به خارج از کشور و یا دعوت از اساتید خارجی برای گسترش دانش در سطح شبکه تعاون روستایی

اهم برنامه‌های حمایتی سازمان مرکزی تعاون روستایی

- ۱- توانمندسازی اعضاء و ارکان شرکت‌های تعاون روستایی و کشاورزی و اتحادیه‌های تحت پوشش برای تربیت انسان‌های توسعه‌یافته و خردپذیر
- ۲- تدوین و اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل در گردش کار
- ۳- توسعه و تقویت عملیات مدیریتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و خدماتی درروستاها برای رسیدن به مقاصد نهضت تعاون
- ۴- تأمین و تدارک عوامل پیشرفت، تقویت و توسعه عملیات جمع‌آوری، نگهداری، خرید محصولات و فرآوری و تبدیل و تکمیل این روند برای جلوگیری از ضایعات محصولات، ضرر و زیان کشاورزان عضو
- ۵- تقویت و اصلاح و بهبود سیستم حمل‌ونقل برای انتقال محصولات کشاورزی و بهینه‌سازی این صنعت
- ۶- تهیه و تولید و فروش نهاده‌های کشاورزی (کود، سم و...) و ماشین‌آلات و لوازم حرفه‌ای مورد نیاز اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی روستایی و کشاورزی و اعضاء آنها
- ۷- ارائه تسهیلات بانکی و اعتباری و تشکیل شرکت‌های اعتباری خرد در سطح روستا و قبول عاملیت بانک کشاورزی توسط تعاونی‌ها
- ۸- ارائه و تدوین طرح کشت‌های مشارکتی برای تهیه بذور اصلاح شده توسط شبکه و ارائه راهکارهای جدید برای شرکت در پویایی بخش و جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست

اهم برنامه‌های نظارتی سازمان مرکزی تعاون روستایی

- ۱- مراقبت و نظارت مستمر و حسابرسی شرکت‌ها و اتحادیه‌های شبکه تعاون روستایی
- ۲- ارزیابی مستمر شرکت‌های تعاونی روستایی، کشاورزی و اتحادیه‌های مربوط و ارائه تصویر وضعیت‌های موجود آنان برای پویایی و استمرار حیات شرکت‌ها
- ۳- تهیه و تنظیم مستمر گزارش فعالیت‌های انجام شده ماهیانه، سه ماهه، شش‌ماهه و سالیانه در شبکه تعاون روستایی و سازمان

۴- تهیه و تنظیم ترازنامه مالی و حساب سود و زیان سالیانه سازمان و شبکه تعاون روستایی برای تسلیم به بازرسان و مقامات و مجامع مورد نیاز در مجامع عمومی

۵- ایجاد مدیریت‌های حقوقی و بازرسی و خرید و فروش، کالاهای مصرفی و مالی واداری و حراست و حسابرسی و دفتر فنی و خدمات کشاورزی برای ایفای نقش نظارتی در سطح سازمان و شبکه گسترده تعاون روستایی

اتحادیه مرکزی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی ایران

اتحادیه مرکزی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی ایران در زیرمجموعه خود ۳۱ اتحادیه استانی و ۳۵ اتحادیه شهرستانی و ۱۵۶۲ شرکت تعاونی تولید روستایی را دارد که حدود ۵۰۴۳۷۹ نفر بهره‌بردار عضو در سراسر کشور را شامل می‌شود.

تعاون روستایی استان

تعاون روستایی استان در موارد مختلف مثل شرایط عضویت، سرمایه، ارکان، مقررات مالی و کلیات تشابه زیادی به اساسنامه سازمان مرکزی دارد.

تاریخچه و آمار و اطلاعات مربوط به شرکت‌های تعاونی تولید روستایی قبل و بعد از انقلاب

تعاونی تولید نوعی نظام بهره‌برداری کشاورزی در شکل حقوقی یک شکل اقتصادی تولید کشاورزی غیردولتی که از مدیریتی نسبتاً علمی و تخصصی برخوردار است و با اتکا به نیروی مردمی (اعضاء) و با تصمیمات مشارکت جویانه از طریق مجامع عمومی و هیئت‌مدیره، ضمن حفظ اصل مالکیت فردی و در نتیجه با انگیزه‌های فردی و خانوادگی تأسیس و فعالیت می‌نماید. بعد از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ برای رفع مشکل خردی و پراکندگی قطعات اراضی مزروعی و مسئله اعمال مدیریت صحیح و به‌کارگیری روش‌های پیشرفته در آن زمان اقدام به تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی شد. این اقدام بر اساس قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی (مصوب ۱۳۴۹) صورت پذیرفت و تا سال ۱۳۵۷ تعداد ۳۹ شرکت تعاونی تولید در کشور تأسیس گردید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حدود نیمی از تعاونی‌های تولید منحل و بقیه که ۱۹ واحد بود تقریباً بدون هیچ حمایتی از جانب دولت بکار خود ادامه دادند. در طول سال‌های اولیه بعد از انقلاب چندان توجهی به مقوله نظام

بهره‌برداری از منابع تولید کشاورزی کشور بطور اعم و تعاونی‌های تولید روستایی به طور اخص نمی‌شد.

لیکن مشکل خردترشدن اراضی و تشدید پراکندگی قطعات اراضی مزروعی کماکان ادامه داشت. دهه ۶۰ توجه محافل تخصصی و علمی به مقوله نظام‌های بهره‌برداری و دستیابی به شیوه‌های مناسب‌تر بهره‌برداری از منابع جلب گردید و احیاء و توسعه تعاونی‌های تولید بطور اخص و توجه به نظام بهره‌برداری کشاورزی بطور عام در دستور کار وزارت کشاورزی وقت قرار گرفت. دور جدید توسعه تعاونی‌های تولید روستایی از سال ۱۳۶۸ (از آغاز اجرای برنامه اول توسعه) با تأسیس ۵ شرکت جدید آغاز گردید و در سال‌های بعد شتاب بیشتری گرفته و تا پایان سال ۱۳۸۸ تعداد تعاونی‌های تولید روستایی ۱۲۳۰ شرکت رسید.

در شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی سعی شده است با یکپارچه‌سازی و تجهیز و نوسازی اراضی حد و مرز زمین هر خانوار به عنوان جزئی از یک قطعه زمین بزرگ حفظ گردد. این امر امکان کاربرد روش‌ها، فنون و ابزار و ماشین‌آلات نوین، کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری با حفظ استقلال و انگیزه‌های فردی را فراهم می‌سازد.

بطوریکه علاوه بر تأمین مزایای مالکیت فردی با رعایت همیاری و کار و تولید جمعی در سطح شرکت وحدت سه اصل مالکیت، حاکمیت و عاملیت نیز حفظ می‌شود؛ بنابراین خانوارهای روستایی در کسب عضویت تعاونی‌های تولید روستایی نه تنها چیزی را از دست نمی‌دهند. بلکه از امکانات و تسهیلات حاصل از تشکیل شرکت مثل دسترسی سریع و بموقع به ابزار و وسائل کشاورزی مورد نیاز و استفاده صحیح و مناسب از آنها با کمترین هزینه ممکن نیز برخوردار می‌شوند.

جدول ۱-۲. اهداف کمی شرکت‌های تعاونی تولید در برنامه پنجم سازندگی (۹۴-۱۳۹۰)

ردیف	نام طرح/سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	جمع کل
۱	ایجاد و توسعه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی	۹۶	۱۳۶	۱۸۰	۲۱۴	۲۴۴	۸۷۰
۲	میزان اراضی تحت پوشش (هکتار)	۱۹۶۸۹۶	۲۷۸۹۳۶	۳۶۹۱۸۰	۴۳۸۹۱۴	۵۰۰۴۴۴	۱۷۸۴۳۷۰
۳	تعداد بهره‌برداران (نفر)	۱۹۲۰۰	۲۷۲۰۰	۳۶۰۰۰	۴۲۸۰۰	۴۸۸۰۰	۱۷۴۰۰۰

تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در ایران

قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی هرچند نسق زارعان به صورت قطعات پراکنده بود اما روابط ارباب‌ورعیتی و ترکیب عوامل تولید تا حد زیادی جلوی بروز اشکالات ناشی از خردی و پراکندگی زمین را می‌گرفت. پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی مالکیت‌های بزرگ به خرده‌مالکی تبدیل شد. گرایش و اقدام زارعان به «افراز» زمین‌ها باعث شد که اراضی مزروعی به صورت قطعات کوچک و پراکنده درآیند.

پراکندگی و کوچکی قطعات کشاورزی در اتلاف نیروی کار، زمین و آب و همچنین بالارفتن هزینه‌های تولید و غیراقتصادی شدن تولیدات کشاورزی سهمی بسزا داشت. یکی از هدف‌های عمده ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید روستایی و کشت و صنعت‌ها و به‌طور کلی قطب‌های کشاورزی یکپارچه کردن زمین‌ها و منابع و امکانات و استفاده از تکنولوژی به منظور بالا بردن بازده تولید و کاهش هزینه‌ها بود. شرکت‌های سهامی زراعی از اواسط دهه چهل و شرکت‌های تعاونی تولید روستایی از اوایل دهه پنجاه در بخش کشاورزی ظاهر شدند.

شرکت‌های تعاونی تولید روستایی به صورت فعلی خود که در نقاط مختلف کشور مشغول فعالیت‌اند از سال ۱۳۵۱ براساس قانون تعاونی کردن تولید و یکپارچه ساختن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی به وجود آمد و بتدریج طی سال‌های بعدی گسترش یافت. در تشکیل این شرکت‌ها نحوه عمل به این ترتیب بوده است که پس از پذیرش زارعان ابتدا، اراضی متفرق فرد فرد آنان به قطعات واحد تبدیل شده و پس از یکپارچه کردن اراضی مربوط به چند زارع، قطعاتی به وسعت و اندازه بین ۱۰ تا ۳۰ هکتار تشکیل می‌گردد. در روی این قطعات یکپارچه کشاورزان برحسب تمایل و انتخاب خود گروهی در قالب نظام تعاون تشکیل داده و برطبق اصول برنامه‌ریزی شرکت به فعالیت تولیدی می‌پرداختند. شرکت، کلیه خدمات فنی و نهاده‌های مورد نیاز گروه‌های زراعی را تأمین می‌کرد. به این ترتیب با یکپارچه شدن اراضی، اجرای عملیات زیربنایی نظیر تسطیح اراضی، احداث شبکه‌های آبیاری و زهکشی جدید و قطعه‌بندی مزارع به آسانی ممکن شده و امکان انجام عملیات زراعی به صورت مکانیزه فراهم آمد. طی سال‌های ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۶ جمعاً ۳۵ شرکت تعاونی تولید روستایی در نقاط مختلف کشور ایجاد شد و تا سال ۱۳۵۸ در همین رقم باقی ماند. پس از انقلاب از آنجا که در بعضی از نقاط کشور روستاییان عضو

این شرکت‌ها مایل به انحلال و در بعضی نقاط خواستار ابقای آنها بودند تصمیم مسئولان براین قرار گرفت که به خود روستاییان رجوع و نظر آنان در این زمینه خواسته شود. لذا مجامع عمومی این شرکت‌ها تشکیل گردید و نظرات اعضا خواسته شد که در نتیجه از ۳۵ شرکت، اعضای ۱۹ شرکت رأی به ابقا و ۱۶ شرکت رأی به انحلال دادند و این رقم تا سال ۱۳۶۸ ثابت ماند. در این سال بار دیگر براساس تمایل روستاییان بعضی مناطق کشور که درخواست تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی را داشتند و همچنین براساس پیش‌بینی برنامه پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی و اجتماعی در مورد شرکت‌های تعاونی روستایی جدید تا میزان ۱۰۰ شرکت (سالی ۲۰ شرکت) و تقویت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی ابقا شده، بتدریج اقدام به تأسیس شرکت‌های جدید در مناطق مختلف کشور گردید و باتوجه به تقاضای تشکیل شرکت‌ها که همراه با توافقی‌نامه‌های آن و اعلام داوطلبی روستاییان از مناطق مختلف کشور به قسمت واحدهای تولیدی و کشت و صنعت‌های وزارت کشاورزی رسیده بود مراحل قانونی ثبت و مقدمات تشکیل آنها بتدریج انجام پذیرفت.

۲- بعد از انقلاب

بعد از ظهور انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۷ و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصولی در قانون در جهت تقویت بنیان اقتصاد پیش‌بینی و به تصویب رسید. براساس اصل ۴۳ قانون اساسی، تأمین آزادی انسان و نگرش به اقتصاد تنها به صورت وسیله‌ای برای حفظ آزادی اوست. بند ۲ از اصل ۴۳ می‌گوید: تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار آنان برای همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند. در دنباله در اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی صحیح و منظم استوار است. برخی از محققین بند ج از اصل ۲ و بندهای ۴ و ۶ و ۸ و ۱۲ و ۱۵ از اصل ۳ را نیز حاکی از تأیید و تأکید قانون اساسی بر تعاون و شیوه‌های تعاونی دانسته‌اند. بنابراین در قانون اساسی تأکید زیادی بر تعاون شده است.

شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

هم اینک بحث شرکت‌های تعاونی تولید روستایی محور برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی شده است. هدف تشکیل این شرکت‌ها یکپارچه کردن اراضی زارعان داوطلب عضو

شرکت‌های تعاونی روستایی، فراهم آوردن امکانات برای حداکثر بهره‌برداری از منابع آب و خاک کشور، ترویج شیوه‌های نوین کشت و کار و استفاده صحیح از ماشین‌های کشاورزی و احیای اراضی بایر و مسلوب‌المنفعه و موات، تبدیل فرآورده‌های دامی، زراعی و در نهایت افزایش تولید و درآمد کشاورزان و روستاییان و تأمین رشد مداوم اقتصاد کشور بوده است. قانون تعاونی‌های تولید روستایی گرچه در سال ۱۳۵۱ به تصویب رسید ولی عملاً تا سال ۱۳۵۶ تعداد ۳۵ شرکت بیشتر تأسیس نشد که ۲۰۷ روستا را با محدوده اراضی بالغ بر ۵۷ هزار هکتار که ۴۰ هزار هکتار آن زیر کشت بود و از ۱۱ هزار عضو تشکیل می‌شد پا فراتر نگذاشت. در ۷۰/۶/۱۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسید و می‌رفت که کلیه تعاونی‌های روستایی کشاورزی و شهری، تحت لوای تعاون و پوشش وزارت تعاون درآیند؛ اما بر اساس یک تبصره سازمان مرکزی تعاون روستایی از شمول قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۶/۱۴ مستثنی و قانون موصوف به سازمان شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید روستایی نیز تسری یافت و شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی روستایی و کشاورزی و تولیدی تحت زعامت وزارت کشاورزی باقی ماندند. مجدداً در سال ۱۳۷۷ با توجه به اصلاحیه مورخ ۱۳۷۷/۷/۵، بند ۳۰ ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران الحاق و به موجب این بند تشکیل تعاونی در بخش کشاورزی از وظایف و اختیارات وزارت تعاون محسوب گردید. آنچه حائز اهمیت است وجود کانال‌های موازی جز اتلاف وقت و سردرگمی برای تولیدکنندگان ثمره‌ای در بر ندارد.

سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران با انجام تحولی شگرف به نوسازی، تغییر ساختارهای تشکیلاتی و تحول در نگرش‌ها، احداث ده‌ها واحد سردخانه و صدها انبار، شناساندن شبکه به مردم و دولت، رفع موانع و مشکلات توسعه کمی و کیفی و انجام زیرساخت‌های اصولی و بنیادین در روستا دست زد و عملاً شرکت‌های تعاونی روستایی را از حالت توزیع‌کننده صرف وارد بازار تولید و فرآوری محصولات کشاورزی نمود. درواقع با کاهش دخالت‌های نابجا راه را برای توسعه هر چه بیشتر تعاونی‌ها از طریق خودیاری و تصمیمات محلی هموار نمود.

نتایج حاصل از تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و مشکلات آنها

اکنون بیش از دو دهه از تأسیس و ایجاد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی می‌گذرد، در این مدت مسئولان این شرکت‌ها تجربه‌هایی اندوخته‌اند و کشاورزان عضو تا حدودی با نحوه کار این شرکت‌ها آشنایی پیدا کرده‌اند. اکنون دیگر سخنی از بودن یا نبودن این نوع تعاونی‌ها نیست بلکه سخن در این است که چگونه باید باشند.

سخن در این است که شرکت‌های تعاونی تولید موجود را به چه نحو می‌توان فعال کرد و تعاونی‌های جدید را چگونه تشکیل داد. بررسی‌هایی که طی سال‌های اخیر در چند شرکت تعاونی تولید روستایی به عمل آمد نشان می‌دهد با توجه به اینکه هدف اصلی و عمده تشکیل شرکت‌های مزبور زیر کشت بودن زمین‌ها به صورت تعاونی به مفهوم کاشت، داشت برداشت یکجا و استفاده حداکثر از آب و خاک و ماشین‌آلات و سایر نهاده‌ها و جایگزین کردن شیوه کشت جمعی و ایجاد روحیه تعاون در بین کشاورزان بوده است ولی در عمل شرکت‌های مورد بررسی در امر یکپارچه کردن اراضی و تشکیل گروه‌های کار زراعی موفقیت پیش‌بینی شده را به‌دست نیاورده‌اند.

مسائلی از قبیل کمبود نهاده‌های کشاورزی، کوچک و پراکنده بودن قطعات، مالکیت زمین، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، افزایش هزینه‌های تولید، بالا رفتن قیمت زمین‌های کشاورزی، تمایل کشاورزی به افراز زمین و اقدام به فروش آنها و نبود روحیه تعاون و همکاری در پاره‌ای موارد از جمله مسائلی است که در تمام مناطق روستایی کشور کم‌وبیش به چشم می‌خورد.

مسائل و مشکلات ارائه شده در ذیل تلفیقی است از مسائل و مشکلات کلی بخش کشاورزی و مسائل و مشکلات خاص شرکت‌های تعاونی تولید روستایی که در حال حاضر مبتلا به اکثریت قریب به اتفاق آنهاست و برای ارتقا و توسعه این تعاونی‌ها شکی نیست که باید در پی رفع آنها مجدانه کوشید و این شیوه بهره‌برداری را که با قبول اصل مالیت زمین، زارعان را تشویق به کار جمعی و گروهی می‌کند رواج داد.

مالکیت زمین، در حال حاضر یکی از اصلی‌ترین مسائل موجود در راه یکپارچه کردن اراضی و تشکیل گروه‌های کار زراعی و نتیجتاً فعال کردن شرکت‌های تعاونی تولید مسئله مالکیت زمین است، به‌طوری که قوانین مالکیت وارث باعث شده است که یک قطعه زمین، هرچند

کوچک، متعلق به چندین نفر باشد و در هنگام تصمیم‌گیری و حل و فصل مسائل، مسئولان با شخص یا مالک مشخصی مواجه نباشند. تعداد مالکان و کوچک بودن میزان مالکیت، هریک به نوبه خود مسئله‌ای است که باید به رفع آن پرداخت.

پراکنده و خرد بودن اراضی کشاورزی هر زارع در چند نقطه و اغلب در قطعات جدا از یکدیگر و در نقاط مختلف روستا، تبعیت نکردن کشاورزان از برنامه کشت سالانه شرکت و نخریدن بموقع محصولات از طرف مسئولان، یکی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی در مناطق برای استقرار این شرکت‌هاست، دوم مسائلی که به‌نحوه تشکیل و اداره و ارائه خدمات شرکت‌های مذکور مربوط است:

روی آوردن زارعان به کشت محصولاتی از قبیل صیفی که در بازار خریدار بیشتری دارد و توزیع نکردن بموقع نهاده‌ها مسائلی است که اغلب باعث می‌شود زارعان از برنامه کشت سالانه شرکت‌ها تبعیت نکنند. در چند سال اخیر اغلب ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی به علت فرسودگی از رده خارج شده و ابزار و ماشین‌آلات جدیدی جایگزین آنها نشده است این امر باعث شده شرکت‌ها از بابت ارائه خدمات ماشینی به اعضا در مضیقه باشند و در اغلب موارد زارعان نیاز خود را از خارج شرکت تأمین کنند.

طی سال‌های اخیر اغلب شرکت‌ها از اعتبارات لازم و کافی برخوردار نبوده‌اند. با توجه به اینکه برای مطالعه و تهیه طرح‌های فنی و مهندسی و عملیات زیربنایی مانند تسطیح، راه‌سازی، احداث شبکه‌های آبیاری، اصلاح اراضی، ایجاد ساختمان و تأسیسات عمومی نیاز به اعتبارات بلاعوض است و ضروری است اعتبارات لازم از طریق مراجع ذیصلاح در اختیار این شرکت‌ها قرار گیرد. از لحاظ نیروی انسانی شرکت‌ها در حد پایینی قرار دارند و هر ساله از تعداد نیروی انسانی آنها کاسته شده است. به منظور فعال کردن این شرکت‌ها لازم است پرسنل کافی با تخصص‌های لازم در اختیار آنان قرار گیرد و در صورت امکان برای جلوگیری از جابه‌جایی سریع مدیران و مسئولان این شرکت‌ها از افراد محلی و بومی استفاده شود تا از اتلاف امکانات مادی و معنوی جلوگیری شود. تأمین نشدن مواد اولیه و فقدان استاد کاران ماهر باعث شده که در این شرکت‌ها کارگاه‌های صنایع‌دستی حرفه‌ای روستایی به حالت تعطیل یا نیمه تعطیل در آید (شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان اصفهان). با توجه به اینکه این نوع فعالیت‌ها می‌تواند در اشتغال و استفاده از اوقات بیکاری

روستاییان و ایجاد منبع درآمد برای آنها مفید باشد، لازم است برای فعال کردن کارگاه‌های موجود واحداث کارگاه‌های جدید پیش‌بینی لازم به عمل آید.

پیشینه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

شرکت تعاونی تولید روستایی به عنوان یک نظام بهره‌برداری از زمین، دارای قانون، آیین‌نامه و اساسنامه مدونی است و براساس اهداف و موضوع و حدود عملیات مندرج در اساسنامه (مصوبه ۱۳۹۱/۲/۱۹- هیئت مدیره سازمان مرکزی تعاون روستایی کشور) این شرکت‌ها در جایگاه مدیریت تولید در جهت حفظ منابع آب‌وخاک، ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید، تخصیص و بهره‌برداری بهینه منابع، افزایش کمی و کیفی تولید محصولات کشاورزی (زراعی، باغی، دامی، جنگل، مرتع و آبریان و...)، تحقق کشاورزی پایدار، حفظ محیط زیست، بهبود وضعیت معیشتی و ارتقای توان اقتصادی اعضا آن تشکیل می‌شوند.

پس از اصلاحات ارضی برای رفع مشکل خردی و پراکندگی قطعات اراضی مزروعی و مسئله اعمال مدیریت صحیح و به‌کارگیری روش‌های پیشرفته کشاورزی تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در دستورکار وزارت وقت قرارگرفت. این اقدام براساس قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی (مصوب ۱۳۴۹) صورت پذیرفت و تا سال ۱۳۵۷ تعداد ۳۹ شرکت تعاونی تولید روستایی در کشور تأسیس گردید.

اولین شرکت تعاونی تولید روستایی در سال ۱۳۵۱ بنام اوج تپه در شهرستان میاندوآب استان آذربایجان غربی تأسیس شد. تا سال ۱۳۵۶ تعداد این شرکت‌ها به ۳۹ واحد در ۱۲ استان کشور رسید. بیش‌ترین شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در استان‌های آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی، اصفهان و فارس تأسیس شدند. به استناد قانون فوق از سال ۱۳۵۱ همه ساله اعتباراتی جهت کمک به تأسیس و راه‌اندازی و تجهیز شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در نظر گرفته شد. این اعتبارات صرف احداث ساختمان‌ها، تعمیرگاه‌ها، کارگاه‌های صنایع دستی و اصطبل‌های دامداری می‌شد. کادر فنی شرکت تعاونی تولید روستایی و از جمله مدیرعامل از بین کارکنان وزارت تعاون و امور روستاهای وقت تأمین می‌گردید که معمولاً شامل یک یا دو کارشناس، یک یا دو حسابدار، دو نفر تکنسین می‌شد.

برای هر شرکت تعاونی تولید روستایی در بدو تشکیل ماشین‌آلات شامل خودرو صحرایی، تراکتور سنگین، کامیون، وانت و موتورسیکلت تأمین می‌گردید و ماشین‌آلات کشاورزی

می‌بایستی از طریق اخذ وام با دوره بازپرداخت ده ساله تهیه می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حدود نیمی از تعاونی‌های تولید روستایی منحل و بقیه که ۱۹ واحد بود تقریباً بدون هیچ حمایتی از جانب دولت به کار خود ادامه دادند.

دلایل انحلال از دو جنبه عوامل درونی و عوامل بیرونی قابل بررسی‌اند. از جمله عوامل درونی می‌توان به منافع اقتصادی تعدادی از بهره‌برداران که اراضی بیشتری داشتند، ضعف آگاهی اعضا شرکت‌های تعاونی تولید روستایی از منافع حاصل از فعالیت‌های جمعی و عدم هماهنگی برخی مدیران با اعضا هیئت مدیره و سایر اعضا اشاره نمود.

جدول ۲-۲: مشخصات شرکت‌های تعاونی تولید روستایی قبل از انقلاب اسلامی

تعداد شرکت	تعداد استان	تعداد شهرستان	تعداد روستاها و مزارع	مساحت محدود شرکت (هکتار)	مساحت اراضی کشاورزی (هکتار)	تعداد اعضا	جمعیت تحت پوشش شرکت‌ها
۳۹	۱۲	۱۸	۲۱۹	۱۰۵/۶۲۶	۵۳۲۱۱	۱۰۱۸۱	۹۶۸۵۱

منبع: وزارت تعاون و امور روستاها، اسفند ۱۳۵۶

تا سال ۱۳۶۸ برای مدت ۱۱ سال تقویت مقوله نظام بهره‌برداری به طور اعم و شرکت‌های تعاونی تولید روستایی به طور اخص تا حدود زیادی مغفول ماند. در همان حال مشکل خردشدن اراضی و تشدید پراکندگی قطعات اراضی مزروعی کماکان ادامه داشت. در این سال توجه محافل تخصصی و علمی به مقوله نظام‌های بهره‌برداری و دستیابی به شیوه‌های مناسب‌تر بهره‌برداری از منابع جلب گردید و احیاء و توسعه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در دستورکار وزارت کشاورزی وقت قرار گرفت. دور جدید توسعه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی از سال ۱۳۶۸ (از آغاز اجرای برنامه اول توسعه) با تأسیس ۵ شرکت جدید آغاز گردید و در سال‌های بعد شتاب بیشتری گرفت.

در جدول شماره (۲-۳) روند رشد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در برنامه‌های اول و دوم توسعه در جمهوری اسلامی نشان داده شده است.

جدول ۲-۳: وضعیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در برنامه اول و دوم توسعه

عنوان	تعداد تعاونی	میزان اراضی (هکتار)	تعداد عضو	تعداد روستا	متوسط زمین هر عضو (هکتار)
برنامه اول تا پایان ۱۳۷۳	۱۶۳	۴۹۹۴۲۲	۳۴۴۵۸	۹۱۷	۱۴/۵
برنامه دوم تا آذر ۱۳۷۶	۳۶۳	۹۹۲۲۶۹	۸۰۹۲۹	۹۲۱	۱۲/۲۶
جمع	۵۲۶	۱۴۹۱۶۹۱	۱۱۵۳۸۷	۱۸۳۸	۱۲/۹۲

در پایان برنامه سوم توسعه ۷۳۴ شرکت تأسیس شد. در برنامه چهارم توسعه تشکیل ۱۴۰۵ شرکت پیش‌بینی شد. براساس آخرین آمار تا شهریور سال ۱۳۸۶ تعداد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی به ۱۰۸۵ شرکت رسید.

مطالعات انجام شده از طریق صندوق مطالعات نظام بهره‌برداری نشان داد که سیاست توسعه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی صحیح بوده و آن‌ها توانسته‌اند مسیر بهبود و توسعه کشاورزی را به خوبی طی کنند و به عنوان نظام بهره‌برداری مطلوب خود را در بخش کشاورزی نهادینه نمایند. در سال ۱۳۷۸ با این تفکر که این واحدها، تشکلهای مستقل بوده و می‌بایستی توسط ارکان شرکت‌های تعاونی تولید روستایی شامل مجمع عمومی، هیئت مدیره و مدیرعامل منتخب اداره می‌شدند و نقش دولت عمدتاً نقش حمایتی و هدایتی باید باشد. سیاست خودگردانی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی آغاز شد که از این سال تاکنون تقریباً تمام آن‌ها خودگردان شده‌اند.

جدول ۲-۴: تعداد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی تشکیل شده به تفکیک در سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰

سال	تعداد	کل اراضی	تعداد اعضا	مالکیت هر عضو	تعداد قراء
۱۳۶۷	۱۹	۳۴۲۷۰	۵۱۳۱	۶/۶	۱۲۱
۱۳۶۸	۵	۲۹۳۵۰	۱۸۸۱	۱۵/۶	۲۴
۱۳۶۹	۲۹	۶۴۷۷۷	۵۵۸۱	۱۱/۶	۳۰۷
۱۳۷۰	۱۸	۷۰۴۷۲	۳۹۵۲	۱۷/۸	۵۵
۱۳۷۱	۱۹	۵۱۰۵۵	۳۸۴۱	۱۳/۳	۵۴
۱۳۷۲	۴۰	۱۵۱۳۰۷	۸۱۸۹	۱۸/۴۸	۲۵۲
۱۳۷۳	۳۳	۹۸۱۹۱	۵۸۸۳	۱۶/۷	۱۰۴
۱۳۷۵	۱۹۵	۴۹۹۸۰۱	۵۳۹۹۳	۹/۲۶	۴۸۳
۱۳۷۶	۱۴۶	۳۸۸۵۱۹	۲۳۶۲۱	۱۶/۴۵	۴۲۱
۱۳۷۷	۱۰۱	۲۷۳۹۶۶	۱۳۸۴۵	۱۹/۸	۲۳۵
۱۳۷۸	۳۳	۲۴۷۰۳۸	۹۳۴۶	۲۶/۴۳	۴۸۵
۱۳۷۹	۶۷	۱۶۷۹۲۵	۱۳۹۷۹	۱۲/۰۲	۳۳۵
۱۳۸۰	۱۵۶	۴۱۵۸۳۰	۹۲۰۰۳	۴/۵۲	۱۴۰۳
جمع	۹۲۱	۲۷۰۳۳۹۹	۲۵۱۲۳۳	۱۰/۷۶	۴۴۰۵

منبع: دفتر مطالعات و طراحی ترویج و نظام بهره‌برداری.

از دیگر اقدامات مهم و مفید دهه ۷۰ تشکیل اتحادیه‌های شرکت‌های تعاونی تولید روستایی شهرستان‌ها و استان‌ها بود که در سطح وسیعی انجام شد. این اتحادیه‌ها به منظور کمک به تأمین نهاده‌ها و انجام آن دسته از فعالیت‌هایی که این شرکت‌ها به تنهایی قادر به انجام آن‌ها نبودند تشکیل شده است. بعد از ادغام نیز توسعه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی دنبال شد و مسئولین وزارت جهادکشاورزی به مرور پی به توانایی‌های این شرکت‌ها برده و حمایت جدی از آن را آغاز نمودند. تا آنجا که در سال ۱۳۸۲ وزیر جهادکشاورزی بخشنامه- ای را که به دستورالعمل ۱۴ ماده‌ای معروف شد به کلیه معاونین و رؤسای سازمان‌های ذی‌ربط وابسته و سازمان‌های جهادکشاورزی استان‌ها ابلاغ نمود. این دستورالعمل حاوی نکات مهمی در راستای چگونگی حمایت دولت از شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و حدود این حمایت‌ها بود. اتحادیه مرکزی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی به عنوان یک تشکل ملی در سال ۱۳۸۲ شکل گرفت. تعداد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در پایان سال ۱۳۸۵ به ۱۰۸۵ شرکت رسید؛ و از لحاظ برنامه‌ای تعداد این شرکت‌ها تا پایان برنامه اول

(پایان سال ۱۳۷۳) به ۱۶۳ مورد بالغ گردید که با ۳۴۴۵۸ عضو حدود ۵۰۰ هزار هکتار از اراضی مزروعی را در ۹۱۷ روستا تحت پوشش قرار می‌داد. در برنامه دوم توسعه تا پایان سال ۱۳۷۸، تعداد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی به ۷۲۱ مورد رسید که ۱۴۵۲۵۱ عضو بیش از ۲ میلیون هکتار از اراضی مزروعی کشور را تحت پوشش خود داشتند و تا پایان سال ۱۳۹۳ تعداد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی به ۱۳۴۸ شرکت رسید.

ضرورت‌ها و الزامات قانونی برای توسعه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

در مجموعه قوانین کشور به ویژه در قانون اساسی، سیاست‌های کلی و مدون نظام در بخش کشاورزی و آب و در قوانین برنامه توسعه پس از انقلاب بر افزایش تولیدات کشاورزی و ضرورت ایجاد تحولی کیفی در ساختار کشاورزی از سنتی به کشاورزی نوین و سودآور تأکید شده است. در قوانین خاص و آیین‌نامه‌های تشکیل الگوهای نوین نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در جهت جلوگیری از خرد شدن زمین و یکپارچه‌سازی اراضی بخصوص کمک بلاعوض دولت مورد تأکید خاص قرار گرفته است.

شاید بتوان گفت که در تاریخ کشاورزی ایران هیچ‌گاه ضرورت ایجاد چنین تحول کیفی و ساختاری هماهنگ و همسو با روند کلی توسعه همه جانبه و پایدار در سطح ملی تا این اندازه مورد توافق همگان نبوده است. بنابراین با توجه به وجود بسترهای مناسب قانونی در سه سطح، سیاست‌های کلی، قوانین خاص و مفاد قوانین برنامه‌های توسعه، در طول برنامه پنج‌ساله ششم اقداماتی اساسی در جهت و اصلاح نظام‌های بهره‌برداری از زمین در قالب توسعه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی پیش‌بینی شده است.

۱- قوانین

- سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در بخش کشاورزی (۱۳۹۱/۹/۲۹)
- قانون تعاونی نمودن و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی (مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۲۴)
- قانون شرکت‌های تعاونی تولید روستایی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶) و اصلاحیه‌های بعدی (مصوب ۱۳۵۲/۴/۹ و ۱۳۵۴/۳/۴)
- قانون راجع به ضوابط مربوط به خرید اراضی و مستحدثات و اعیانی و ماشین‌آلات و قنوات و چاه‌های آب و وسایل آبیاری واقع در حوزه عمل شرکت‌های سهامی زراعی

- و شرکت‌های تعاونی تولید روستایی که در تاریخ تشکیل شرکت در مالکیت سهام‌داران نمی‌باشد (مصوب ۱۳۵۲/۸/۸)
- قانون گسترش کشاورزی در قطب‌های کشاورزی (مصوب ۱۳۵۴/۲/۵)
- قانون اصلاح بعضی از مواد و تبصره‌های قانون شرکت‌های تعاونی تولید روستایی مصوب خرداد ۱۳۵۰ و الحاق چند تبصره قانون مذکور (مصوب ۱۳۵۴/۳/۴)
- قانون تمدید مهلت مقرر در ماده ۶ قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی (مصوب ۱۳۵۵/۴/۷)
- لایحه قانونی اصلاح بعضی از موارد قانونی گسترش کشاورزی در قطب‌های کشاورزی (مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۷)
- لایحه قانون راجع به رفع مشکلات مربوط به تصفیه شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید روستایی (مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۲۰)
- قانون برنامه ۵ ساله توسعه جمهوری اسلامی (بند (ب) ماده (۱۴۰) و ماده (۱۴۶) - بند (الف) (مصوب ۱۳۹۰)
- قانون جلوگیری از خرد شدن اراضی و ایجاد قطعات مناسب فنی و اقتصادی (مصوب ۱۳۸۵)
- ماده (۶) قانون تجدید تشکیلات و تعیین وظایف سازمان‌های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و انحلال وزارت منابع طبیعی (مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۱۲)

۲- آیین‌نامه‌ها

- آیین‌نامه اجرای قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی (مصوب ۱۳۵۰/۵/۹ هیئت وزیران)
- آیین‌نامه اجرایی جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی و ایجاد قطعات مناسب فنی و اقتصادی (مصوب ۱۳۵۸)
- آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۱ قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی (مصوب ۱۳۸۷/۴/۹)
- آیین‌نامه اجرایی قانون گسترش کشاورزی (مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۴)

۳- دستورالعمل

- دستورالعمل تشکیل و راه‌اندازی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی
- دستورالعمل اجرائی نحوه حمایت از شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و توسعه آن (مصوب ۱۳۸۲/۹/۸)
- دستورالعمل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر وصول و مصرف اعتبارات آموزشی اتحادیه و شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و سهامی زراعی (مصوب ۹۳/۶/۱۷)
- دستورالعمل شورای امور شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی تولید (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۸) ماده (۱۷) قانون تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی

موضوع و حدود عملیات شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

ماده ۵ - هدف از تشکیل این شرکت عبارت است از اصلاح ساختار نظام بهره‌برداری کشاورزی، ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید، تخصیص و بهره‌برداری بهینه منابع، افزایش کمی و کیفی تولید محصولات کشاورزی (زراعی، باغی، دامی، جنگل، مرتع و آبریان و ...)، تحقق کشاورزی پایدار، حفظ محیط‌زیست، بهبود وضعیت معیشتی و ارتقاء توان اقتصادی اعضاء آن می‌باشد.

- موضوع و حدود عملیات

- ۱- استفاده بهینه از عوامل تولید و اجرای برنامه قانون تعاونی نمودن تولید
- ۲- یکپارچه‌سازی اراضی خرد و پراکنده اعضا با حفظ مالکیت فردی آنها و رعایت الگوی کشت در قالب نظام یکجا کشتی
- ۳- انجام کلیه عملیات مربوط به بهبود و توسعه و تولید محصولات کشاورزی
- ۴- استقرار مدیریت مشارکتی آب به منظور تأمین، توزیع، نگهداری، حفاظت، مدیریت و بهره‌برداری از تأسیسات آب و آبیاری از طریق:
 - الف) ایجاد واحد مدیریت آب بران در شرکت
 - ب) تشکیل گروه‌های آب بران

ج) برنامه‌ریزی و هماهنگی در جهت بهره‌برداری مناسب از منابع آبی با بهره‌گیری از روش‌های نوین آبیاری، نظارت بر تقسیم، توزیع آب و بهره‌برداری و نگهداری و ایجاد تأسیسات جدید

د) هماهنگی در زمینه استفاده از امکانات بلاعوض یا تسهیلات کم بهره دولت در جهت بازسازی و نوسازی شبکه و ارتقا بهره‌وری از منابع آبی

ه) توانمندسازی اعضا و گروه‌های آب بران در جهت بهره‌برداری مناسب از آب

و) انعقاد قرارداد همکاری با شرکت آب منطقه‌ای

ز) اجرای دقیق آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های فنی

۵- تجهیز و نوسازی اراضی از طریق اجرای عملیاتی مانند:

الف) مرمت و اصلاح شبکه‌های سنتی آبیاری و زهکشی

ب) توسعه و احداث شبکه‌های مدرن آبیاری و زهکشی

ج) ترویج و اجرای سیستم‌های آبیاری تحت فشار

د) تسطیح و قطعه‌بندی فنی اراضی کشاورزی

ه) بهسازی و احداث جاده‌های دسترسی و بین مزارع

و) ترویج، توسعه و اجرای سایر عملیاتی که منجر به تجهیز و نوسازی اراضی گردد.

ز) حفر، تجهیز و برقی کردن چاه‌های کشاورزی برابر قوانین و با همکاری سازمان‌های ذی‌ربط.

۶- انجام کلیه فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی، توزیعی، بازرگانی داخلی و خارجی در چارچوب اهداف شرکت با در نظر داشتن قوانین جاری و مرتبط.

۷- ارائه کلیه خدمات مشاوره فنی و مهندسی، آموزشی و ترویجی و آشنا ساختن اعضا با شیوه‌های نوین کشاورزی از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی، بازدیدهای دسته‌جمعی و احداث مزارع الگویی، تحقیقی و ترویجی از طریق عقد قرارداد با مراجع ذی‌ربط.

- ۸- توسعه و تأمین ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی و ارائه خدمات پس از فروش از طریق راه‌اندازی واحدهای مکانیزاسیون و تعمیرگاه‌های سیار و ثابت.
- ۹- احیاء اراضی بایر، موات، مسلوب‌المنفعه دولتی، خصوصی و منابع ملی در حوزه عمل شرکت و اراضی هم‌جوار پس از اخذ مجوزهای قانونی براساس قوانین موجود.
- ۱۰- مدیریت و بهره‌برداری جمعی و مشترک از اراضی کشاورزی.
- ۱۱- بهره‌برداری از وسایل کشاورزی، آبیاری و مستحذات، اعیانی، مزارع، باغات، کارخانجات، سهام کارخانجات و سایر امکانات دولتی قابل‌واگذاری برابر قانون سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در حوزه عمل شرکت.
- ۱۲- حفظ و احیاء و توسعه و بهره‌برداری از جنگل‌ها، مراتع و منابع طبیعی از طریق فعالیت‌های فنی و قانونی در حوزه عمل شرکت.
- ۱۳- انجام فعالیت‌ها و ایجاد مجتمع‌های مرتبط با کشاورزی از قبیل گلخانه، دامپروری، پرورش طیور، زنبورداری، نوغانداری و آبی‌پروری و خدمات مرتبط با این فعالیت‌ها.
- ۱۴- ایجاد صنایع و امکانات لازم جهت جمع‌آوری، نگهداری، تبدیل، طبقه‌بندی، بسته‌بندی، حمل‌ونقل، خرید، بازاریابی و فروش محصولات کشاورزی اعضا و توسعه فعالیت‌های جنبی.
- ۱۵- جلب مشارکت خانواده اعضا شرکت بویژه زنان برای ایجاد فرصت‌های شغلی.
- ۱۶- خرید و تهیه مواد و وسایل مورد احتیاج حرفه‌ای اعضا.
- ۱۷- عضویت شرکت در اتحادیه‌های تعاونی‌های تولید و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های اقتصادی و صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی و استفاده از صندوق‌های اعتباری دارای مجوز قانونی به صورت مشارکت و یا خرید سهام و ایجاد صندوق قرض‌الحسنه با تصویب مجمع عمومی عادی.
- تبصره - در صورت عدم تشکیل اتحادیه شهرستانی شرکت صرفاً می‌تواند در اتحادیه استانی عضو شود.
- ۱۸- تأمین منابع مالی و اعتباری مورد نیاز شرکت و اعضا از طریق اعتبارات دولتی و سیستم بانکی، استقراض، قرض‌الحسنه و استفاده از سایر عقود.

تبصره ۱) ترتیب معاملات با غیر اعضاء بر اساس آیین‌نامه معاملاتی است که به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد.

تبصره ۲) قبول هدایا از اشخاص حقیقی و حقوقی.

۱۹- تهیه، تأمین، تولید و توزیع کلیه نهاده‌های کشاورزی (کود، سم، بذر، نهال، سوخت، ماشین‌آلات، ابزار کشاورزی، خوراک دام و طیور و ...).

۲۰- گسترش انواع بیمه‌ها از قبیل محصولات کشاورزی، اجتماعی، روستائیان و عشایر، بازرگانی از طریق مراجع ذیصلاح با ایجاد کارگزاری بیمه‌ها و غیره.

۲۱- مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی.

۲۲- عضویت در تشکلهای صنفی کشاورزی.

۲۳- شرکت می‌تواند نمایندگی شرکت‌ها، اتحادیه‌های تعاونی، بانک‌ها، صندوق‌های مالی و اعتباری، سازمان‌ها، مؤسسات را برای عملیات خدماتی که مورد نیاز آنها با شرکت تعاونی باشد بپذیرد و یا برای انجام مقاصد شرکت نمایندگی بدهد.

۲۴- ارائه خدمات آزمایشگاهی مورد نیاز آب‌وخاک از طریق ایجاد آزمایشگاه آب‌وخاک.

۲۵- ایجاد کلینیک‌های گیاه‌پزشکی و دام‌پزشکی.

۲۶- ارائه خدمات مدیریت کنترل آفات و بیماری‌های گیاهی و دامی.

۲۷- تولید و فرآوری و بسته‌بندی و توزیع نهال و بذر اصلاح شده.

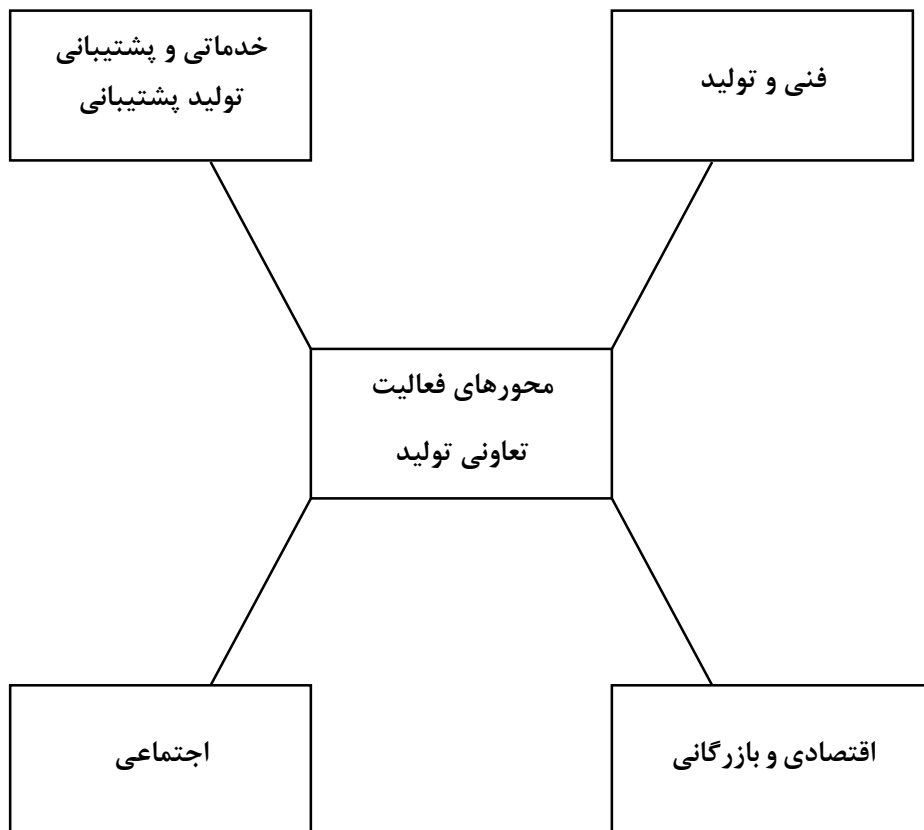
۲۸- انجام عملیات پیمانکاری در حوزه‌های روستایی و کشاورزی از طریق اخذ مجوزهای لازم.

۲۹- انجام هرگونه عملیات و خدماتی که در جهت منافع و مصالح شرکت و توسعه روستا یا روستاهای حوزه عمل شرکت باشد.

۳۰- در صورت بروز اختلاف بین شرکت و شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی دیگر و یا سایر اشخاص حقیقی و حقوقی و اعضاء، اتحادیه مرکزی نظارت و هماهنگی تعاونی‌های روستایی و کشاورزی ایران مرجع صالح برای رسیدگی و داوری می‌باشد.

وضعیت موجود شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

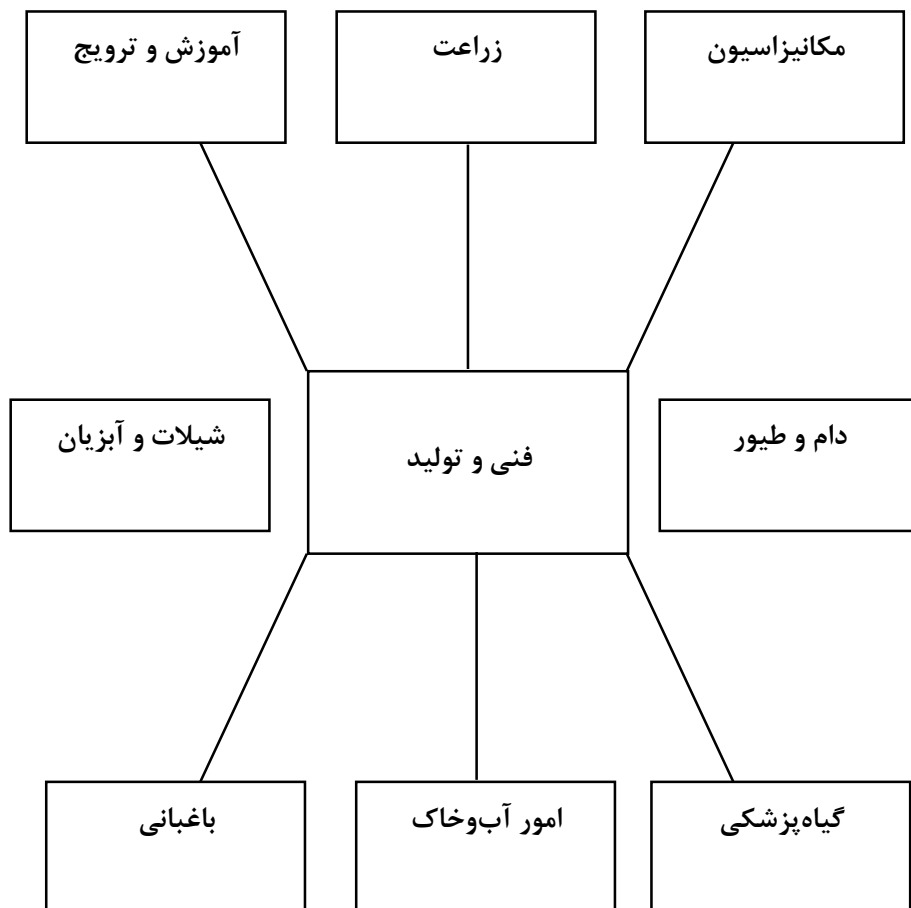
شرکت‌های تعاونی تولید روستایی براساس اساسنامه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در چهار محور فنی، اجتماعی، خدماتی و بازرگانی و اقتصادی فعالیت می‌کنند. (اسلامی، ۱۳۸۵) نمودارهای بعدی نحوه فعالیت این شرکت‌ها در محورهای مذکور نشان داده شده است.



نمودار ۱-۲: محورهای فعالیت شرکت تعاونی تولید روستایی

محور فعالیت‌های فنی

براساس نمودار شماره (۲-۲) این فعالیت‌ها شامل؛ مکانیزاسیون، زراعت، آموزش و ترویج، گیاه‌پزشکی، امور آب‌و خاک، باغبانی، دام و طیور و آبزیان است. در این زمینه به برخی از بخش‌های محور فنی اشاره خواهد شد.



نمودار ۲-۲: محورهای فعالیت فنی شرکت تعاونی تولید روستایی

فعالیت‌های در زمینه مکانیزاسیون شامل خرید و به‌کارگیری ماشین‌آلات سنگین و سبک مورد نیاز در محدوده عمل، تأسیس و راه‌اندازی واحد مکانیزاسیون با مدیریت شرکت، نظارت و سامان‌دهی امکانات ماشینی در منطقه مربوط به بخش خصوصی، بررسی و تعیین میزان ماشین‌آلات موجود در منطقه و شناسایی امکانات، استفاده از کارنده‌ها در جهت کاهش مصرف بذر و استفاده بهینه از کودهای شیمیایی می‌شود.

فعالیت‌های در زمینه امور آب و خاک شامل اجرای پروژه یکجاسازی اراضی و تجهیز و نوسازی مزارع، انتخاب سیستم‌های آبیاری و اقدام در جهت افزایش کارایی مصرف آب، تهیه پروژه جامع توسعه کشاورزی حوزه شرکت، احداث جاده‌های دسترسی به مزارع، مطالعات

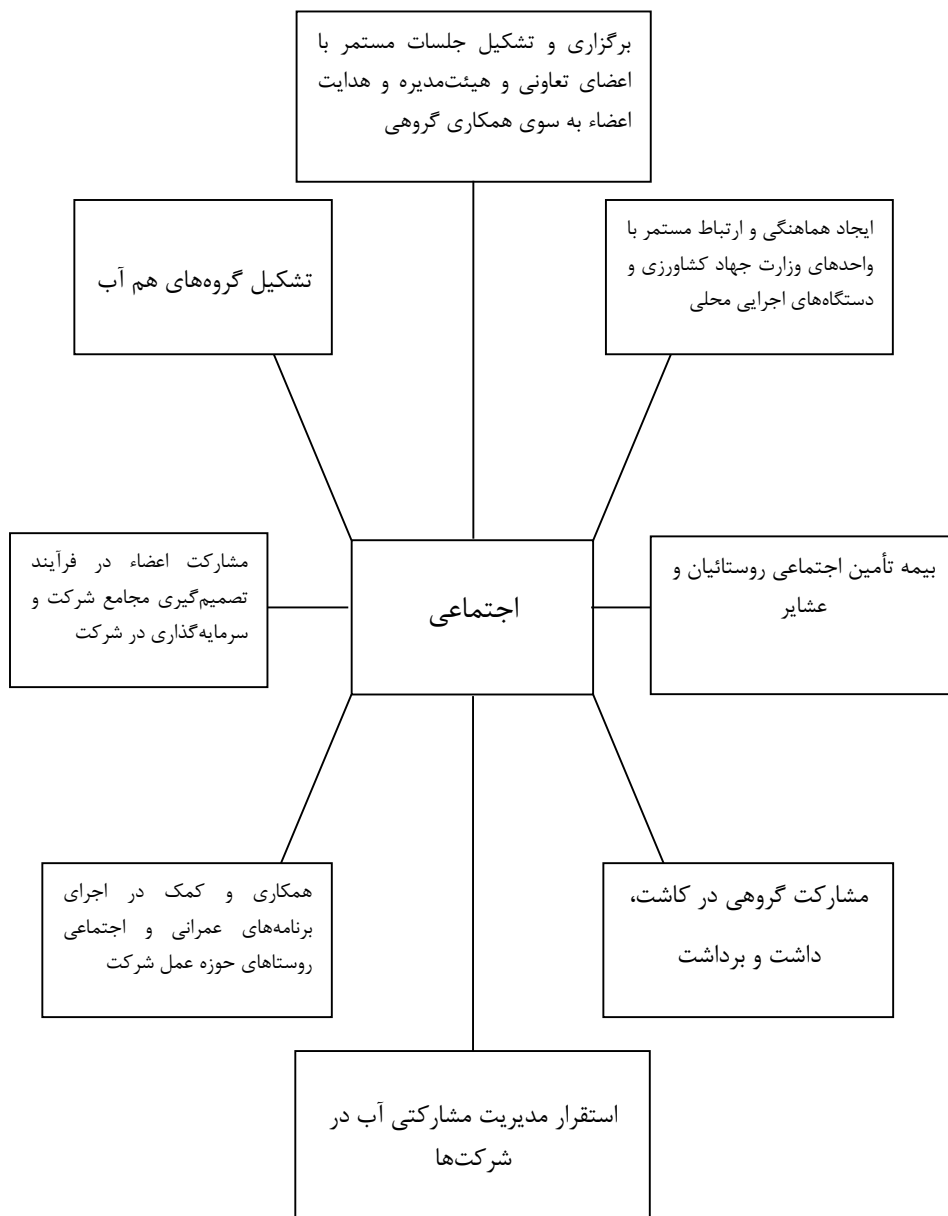
خاک‌شناسی نیمه تفصیلی دقیق اراضی و مطالعات حاصلخیزی خاک، اصلاح اراضی و نظارت بر اجرای تغییر کاربری اراضی، اجرای پروژه‌های پوشش انهار و جاده‌های دسترسی به مزارع، لایروبی و مرمت قنوات، برقی کردن چاه‌های کشاورزی، مدیریت، بهره‌برداری و نگهداری از تأسیسات آب و آبیاری، تهیه و توزیع آب (واحد آب‌بران) می‌شود.

فعالیت‌ها در زمینه آموزش و ترویج شامل آموزش فنی، حرفه‌ای کارکنان شرکت، تنظیم تقویم زراعی در محدوده شرکت، تشکیل کارگاه با کلاس‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف با هماهنگی و حضور کارشناسان ترویج شهرستان، تهیه نمودار از آمار و اطلاعات و فعالیت‌های شرکت، ترویج فنون و روش‌های جدید در امور زراعی، باغی و دامی، تعیین نیازهای آموزشی و دعوت از کارشناسان مطلع جهت تشکیل کلاس یا بازدید از منطقه جهت بررسی مسائل، اجرای بازدیدهای دسته‌جمعی از شرکت‌های موفق، گروه‌بندی اعضا براساس سن و میزان تحصیل و سواد به منظور سامان‌دهی امور آموزشی، اجرای طرح تحقیقی - ترویجی، انتقال یافته‌های تحقیقاتی و مدرسه در مزرعه می‌شود.

فعالیت‌ها در زمینه گیاه‌پزشکی شامل: ایجاد کلینیک‌های گیاه‌پزشکی، مبارزه صحیح و به موقع با بیماری‌های محصولات زراعی و باغی و گلخانه‌ای، مبارزه صحیح و به موقع با آفات محصولات زراعی - باغی و گلخانه‌ای، مبارزه بیولوژیک، شناسایی آفات، بیماری‌ها و علف‌های هرز منطقه و تشکیل هرباریوم، مبارزه به موقع و صحیح با علف‌های هرز محصولات زراعی، باغی و گلخانه‌ها، همکاری در کنترل آفات و بیماری‌های قرنطینه‌ای می‌شود.

محور فعالیت‌های اجتماعی

همانگونه که در نمودار شماره (۲-۳) دیده می‌شود، این فعالیت‌ها شامل؛ برگزاری و تشکیل جلسات مستمر با اعضای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و هیئت‌مدیره شرکت، ایجاد هماهنگی و ارتباط مستمر با واحدهای وزارت جهاد کشاورزی، همکاری شرکت در امور تولیدی و ترویج کار گروهی، همکاری و کمک در اجرای برنامه‌های عمرانی و اجتماعی روستاهای حوزه عمل شرکت، مشارکت اعضا در فرآیند تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری در شرکت و برخی موارد دیگر است.



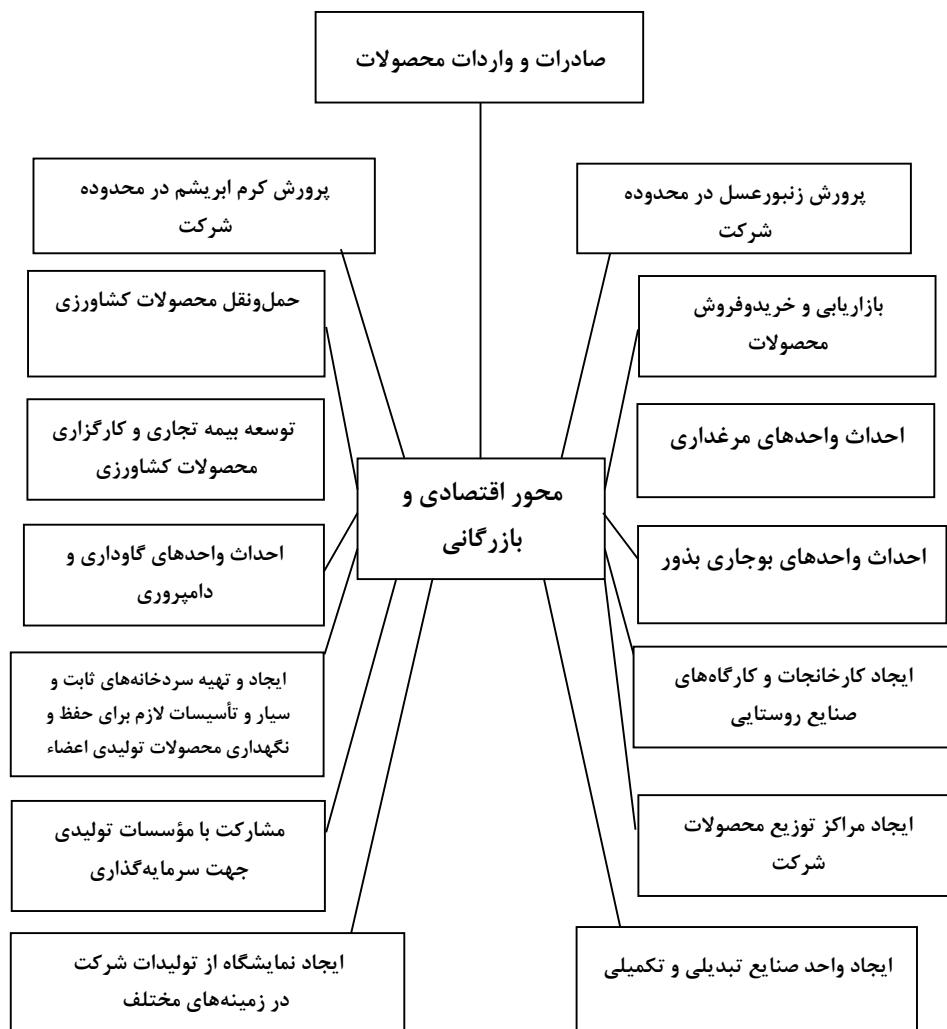
نمودار ۲-۳: محورهای فعالیت اجتماعی شرکت تعاونی تولید روستایی

محور فعالیتهای خدماتی و پشتیبانی تولید

براساس نمودار شماره (۲-۴) برخی از این فعالیت‌ها شامل؛ توزیع نهاده‌های کشاورزی، تنظیم اداره سیستم حسابداری شرکت، پیش‌بینی بودجه سالیانه، تأمین وام و اعتبارات مورد

نیاز از منابع مختلف اعتباری، انجام امور پیمانکاری پروژه‌ها، تأمین و پیش‌بینی پرسنل مورد نیاز شرکت، احداث دفتر کار و انبار و سایر تأسیسات را نشان می‌دهد.

طبقه‌بندی، بسته‌بندی، نگهداری، تبدیل، حمل‌ونقل و خریدوفروش محصولات تولیدی کشاورزان، مشارکت با مؤسسات تولیدی جهت سرمایه‌گذاری، ایجاد کارخانجات و کارگاه‌های صنایع روستایی، احداث واحدهای مرغداری، گاوداری و دامپروری در محدوده تعاونی می‌باشند.



نمودار ۲-۵: محورهای فعالیت بازرگانی و اقتصادی شرکت تعاونی تولید روستایی

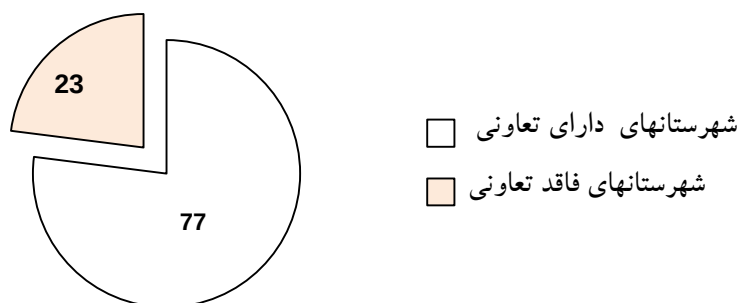
در حال حاضر ۱۵۶۲ شرکت تعاونی تولید روستایی در ۳۲ استان و منطقه کشاورزی در کشور در حال فعالیت می‌باشند. این شرکت‌ها بیش از ۶۰۰۰ روستا، ۴ میلیون هکتار اراضی آبی و دیم و حدود ۵۰۰ هزار نفر بهره‌بردار کشاورزی را تحت پوشش دارند.

جایگاه شرکت‌های تعاونی‌های تولید روستایی در بخش کشاورزی

برخی ویژگی‌های شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در سطح کشور عبارت‌اند از:

- ۱۵۶۲ شرکت تعاونی تولید روستایی
- ۶۷ اتحادیه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی
- حدود ۴ میلیون و ۲۳ هزار هکتار اراضی تحت پوشش
- حدود ۵۰۰,۰۰۰ نفر عضو
- حدود ۸/۱٪ اراضی زیر کشت دیم کشور
- حدود ۳۰٪ اراضی زیر کشت آبی کشور

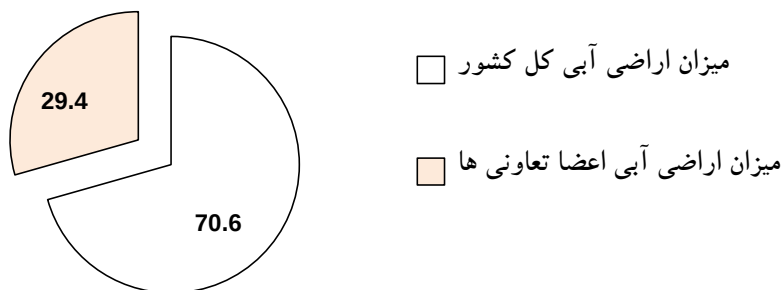
در تشکیل شرکت تعاونی تولید روستایی به سطح جغرافیایی (روستا)، تعداد اعضاء، منابع آب و زمین قابل کشت توجه می‌گردد. از مجموع ۳۹۳ شهرستان کشور در ۳۰۲ شهرستان شرکت تعاونی تولید روستایی پراکنش دارد.



نمودار ۲-۶: مقایسه شهرستان‌های دارای شرکت تعاونی تولید روستایی با شهرستان‌های کل کشور

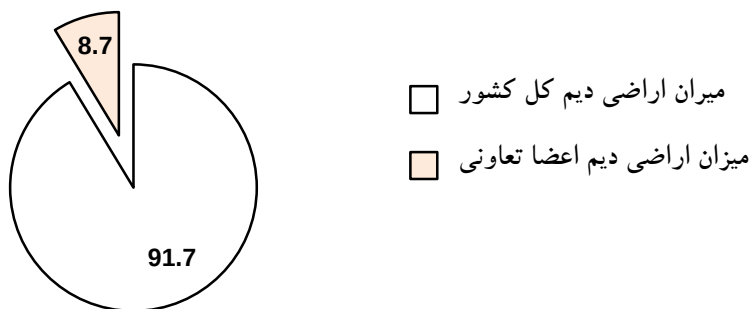
در مجموع در ۷۷ درصد از کل شهرستان‌های کشور شرکت‌های تعاونی تولید روستایی تأسیس شده است.

میزان اراضی آبی (زراعی و باغی) اعضای تعاونی‌ها در کشور ۲۴۳۲۹۷۷ هکتار بوده، که در قیاس با کل اراضی آبی کشور که ۸۲۹۷۰۳۱ هکتار می‌باشد قریب به ۲۹/۴ درصد اراضی آبی را شامل می‌شود.



نمودار ۲-۷: مقایسه اراضی آبی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی با اراضی آبی کل کشور

میزان اراضی دیم اعضا تعاونی‌ها نیز ۸۱۸۴۳۲ هکتار که در قیاس با کل اراضی دیم ۹۳۶۸۱۶۸ هکتار می‌باشد حدود ۸/۷ درصد از کل اراضی دیم را نیز شامل می‌گردد.



نمودار ۲-۸: مقایسه میزان اراضی دیم شرکت‌های تعاونی تولید روستایی با اراضی دیم کل کشور

در مورد سهم شرکت‌های تعاونی تولید روستایی از مجموع تولیدات زراعی می‌توان به سهم تولیدی برخی از محصولات از جمله ۳۷/۵ درصدی آن‌ها در تولید گندم، سهم ۳۶ درصدی در تولید چغندر قند، سهم ۳۵ درصدی در تولید کلزا و سهم ۳۱ درصدی در تولید جو در مقایسه با مجموع کشور اشاره نمود. در مورد تولیدات باغی نیز می‌توان به سهم ۷۹/۵

درصدی آن‌ها در تولید زرشک، سهم ۵۰ درصدی در تولید بادام و گردو، سهم ۳۵ درصدی در تولید زیتون و سهم ۱۹ درصدی در تولید پسته اشاره نمود^۱.

^۱ - منبع: آمارنامه کشاورزی ۱۳۹۲.

فصل سوم

نقش تعاونی‌های تولید روستایی در توسعه
کشاورزی پایدار

همان‌گونه که در فصول پیشین ذکر گردید پژوهش حاضر در راستای تبیین و تحلیل دستیابی به توسعه کشاورزی پایدار از طریق نظام بهره‌برداری تعاونی تولید است. بر این اساس در ابتدا، مفاهیم و اصول تعاونی‌ها و تعاریف و ابعاد مختلف کشاورزی پایدار از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف تعریف و معرفی شده است. سپس با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های موضوع مورد مطالعه که از پوییش و تطور تاریخی موضوع حکایت دارد، فرایند تحقیق و تبیین ساختاری موضوع مورد تحقیق در دو سطح کلان و میانه انجام شده است در سطح کلان، پژوهش از سطح تئوریک و بر پایه نظریات و الگوهای تعاون و تعاون‌گرایی آغاز شده است. سپس الگوی توسعه پایدار به طور عام و توسعه کشاورزی پایدار به طور خاص از نظر تحولات، اندیشه‌ای روش‌شناختی و برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار گرفته و بر مبنای الگوهای جدید نظری توسعه پایدار که مبتنی بر مشارکت و تعاون‌گرایی است کل فرایند تحقیق از آغاز تا پایان تبیین شده است.

در سطح میانه موضوع مورد مطالعه در سطح ملی و در رابطه با سیاست‌های کلان کشور مورد مطالعه قرار گرفته است. بررسی موضوع در سطح سیاست‌های کشور سطح میانی نیازمند مراجعه به سطح کلان و ساختاری مسئله است. لذا تحقیق پیرامون تحولات سیاست‌های کشاورزی در ایران در چارچوب الگوهای توسعه و تحت تأثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی جهان غرب تحلیل شده است بر این مبنا تحولات بخش کشاورزی و نظام زمین‌داری (اصلاحات ارضی)، تحت تأثیر وابستگی تاریخی کشور به سرمایه‌داری جهانی و به‌کارگیری الگوهای مسلط توسعه خصوصاً الگوی نوسازی تحلیل و بررسی شده است. از آنجایی که اصلاحات ارضی مشکل ساختاری خرد و پراکنده شدن اراضی کشاورزی را به دنبال داشته و جهت رفع این مشکل بسیاری از متخصصان و صاحب‌نظران قبل و پس از انقلاب بر تعاونی‌های تولید روستایی تأکید می‌کردند، این مسئله در برنامه‌های عمرانی قبل و پس از انقلاب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در انتها نیز فرایند تدریجی گذار از کشاورزی سنتی به سمت کشاورزی پایدار از طریق نظام بهره‌برداری تعاونی تولید در قالب مدل تحلیلی ارائه شده است.

ابعاد کشاورزی پایدار

مفهوم توسعه پایدار به طور رسمی از سال ۱۹۸۷ پس از طرح آن در مجمع عمومی سازمان ملل رایج شد.

(جمعه پور، ۱۳۸۵: ۶۳)؛ و با تشکیل اجلاس ریو در سال ۱۹۹۲ به صورت موضوع محوری مورد توجه قرار گرفت (۲۲۶: ۲۰۰۶، Gafsi et al). توسعه پایدار به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که بهره‌وری از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها و سوگیری توسعه فن‌آورانه را به صورت هماهنگ در جهت افزایش توانمندی‌های بالقوه نسل فعلی و همچنین نسل آینده برای برآورده کردن نیازها و آرمان‌های انسانی هدایت می‌کند (کرمی‌رضایی، مقدم، ۱۳۷۷: ۲).

کشاورزی پایدار یک شاخه مهم از توسعه پایدار است. این اصطلاح توسط سازمان خواربار جهانی (FAO) در کنگره کشاورزی و محیط‌زیست که در سال ۱۹۹۱ در نترلند برگزار شد عنوان گردید (Lishing et al, 2006:38)؛ و پس از اعلامیه توسعه پایدار در کنفرانس محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل در ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ وارد ادبیات جهان شد. در بسیاری از کشورها از جمله کشورهای جهان سوم نیز کشاورزی پایدار به دلیل اهمیت بخش کشاورزی در تأمین امنیت غذایی و حفظ منابع طبیعی با هدف تعادل بخشی به این بخش مهم اقتصادی و توجه به زندگی قشر عظیمی از مردم، اهمیت اساسی پیدا کرده است (عربیون و عبدالله زاده، ۱۳۹۱: ۲۴)؛ زیرا کشاورزی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه اساسی‌ترین حوزه برای توسعه محسوب می‌شود. کشاورزی پایدار باعث تقویت کیفیت محیط‌زیست و منابع طبیعی می‌شود؛ ضمن آن‌که باعث تأمین منابع غذایی و نیازهای غذایی شده و کیفیت زندگی کشاورزان و کل جامعه را افزایش می‌دهد (McIsaac, 1996: 1977). کشاورزی پایدار مجموعه‌ای از ابعاد اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی - نهادی و تعامل میان آنهاست. پیوند ابعاد پایداری به ویژه پایداری اجتماعی و نهادی یا رفاه جوامع مسئله مهمی در پایداری محسوب می‌شود که اثر قابل توجهی بر پایداری اکولوژیکی و اقتصادی بر جای می‌گذارد. از سوی دیگر بقای اقتصادی در مواجهه با فقر موجب ناپایداری اکولوژیکی می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۴۷). در این چارچوب هر یک از ابعاد پایداری تشریح می‌شود:

پایداری اکولوژیکی

جنبه مهمی که در کشاورزی پایدار مورد تأکید می‌باشد این است که به کاراترین نحو از منابع تجدید ناپذیر استفاده کند و پایایی اقتصادی عملیات کشاورزی را پایدار سازد (اسدی و ورمزیاری ۱۳۸۹: ۲۶۴-۲۶۵). بدین ترتیب از استعداد بالقوه زیست‌شناختی و ژنتیکی گونه‌های گیاهی استفاده مولدتری شود و الگوهای کشت استعداد تولید برای تضمین پایداری دراز مدت بکار گرفته شود (باباجانی، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۹). از جنبه دیگر اهداف برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی در راستای پایداری زیست‌محیطی بر اثرات زیست‌محیطی ناشی از توسعه اشاره دارد و این امر بر نظارت و رسیدگی بر فعالیت‌های توسعه تأکید می‌کند. برنامه‌ریزی کشاورزی پایدار از یک سو محدودیت‌های محیط‌زیست و از سوی دیگر بر پایداری اقتصادی تأکید دارد (Morris & Tait, ۲۰۰۰: ۲۴۷). در این راستا پایداری اقتصادی اثر قابل‌توجهی بر پایداری زیست‌محیطی دارد. به طوری که ناپایداری اقتصادی و فقر شدید در ناپایداری اکولوژیکی و تخریب محیط‌زیست نمود پیدا می‌کند از همین رو عوامل زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی برای درک مشکلات، استفاده از راهبردهای مناسب، رسیدگی و نظارت دقیق و ارزیابی صحیح ضرورت پیدا می‌کند. در اینجا هدف از ارزیابی، اثر مداخلات، گذشته، حال و آینده بر روی محیط‌زیست و تعیین حد و اندازه حفاظت و نگهداری از آنها می‌باشد. با این توصیف باید گفت که سه منبع اساسی در توسعه اقتصاد روستایی نقش بسیار مهمی دارند: زمین، آب و حیات جانوری در داخل این چارچوب پایداری اهداف توسعه کشاورزی پایدار نیازمند توجه و تأکید بر امنیت پایدار معیشتی برابری و عدالت و بازتولید محیط‌زیست است؛ بنابراین توجه به معیارهای کاهش نابرابری و کاهش فقر مانند دسترسی فقرا به اعتبارات اصلاح نظام بهره‌برداری، استفاده از سیستم‌های آبیاری جدید، ایجاد فرصت‌های شغلی، استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته، تسهیلات آموزشی و ترویجی، تسهیلات خدماتی و بهداشتی و توسعه منابع انسانی در پایداری اکولوژیکی امری حیاتی تلقی می‌گردد (رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۵۱).

پایداری اقتصادی

کشاورزی پایدار به عنوان یک نظام یکپارچه عملیات تولیدی تعریف می‌شود که در درازمدت کارکردهای اقتصادی پایدار در زمینه‌هایی چون مشاغل دائم، درآمد کافی و شرایط مناسب

زندگی و کار برای کسانی که در فرایند تولید محصولات کشاورزی اشتغال دارند، ایجاد کند (قنبری و برقی ۱۳۸۷: ۲۱۹)؛ و باعث افزایش درآمد کافی به خصوص در بین افراد کم‌درآمد، افزایش تولید، افزایش قابلیت دسترسی به مواد غذایی و حفاظت و بهبود منابع طبیعی (کوچکی و همکاران ۱۳۸۷: ۱۲). استفاده مولدتر از دانش و عملیات محلی و افزایش خوداتکایی در میان روستاییان و کشاورزان شود (باباجانی، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۹). مفهوم پایداری اقتصادی مبتنی بر ترکیبی از مؤلفه‌های اقتصادی نظیر اشتغال، بیکاری تخصیص بهتر و مدیریت کاراتر منابع و جریان سرمایه‌گذاری‌هاست؛ که به طور متقابل و دوطرفه روابط سودمند و عادلانه در داخل اجتماع و با جامعه بیرونی و اقتصاد وسیع‌تر را حفظ کند این معیارهای اقتصادی ارتباط ناگسستگی با فرایند شکل‌گیری سیاست‌های اقتصادی دارند و پایداری آنها در گرو تغییرات گسترده در فرهنگ ساختار نهادی و تکنولوژیکی است.

پایداری اجتماعی

در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی، پایداری اجتماعی به معنای تأمین نیازهای مادی و معنوی انسانی و بسترسازی برای ظهور و بروز خلاقیت‌های انسانی همگام با حفظ محیط‌زیست، در جهت حصول به بالاترین سطح رضایت از زندگی تعریف شده است که در آن مردم فقیر و نیازهای اساسی آنها در اولویت قرار دارد. در این رهیافت به دو مفهوم مشارکت روستاییان فقیر در تصمیم‌گیری‌ها و توانمندسازی آنها با ایجاد بسترهای لازم جهت گذار از حاشیه‌گرایی به سمت متن‌گرایی تأکید می‌شود. حصول به این مفاهیم کلیدی، منوط به رعایت سه اصل تعادل منطقه‌ای، عدالت اجتماعی و آزادی سیاسی است (رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۵۲-۵۳).

در توسعه پایدار، بهره‌مندی اکثریت جامعه از آثار توسعه و تقسیم عادلانه فرصت‌ها از ویژگی‌های اصلی به شمار می‌رود. رویکرد کشاورزی پایدار می‌تواند در حل مشکلات کشاورزی و ایجاد پایداری بلندمدت و کاهش فقر نقش مهمی ایفا کند به عبارتی می‌توان گفت که میان فقر و پایداری رابطه معکوس و کاملی برقرار است و برای رسیدن به پایداری به کاهش فقر و افزایش تعادل بین طبقات مختلف اجتماعی و اقتصادی نیاز است (جمعه پور، ۱۳۸۵: ۷۰-۷۱). فقر بدترین و حادث‌ترین شکل آلودگی است و ایجادکننده مسائل زیست‌محیطی است. وجود همبستگی قوی میان درآمد و حمایت‌های زیست‌محیطی حاکم

از آن است که در بلندمدت مطمئن‌ترین روش برای بهبود و حفظ محیط‌زیست ثروتمندتر شدن روستاییان است. پایداری با فقر و فقرزدایی ارتباط تنگاتنگی دارد و هرگونه ریشه‌یابی و زدودن فقر گامی مهم در توسعه پایدار خواهد بود؛ بنابراین فقر نه تنها در کشورهای درحال توسعه بلکه در تمام کشورها مانع عمده‌ای در دستیابی به توسعه پایدار است. افزایش فقر باعث کاهش مشارکت روستاییان (La Ferrara, ۲۰۰۲: ۲۳۵) و افزایش ناپایداری نظام‌های کشاورزی می‌شود (رضایی مقدم و کرمی، ۱۳۸۵: ۵۵)؛ (Luzar, ۱۹۹۹: ۳۳۵, Diagne) و بالعکس توسعه کشاورزی نقش بسیار مهمی در کاهش فقر ایفا می‌کند.

با توجه به مباحث عنوان شده کشاورزی پایدار فراتر از تضمین جنبه‌های بوم‌شناختی صرف است. کشاورزی پایدار یک موضوع پیچیده تحقیقاتی در میان دانش، کشاورزی اکولوژی و جامعه‌شناسی است (Huylenbroeck & Vandermeulen, ۲۰۰۸: ۳۵۲) که بر مدیریت و بهره‌برداری از اکوسیستم‌های کشاورزی تأکید می‌کند؛ به صورتی که تنوع بیولوژیکی بهره‌وری تجدید، ظرفیت پایداری و توانایی عملکرد را حفظ کند و هم امروز و هم در آینده پربازده باشد و از نظر اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی به اکوسیستم ضرر نرساند.

بر این اساس توسعه پایدار بدون دستیابی به همگرایی بیشتر در سه دیدگاه اقتصادی، اجتماعی، اکولوژیکی و پایداری و تلفیق آنها امکان‌پذیر نیست و توجه به فرایندهای پایداری در کلیه بخش‌های اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد.

شاخص‌ها و متغیرهای ارزیابی پایداری

عملکردهای کم‌وبیش متفاوت به خوبی مشخص می‌کند که کشاورزی پایدار یک مفهوم ثابت نیست و کاربرد آن از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت است؛ اما آنچه که در کشاورزی پایدار ثابت است چارچوب پایداری است که دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. کشاورزی پایدار بر حفظ محیط‌زیست، ماندگاری اقتصادی، مقبولیت اجتماعی و مسئولیت سیاسی به عنوان چهار بعد تفکیک‌ناپذیر تأکید دارد. پایداری اقتصادی بر پایه پایداری تولید، افزایش بهره‌وری، متنوع سازی، اشتغال پایدار، درآمد مناسب و کافی برای کشاورزان است، پایداری اجتماعی نیازمند توسعه عدالت، برابری، افزایش سرمایه انسانی و اجتماعی، گسترش، مشارکت، کمک به فقرزدایی و بهبود کیفیت زندگی است. پایداری

طبیعی به معنای سازگاری با محیط‌زیست است و پایداری سیاسی به معنای پایداری قوانین و مقررات و جلب حمایت مسئولان می‌باشد (نجفی و زاهدی، ۱۳۸۴: ۷۸). بر این اساس متغیرها و شاخص‌های زیادی در ارتباط با ارزیابی توسعه کشاورزی پایدار توسط محققین مختلف به کار گرفته شده است.

بدین ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه کشاورزی پایدار سه هدف دراز مدت، پایداری محیطی، پایداری ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و پایداری تولید همراه با سطوح توسعه‌یافتگی کشورهاست که باید از نظر اکولوژیکی مناسب، از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر و از نظر اجتماعی مطلوب باشد (پیشرو و عزیزی، ۱۳۸۸: ۵). اهمیت و اولویت این سه بعد پایداری در کشورهای مختلف و در زمان‌های مختلف متفاوت است. هدف توسعه پایدار انسجام این سه هدف است اما در جایی که این انسجام امکان‌پذیر نباشد جایگزینی اهداف و اولویت‌ها متفاوت خواهند شد.

طرح و تبیین ساختاری موضوع تحقیق در سطح کلان

با توجه به این که موضوع مورد مطالعه ریشه‌ای تاریخی دارد، در این بخش موضوع مورد تحقیق به لحاظ ساختاری تبیین شده است. بر این اساس در سطح تئوریک به تبیین جغرافیایی تعاونی‌های کشاورزی و سپس تبیین توسعه کشاورزی پایدار پرداخته شده است. سپس بر پایه نظریات تعاون و تعاون‌گرایی و الگوی توسعه کشاورزی پایدار زیرساخت‌های لازم جهت شکل‌گیری تعاون و پایداری و مدل پایداری کشاورزی از طریق تقویت نهادهای مشارکتی بررسی شده و در انتها رسالت و ساختار تعاونی‌ها در برنامه‌ریزی مشارکتی توسعه پایدار کشاورزی تبیین شده است.

تبیین جغرافیایی تعاونی‌های کشاورزی

تعاونی‌ها به شکل غیررسمی آن حدود سه هزار سال قبل از میلاد مسیح در مصر وجود داشته است. در قانون حمورابی (بابل قدیم) شواهد کم‌رنگی از وجود تعاونی ملاحظه می‌شود. در یونان، چین و امپراطوری روم انواع و درجاتی از شبه تعاونی در زمینه‌های مختلف وجود داشته است. در اروپای قرون وسطی نیز تعاونی‌های بدون اساسنامه و بدون قانون مدون، کم‌وبیش فعالیت داشتند (آراسته خو، ۱۳۷۸: ۹۰-۹۱). با آنکه از قرون وسطی

تاکنون هزاران تعاونی کشاورزی موجودیت داشته‌اند، اما آنچه امروز نهضت تعاونی نامیده می‌شود پدیده جدیدی است که در قرن هجدهم و اواسط قرن نوزدهم به منصف ظهور رسید. این نهضت در واقع عکس‌العمل به نابسامانی مذهب به دنبال اصلاح، مذهب به نابسامانی سیاسی متعاقب انقلاب کبیر فرانسه و به نابسامانی اجتماعی به دنبال انقلاب صنعتی بود (اسمیت، ۱۳۴۹: ۱۶۹).

بدین ترتیب نهضت تعاونی با شکل و قالب جدید و رسمی، ابتدا در انگلستان و در دیگر کشورهای اروپایی و آمریکایی و از آن به بعد در سایر نقاط جهان آغاز شده و در حال حاضر در اغلب کشورهای جهان انواع و اقسام تعاونی‌ها رواج یافته است. انقلاب صنعتی به دنبال آن انقلاب در کشاورزی روابط انسانی را دگرگون نمود. تحولات به وجود آمده سطح تولیدات صنعتی و کشاورزی را بالا برد و تعداد قلیل صاحبان مزارع و کارخانجات صنعتی را به سوی رفاه و آسایش سوق داد؛ اما در برابر آن تعداد زیادی از کشاورزان و کارگران را در سخت‌ترین، شرایط ناچار ساخت تا برای ادامه حیات با حداقل دستمزد ساعت‌های متوالی کار کنند. کارگران صنعتی و مزدوران کشاورزی برای رهایی از این وضعیت دست به مبارزات وسیعی زدند و اتحادیه‌های کارگری و صنعتی را تشکیل دادند و تاندازه‌ای موفق شدند از سنگینی بار و فشاری که نظام سرمایه‌داری بر آنها وارد کرده بود بکاهند. در این میان گروه‌های دیگری، مذهب و یا سیاست را وسیله نیل به مقصود قرار دادند و همزمان با جنبش‌های کارگری، سندیکایی، سیاسی و مذهبی، نهضت تعاونی با الهام از هر دو منبع آغاز گردید؛ یکی عملی و واقعی و دیگری رؤیایی و خیالی جنبه رؤیایی و خیالی آن امر تازه‌ای نبود بلکه از زمان افلاطون و از مدینه فاضله آن فیلسوف شروع شده بود و به نظرات سوسیالیست‌های تخیلی منتهی می‌گردید. ولی جنبه عملی آن به اقدام پیشگامان راچدیل و کارهایی نظیر فعالیت‌های آنان منجر شد که اکنون به صورت همه‌جانبه‌ای در جهان شرق و غرب و در کشورهای جهان سوم گسترده شده است. اولین نهضت تعاون و به عبارتی گشودن مبحث تعاون در اوایل قرن ۱۹ با نوشته‌ها و تلاش‌های حمایت‌گرانه رابرت اوون و ویلیام کینگ در انگلیس و چالز فوریه (زولی و کراپ، ۱۳۸۵: ۳۵)، سن سیمون، فیلیپ بوشه، لوئی بلان، شارل، ژید، ژرژ فوکه (طالب، ۱۳۷۶: ۳۸) و شارل فوریه (انصاری، ۱۳۷۶: ۱۰۶) در فرانسه و شولتس دلش (DGRY، ۱:۲۰۰۸) و فردریک ویلیام رایفایزن در آلمان که از سوسیالیست‌های معروف آرمان‌گرا، بودند شکل گرفت به طور کلی تعاونی‌های اولیه هدف

خود را ایجاد مدینه فاضله قرار داده بودند. رابرت آون به نیکی فطرت آدمی در شرایط خوب اجتماعی اعتقاد داشت. فوریه خواستار ایجاد فالانسترها یا جوامع خودکفا کشاورزی بود. سن سیمون و پیروانش بوشه و بلان، اعتقاد به یک نظام طبیعی داشتند که وقتی ارجحیت زندگی تعاونی آشکار گردد همه مردم به اقتضای عقل ذاتی آن را خواهند پذیرفت. بسیاری از اجتماعات پیشنهادی نیز اساساً کشاورزی بودند و این قبیل اشخاص، اولین نظریه‌پردازان تعاون کشاورزی بودند به طور کلی هرکدام از دانشمندان یاد شده چه در انگلیس و چه در فرانسه و چه در آلمان نقطه نظرات خاصی داشتند و نظرات آنها یکسان نبود و در نتیجه تعاونی‌های پیشنهادی آنها با دیگری تفاوت داشت. به طوری که شرکت‌های تعاونی دکتر ویلیام کینگ در انگلیس و شولتس در آلمان یکسان بود و هر دو معتقد بودند که تعاونی‌ها باید بدون دخالت دولت و با اصل خودیاری تشکیل شوند درحالی‌که رایفایزن دانشمند آلمانی و رابرت آون معتقد به اصل دگریاری و همکاری بودند و حمایت دولت از تعاونی‌ها را لازم می‌دانستند.

بنابراین تعاونی‌های رسمی به شکل و قالب اقتصادی کنونی، بیش از ۱۵۰ سال سابقه ندارد. رشد و توسعه تعاونی‌های کشاورزی از زمانی آغاز شد که کشاورزان در اقتصاد بازار نقشی را بر عهده گرفتند و قسمت اعظم فعالیت خود را متوجه عرضه مواد غذایی به بازار کردند. تاریخ این تحول در اروپا در نیمه دوم قرن اخیر است (اتحادیه بین‌المللی تعاون، ۱۳۴۹: ۷۰). نخست کشورهای اروپای غربی به خصوص انگلستان، آلمان و سایر کشورهای اروپایی مقارن آنها در آمریکا هرکدام سرزمین‌هایی بودند که در فرانسه و سپس پیدایش و عمق بخشیدن به این جنبش نقش اساسی را بر عهده گرفتند. در این کشورها دولت در امور تعاونی‌ها دخالت ندارد و تنها تسهیلات اساسی را برای فعالیت تعاونی‌ها فراهم می‌آورد (طاهرخانی، ۱۳۸۴: ۸۹-۸۷). از آن پس اندک اندک نهضت تعاون به کشورهای اروپای شرقی و سپس جهان سوم راه یافت و تدریجاً به صورت نهضت جهانی مطرح شد.

در بلوک شرق و کشورهای نظیر شوروی، چکسلواکی، لهستان، بلغارستان و چین برخلاف کشورهای غربی، پیدایش تعاونی‌ها در رابطه با سیاست کلی دولت‌های منطقه بوده و تقریباً نوعی از سازمان‌های دولتی به حساب می‌آمده‌اند و اگرچه ظاهراً شکل دمکراتیک را دارند ولی تحت نظارت مستقیم دولت بوده و غالباً با دخالت حزب کمونیست فعالیتشان متوقف می‌شده و یا در جهتی توسعه می‌یافت که دولت می‌خواست. تنها کشور چکسلواکی بیش از

چهار کشور دیگر در راه گسترش تعاون توفیق بیشتری یافت و اعضایش نقش اساسی‌تری را در نهضت تعاون بر عهده گرفتند.

در کشورهای جهان سوم تعاونی‌ها از روزگار بسیار قدیم و حتی پیش از دوران استعمار در این سرزمین‌ها وجود داشته است؛ اما این نوع تشکیلات قدیمی به تدریج تحت تأثیر حکومت‌های استعماری ضعیف و متروک شده و در بیشتر ممالک در حال توسعه امروزی از اوایل قرن ۲۰ سازمان‌های جدید تعاونی بر اساس نظریات غربیان جانشین آن نوع همکاری‌ها شده است؛ بنابراین تعاون به صورت رسمی و به معنای مدرن، در صدسال اخیر است که با اقتباس از کشورهای اروپایی در این کشورها به وجود آمده است. تحقیقاتی که در سال‌های گذشته در مورد تعاونی‌های مختلف به عمل آمده نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورهای جهان سوم تعداد فراوانی تعاونی تشکیل شده است و این تعاونی‌ها بدون هیچ آموزشی به فعالیت پرداخته‌اند؛ اما به دلیل ناآشنا بودن با کیفیت کار تعاونی از میان رفته‌اند (سلیم، ۱۳۸۵: ۴۰-۵۷).

حوزه تجربیات بین‌المللی

شیوه تعاون می‌تواند جریان اصلی و منشأ بروز تحولات عظیمی در نظام بهره‌برداری باشد. همانطور که قبلاً گفته شد، نظام بهره‌برداری تعاونی تولید در محیط‌های اجتماعی و سیاسی بسیار متفاوتی مانند ایالت متحده آمریکا، فرانسه، آلمان، شوروی سابق، چکسلواکی، لهستان، هندوستان، پاکستان و ... پا گرفته است. با توجه به اینکه اندیشه تعاونی توانسته در بسیاری از نقاط جهان صرف‌نظر از نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ریشه پیدا کرده و توسعه یابد در زیر ویژگی‌های تعاونی‌های کشاورزی و نتایج حاصل از آن در بخش کشاورزی، در سه دسته از کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری، کشورهای سوسیالیستی- بلوک شرق و کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

تعاونی‌های کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری

کشورهای صنعتی دربرگیرنده تمام کشورهایی می‌شوند که از نظر حکومتی و ویژگی‌های اقتصادی و روابط حقوقی و تظاهرات فرهنگ دموکراسی، مشابه یکدیگرند. ویژگی‌های این کشورها تا جایی که به نظام بهره‌برداری مرتبط است عبارت‌اند از:

- حق مالکیت خصوصی بر وسایل تولید (زمین به عنوان مهمترین آن).
- تولید و فروش آزاد در عرصه‌های بازارهای داخلی و بین‌المللی.
- برخورداری از حاکمیت در دخل و تصرف اقتصادی واحد بهره‌بردار.
- استفاده از نیروی کار خانوار کشاورز در غالب واحدها و نیروی کار کارمزدی در هنگام تراکم کار.
- برخورداری از صنف و اتحادیه کشاورزان برای دخالت در سرنوشت سیاسی و اشتراک در تصمیم‌گیری‌های دسته‌جمعی.
- حقوق و اختصاصات، فردی که انگیزه و رغبت برای کار و حقوق و علایق اجتماعی و میل به جامعه وسیع را در معنای کشور پرورش می‌دهد.
- به وجود آوردن جامعه دهقانی که منزوی از جامعه نیست، بلکه دارای حقوق سیاسی و اقتصادی و صاحب‌رای و اراده است (صندوق مطالعاتی نظام‌های بهره‌برداری ایران، ۱۳۷۲: ۵۱-۵۲).

با توجه به این ویژگی‌ها در این دسته از کشورها دولت به طور مستقیم در مسائل تعاونی‌ها دخالتی ندارد و تنها تسهیلات اساسی را برای تعاونی‌ها فراهم می‌کند و خدماتی را برای توسعه تحقیقات، آموزش، اجاره زمین، معافیت مالیاتی، کمک‌های مالی، وام با بهره کم، اعطای بهره زیاد به پس‌انداز تعاونی‌ها و... ارائه می‌دهد (طاهر خانی، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۹).

آمریکا

با توجه به تکامل تئوریک تعاونی‌ها در آمریکا می‌توان اذعان نمود که تعاون در این کشور ساخته و پرداخته خود آنهاست و از کشور دیگری چیزی به عاریت نگرفته‌اند و تئوری تعاون در محدوده همان کشور رشد نموده است. البته مفاهیم جدیدی در طول ۶۰ سال اخیر در آن پیدا شده است که برای بنای جدید تعاون و گسترش و عمق بخشیدن به این نهضت ارزشمند است در آمریکا تعاونی‌های کوچک، از طریق ادغام در یکدیگر، سرمایه بیشتری کسب نموده و بهتر می‌توانند در برابر سرمایه‌های بزرگ مقاومت کنند. تحکیم وضع این تعاونی‌های کوچک، از لحاظ تعداد اعضا و قلمرو و محدوده فعالیت و تشویق آنها به ائتلاف با یکدیگر، از توصیه‌های اقتصاددانان کشاورزی و کارشناسان تعاونی در این کشور است این ادغام به سرعت حیرت‌آوری صورت گرفته است. در ایالت متحده تعاونی‌های کشاورزی و روستایی از امنیت بیشتری برخوردارند و برخلاف کشورهای اروپایی کشاورزان بیش از سایر

اقتشار به فکر تأسیس تعاونی افتاده‌اند. تعاونی‌ها در آمریکا سازمان‌هایی صرفاً اقتصادی هستند. این سازمان‌ها در اساس، مؤسساتی روحانی و معنوی بودند و در سال‌های اولیه روح تعاون و همکاری و تلاش‌های صادقانه و درعین حال ابتدایی از مشخصات بارز این تعاونی‌ها بود که کشاورزان در اماکن ساده به طریق تعاون، به توزیع بذر و کود و غیره می‌پرداختند و مایحتاج خود را مستقیماً از کارخانه‌ها خریداری می‌کردند. کلیه فعالیت‌ها، منبعث از روح تعاون بود و سهم افراد چندان مهم نبود؛ اما به تدریج عملیات آنها توسعه و حجم معاملات آنها به سرعت افزایش یافت. در حال حاضر سازمان‌های غول‌آسای تعاونی چند میلیون دلاری در آسمان‌خراش‌های مدرن، دارای اداره مرکزی، کارخانه‌ها و تسهیلات متعدد و مدرن هستند. تعاونی‌های کشاورزی در این کشور، اهمیت و گسترش زیادی یافته‌اند؛ زیرا حجم فعالیت‌های تعاون کشاورزی در مجموع بیش از دو برابر سایر انواع تعاونی‌هاست. دولت آمریکا به خصوص به تعاونی‌های زراعی کمک‌های بیشتری نموده و نیز اداره‌ای برای ارائه خدمات به تعاونی‌های کشاورزی دایر شده است (سلیم، ۱۳۸۴: ۸۷-۹۵).

آلمان

شکل نظام بهره‌برداری آلمان، قبل از خاتمه جنگ بین‌الملل بر اساس مالکیت خصوصی دهقانان بر زمین و سایر وسایل تولید کشاورزی بود. در سال ۱۹۳۹ هنگامی که ناسیونال سوسیالیسم آلمان بر اریکه قدرت نشست، قریب ۳۱۸ هزار واحد خرد دهقانی وجود داشت که بین نیم تا ۵ هکتار وسعت داشتند. بیش از ۱۸۸ هزار واحد متوسط ۵ تا ۲۰ هکتار و بیش از ۴۸ هزار واحد ۲۰ تا ۵۰ هکتاری و ۸ هزار واحد ۵۰ تا ۱۰۰ هکتاری و بیش از ۶ هزار واحدهای بسیار بزرگ بیش از ۱۰۰ هکتار وسعت امور کشاورزی که مجموعاً ۵۲۸ هزار هکتار واحد تولیدی در سراسر کشور را تشکیل می‌داد کشور را اداره می‌کردند. کشاورزی آلمان مانند سایر بخش‌های اقتصادی این کشور طی ۴۰ سال اخیر از تغییرات وسیع و عمیق برخوردار بوده است. در قسمت غرب آلمان به علت مکانیزه شدن کشاورزی و بالا بودن درآمد در بخش صنعت و خدمات، تعداد زیادی از نیروهای کار کشاورزی از این حوزه خارج شده‌اند؛ اما برخلاف کاهش تعداد شاغلین، راندمان تولید همواره رو به افزایش بوده است. وسعت واحدهای بهره‌برداری آلمان در قسمت غرب به طور متوسط ۸/۱۶ هکتار است، درحالی‌که در هلند ۲۹ هکتار و در انگلستان ۷۲ هکتار است. خرد بودن واحدهای بهره‌برداری نسبت به سایر کشورهای اروپایی از نارسایی‌های نظام بهره‌برداری این کشور

است؛ اما در دهه‌های اخیر تعداد واحدهای کمتر از ۴۰ هکتار کاهش و واحدهای بالاتر از ۴۰ هکتار افزایش داشته است. این افزایش در واحدهای بالاتر از ۱۰۰ هکتار نیز چشمگیر بوده است. بیشترین خروج از کشاورزی توسط کسانی است که درآمد اصلی‌شان از کشاورزی تأمین می‌شود کاهش تعداد کشاورزان و واحدهای بهره‌برداری به معنای کاهش زمین‌های زراعی نیست بلکه بسیاری از کشاورزان زمین‌هایشان را به صورت اجاره یا فروش به کشاورزان دیگر واگذار می‌کنند و به این ترتیب کاهش واحدهای بهره‌برداری خرد با وسیع‌تر شدن واحدهای بزرگ همراه است قوانین ارث به گونه‌ای است که از خرد شدن اراضی جلوگیری شود و معمولاً به فرزند ارشد خانواده و کسی که بیشترین بصیرت را در مورد کشاورزی دارد می‌دهند که از خرد شدن اراضی جلوگیری می‌کند.

در شرق آلمان، دگرگونی تاریخی و شگفت‌انگیز سرزمین شرق به دگرگونی نظام بهره‌برداری کشاورزی آن منتهی شده است. قبل از تشکیل دولت جمهوری دموکراتیک در سال ۱۹۴۵ دستور اصلاحات ارضی با حمایت ارتش سرخ در کشور اشغال شده صادر شد و در نتیجه قریب به ۲۳۰ هزار واحد بهره‌برداری کوچک و متوسط به وجود آمدند. در سال ۱۹۵۲ به دستور کمیته مرکزی حزب سوسیالیست آلمان دموکراتیک، تبدیل واحدهای بهره‌برداری کوچک به واحدهای بزرگ تعاونی به اجرا درآمد و واحدهای دهقانی از بین رفت. انحلال نهاد اجتماعی دهقان پیشین و تبدیل نهاد دهقانی به نهاد کارگری بعد از حذف مالکیت خصوصی عمده‌ترین تحولی بود که در ساختار نظام کشاورزی این کشور حادث گردید. (صندوق مطالعاتی نظام‌های بهره‌برداری ایران، ۱۳۷۲: ۱۱۶-۱۳۱).

فرانسه

موقعیت کشور فرانسه برای کشاورزی بسیار مناسب است. در این کشور تعداد واحدهای کوچک و متوسط سرعت بیشتری نسبت به سال‌های قبل در حال کاهش است. به طوری که واحدهای کوچکتر از ۳۵ هکتار که تا سال ۱۹۷۹ قریب ۷۹ درصد کل واحدهای کشاورزی را تشکیل می‌داد در سال ۱۹۹۰ به ۶۹ درصد کاهش یافته است و در عوض واحدهای متوسط و بزرگ بیش از ۵۰ و ۱۰۰ هکتار رو به افزایش است. از نظر بهره‌برداری از واحدهای کشاورزی اراضی فرانسه به دو بخش تقسیم می‌شوند. واحدهایی که توسط مالک مستقیماً مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و واحدهایی که به صورت استیجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ که تعداد این واحدها رو به افزایش است. دو نوع دیگر نظام بهره‌برداری رایج در

فرانسه یکی مشارکت است که نوعی سهم بری در تولید محصول است. تعداد این قبیل واحدهای مشارکتی یک تا دو درصد است. نوع دیگر بهره‌برداری که قابل مطالعه و بررسی است پیدایش تعاونی‌های تولید است. در این تعاونی‌ها کشاورزان عضو موظف به کار دسته‌جمعی هستند، ضمن آن که تمام حقوق و مزایای دارا بودن حق مالکیت بر واحدهای خود را حفظ کنند طرح تعاونی‌های تولید کشاورزی از سال‌های ۱۹۳۰ مورد توجه بوده است. در ساختار دهقانی اروپای باختری مسئله هماهنگ شدن درآمد دهقانان با بخش صنعت و خدمات، دشواری و صعوبت کار کشاورزی، حجم کار مفرط، نداشتن زمان فراغت و فقدان تعطیلات سالیانه، تقاضای دهقانان در حصول به این خواسته را روز به روز افزایش می‌داد از طرف دیگر پیشرفت تجهیزات تکنولوژیکی کار و استفاده از ماشین‌های جدید در واحدهای کوچک و متوسط اقتصادی نبود و کشاورزان نمی‌توانستند از ظرفیت کامل آنها در واحد بهره‌برداری استفاده کنند و نتیجتاً با هزینه‌های غیرقابل تحمل همراه بود (همان: ۱۳۹-۱۴۳).

کشاورزی فرانسه در چند دهه اخیر به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم همواره به صورت بخشی پویا در اقتصاد فرانسه در حال تغییر و تحول ظاهر شده است. پویایی به وجود آمده ناشی از تعامل تولیدکنندگان، دستگاه‌ها و نهادهای راهبردی است کارشناسان و پژوهشگران با تکیه و تأکید بر انسان‌های تولیدکننده و استعدادهای درونی کشاورزی، فرانسه در فاصله دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ نظریه و چگونگی جهت‌گیری توسعه کشاورزی را تدوین نموده و شرایط بخش کشاورزی شکوفا را فراهم آوردند کشاورزی فرانسه تحت تأثیر تحولات به وجود آمده ناشی از فروپاشی نظام فئودالی پیش از انقلاب صنعتی و توسعه صنعتی، همواره از دو مشکل اساسی رنج می‌برده است پراکندگی اراضی کشاورزی و اندازه واحدهای تولیدی. در این مدت اقدامات پراکنده موضعی و موردی صورت می‌گرفت؛ اما حرکت جدی و سازنده در این جهت با تصویب قانون جهت‌گیری کشاورزی آغاز شد؛ که با مسئولیت و محوریت، کشاورزان نوسازی فرایند تولید و کشاورزی صنعتی، برای توسعه کشاورزی مناسب با شرایط و استعدادهای کشاورزی شکل گرفت. رفع پراکندگی زمین در سه مرحله از سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ انجام شد. در این زمان حدود ۱۲ میلیون از اراضی یکپارچه شدند. از سال ۱۸۹۲ تا ۱۹۹۵ تعداد تولیدکنندگان کشاورزی فرانسه از ۵۷۰۱ هزار نفر به ۷۳۵ هزار نفر کاهش یافت؛ که این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۵۰۰ هزار نفر یعنی ۵۰۰ هزار واحد تولید رسیده است.

از آنجا که از دیدگاه راهبردی مسئولیت و تأکید بر نقش کشاورزان از ارکان جهت‌گیری کشاورزی در ۱۹۶۰ بود، بر توسعه و شکل‌گیری انواع تشکلهای و تعاونی‌های روستایی و نهادهای مستقل تأکید می‌شد. این تشکلهای بازیگران اصلی نظام کشاورزی فرانسه هستند (مهرابی، ۱۳۸۴: ۳۴۸-۳۶۵). در این کشور تفکر ایجاد تعاونی‌های کشاورزی برای رفع نارسایی‌های مذکور عملاً تحقق پیدا کرد. توصیه تشکیل سازمان‌های کشاورزی تعاونی در طرح مشهور مانسپولد از طریق کمیسیون کشاورزی اتحادیه اقتصادی اروپا توصیه و پیگیری شده و نهضت تشکیل تعاونی‌های تولید که غالباً توسط دهقانان جوان که دارای واحدهای خرد و متوسط بودند و گرایش ذهنی آنان در جهت نوعی سوسیالیزم مذهبی بود، تقویت گردید. در سال ۱۹۹۰ تعداد ۴۶۱۰۰ واحد بهره‌برداری تعاونی در کشور فرانسه فعالیت داشتند که میانگین وسعت واحدهای تعاونی ۷۲ هکتار بود. قصد متخصصین جامعه مشترک اقتصادی این بود که با یکپارچه کردن واحدهای بهره‌برداری خرد و متوسط، واحدهای بزرگ تولیدی به وجود آورند که از قدرت رقابت و پایداری بیشتری برخوردار باشد. ضمن آنکه واحدهای بهره‌برداری خانوادگی نیز حفظ می‌شد (صندوق مطالعاتی نظام‌های بهره‌برداری ایران، ۱۳۷۲: ۱۳۹-۱۴۳).

سوئیس

در این کشور فضای باز سیاسی و ایجاد دموکراسی به مفهوم امروزی آن از سابقه‌ای دیرینه برخوردار است. کشور سوئیس بعد از جنگ جهانی دوم تحت تأثیر پیشرفت‌های شدید تکنولوژیک، تغییرات و تحولات وسیعی را پشت سر گذرانده است. بخش عظیمی از نیروی کار انسانی جای خود را به نیروی کار ماشین داده است. لذا تعداد شاغلین بخش کشاورزی کاهش زیادی خصوصاً طی ده سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۵ داشته است. همچنین تعداد بهره‌برداری‌ها طی سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۸۰ کاهشی ۴۷/۵ درصدی داشته است که گرایش به سمت تخصصی شدن واحدهای تولیدی و بزرگتر شدن آنها را نشان می‌دهد از دهه ۱۹۷۰ به دنبال تغییرات ساختاری گرایش به طرف ایجاد واحدهای بزرگ و قدرتمندتر کشاورزی همچنان ادامه دارد. تغییر در تعداد افراد شاغل در کشاورزی تعداد واحدهای بهره‌برداری و در وسعت بهره‌برداری‌ها، موقعیت تکنولوژیک و سطح تخصص در کشاورزی اجزای مهم تغییرات ساختاری را تشکیل داده‌اند. به طوری که از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۸۰ تعداد شاغلان کشاورزی برای کسانی که شغل اصلی‌شان کشاورزی است ۶۵ درصد و برای شاغلین غیر

اصلی ۳۸ درصد کاهش داشته است درصد شاغلین بخش کشاورزی در دهه ۱۹۶۰ حدود ۳/۱۳ درصد بود که در دهه اخیر به ۶ درصد رسیده است. با توجه به این که زمین پایه و اساس تولید کشاورزی است، در کشور سوئیس حفظ امنیت غذایی کشور ایجاد فضای سبز گیاهی و حفظ محیط‌زیست جز فعالیت‌های عرصه کشاورزی قرار گرفته و در حقوق و قوانین مترتب بر مالکیت زمین و قوانین برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای سعی شده با اتخاذ تدابیر قانونی اهداف معینی دنبال شود. ایجاد و تقویت سازمان‌های تعاونی تولیدی اقتصادی جهت یکپارچه کردن اراضی و جلوگیری از خرد شدن آن، متعادل نگه داشتن قیمت زمین‌ها حمایت از کشاورزان فعال وضع قوانینی برای ارث که واحد تولیدی به یکی از وارثین که تبحر لازم را در کشاورزی دارد داده شود و زمین به واحدهای خرد تقسیم نشود از جمله این تدابیر هستند. نظام بهره‌برداری سوئیس دارای نتایج مثبت اقتصادی بوده است. بازده تولیدی سیستم دهقانی طی ۵۰ سال اخیر نشان‌دهنده ارقام مناسبی است. سیستم دهقانی سوئیس از بازده قابل‌توجهی برخوردار است و مالکیت و فاعلیت در سیستم دهقانی در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند طی ۴۰ سال بازده کشاورزی ۱۹۴ درصد افزایش داشته؛ درحالی‌که تعداد شاغلین ۷۷ درصد کاهش نشان می‌دهد (صندوق مطالعاتی نظام‌های بهره‌برداری ایران، ۱۳۷۲: ۵۷-۷۳).

ژاپن

در سال ۱۹۴۵ و در پایان جنگ دوم جهانی پس از انجام اصلاحات ارضی تقاضا برای سازمان‌های تعاونی جهت پاسخگویی به نیازهای کشاورزان مورد تأکید قرار گرفته بود در اوایل قرن حاضر نوکیوا (تعاونی کشاورزی) در ژاپن تأسیس شد که برای کشاورزان خدماتی را ارائه دهد تحت حمایت قوی دولت ژاپن، نوکیوا به سازمان بزرگی تجدید ساختار پیدا کرد تا بتواند به کشاورزان و تولیدات آنها سرویس دهد. در حال حاضر نوکیوا به سازمان جی ای تغییر نام داده و در ساختار جدید تولیدات کشاورزی در یک تصویر بین‌المللی هدایت و کنترل می‌شوند (Seyoshi, ۱۹۹۸: ۲۳۳). به طوری که جهش خارق‌العاده اقتصاد ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم به کار سخت و سیستماتیک تعاونی‌های کشاورزی در متشکل نمودن و یکپارچه ساختن مردم، استفاده مناسب از منابع و تولید مواد غذایی، لازم نسبت داده شده است.

تعاونی‌های کشاورزی در کشورهای سوسیالیستی بلوک شرق

در کشورهای اروپای شرقی و بلوک شرق دولت مستقیماً در امور تعاونی‌ها دخالت می‌کند. تعاونی‌ها از دولت و وزارتخانه مربوطه الهام می‌گیرند، نظارت، حسابرسی، ثبت، ادغام، انحلال و اتخاذ تصمیم در سطح هیئت‌مدیره و در سیاست دولت جای می‌گیرد (طاهرخانی، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۹). در این کشورها برخلاف کشورهای غربی پیدایش تعاونی‌ها در رابطه با سیاست کلی دولت‌های منطقه بوده و تقریباً نوعی از سازمان‌های دولتی به حساب می‌آمده‌اند (سلیم، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۳).

شوروی سابق

شوروی سابق در هنگام انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ کشوری بود که محور اصلی اقتصاد آن را کشاورزی و زراعت تشکیل می‌داد و قریب به چهار پنجم از مردم آن در بخش کشاورزی مشغول به کار بودند. نظام ارضی سابق شوروی (روسیه تزاری) کشتزارهای وسیع بود که به وسیله رعایای نیمه برده که در روستا زندگی می‌کردند و هر یک قطعه زمین کوچکی داشتند کشت می‌شد. پس از انقلاب اکتبر آنچه رهبران اتحاد شوروی می‌خواستند کشوری برخوردار از صنعت و کشاورزی توسعه‌یافته جهت افزایش تولید مواد غذایی بود و لازمه آن کاهش تعداد کشاورزان در اراضی زراعی و روانه ساختن آنها به سوی کارخانه‌ها و صنایع بود. در راه اجرای این سیاست کشتزارهای وسیع دولتی و مزارع تحت اداره تعاونی‌ها ایجاد شد. تشکیل نظام بهره‌برداری تعاونی دولتی در روسیه یک آزمایش عظیم و گران‌قیمت بود. اولین اقدام ایجاد سوخوزها بود که با مصادره املاک مالکان بزرگ به وجود آمد همگام با این اقدام تعاونی‌های تولید و کمون‌های تولیدی ایجاد شدند که در آنها افراد به طور مشترک از زمین و ابزار کار استفاده می‌کردند و به طور مشترک از بهره کار بهره‌مند می‌شدند.

سلب مالکیت از دهقانان درحالی‌که هنوز هیچ یک از فضاها و شرایط ساختاری جامعه ضرورت تحقق ذهنی و عینی آن را ایجاب نکرده بود، باعث رعب و هراس در بین کشاورزان که فاقد زمین بودند و مالکان برای مصادره اموالشان گردید و سازمان‌های بزرگ تولیدی اربابی دچار اغتشاش و درهم‌ریختگی شد. در چنین وضعیتی دولت باید مدیریت میلیون‌ها دهقان پراکنده در سرزمین بزرگی مانند روسیه را تا اقصی نقاط کشور به عهده می‌گرفت و هزاران هزار از واحدهای بهره‌برداری را زیر نظر خود اداره می‌کرد. تنها ابزار کمک‌کننده،

اعمال قدرت و حاکمیت شدید و تحمیل اراده از طریق اقتدار نظامی - سیاسی بود. در چنین فضای سیاسی - اجتماعی، کلخوزها و سوخوزها باید بازده عالی و سوسیالیستی داشتند؛ اما واکنش‌های منفی مردم در شکل کم‌کاری، بدکاری، گریز و سرپیچی از احکام، متجلی شده و عدم علاقه به خصلت‌های تعاونی اجتماعی، ظاهر گردید. به طوری که روسیه که قبل از انقلاب صادرکننده غله بود، بعد از انقلاب دچار کمبود و فشار شدید تولید غله شد.

سازمان‌های تولید کشاورزی اشتراکی بیش از ۲۰۰ میلیون هکتار زمین و قریب ۳۸ میلیون جمعیت کشور را در ۵۸۰ هزار واحد بهره‌برداری در برمی‌گرفت این سازمان‌ها در داخل خود دارای شبکه‌های متعدد و مختلف تولید و زیرساخت‌های ضروری بوده و نسبت به یکدیگر در یک وابستگی شدید قرار می‌گرفتند. به گونه‌ای که تولید یک قسمت مستلزم کارکرد و عمل قسمت‌های دیگر بود. هر یک از مناطق به تولید معینی اختصاص یافته بود و این جمهوری‌های تک‌محصولی فقط قادر بودند در ارتباط و تبادل با سایر نقاط، خودکفایی خود را تأمین کنند. از طرف دیگر تنظیم و کیفیت تجهیزات و سرمایه‌گذاری‌ها برحسب موقعیت تولیدی و در ابعاد بسیار وسیع در نظر گرفته شده بود و همه‌چیز برای خدمت‌رسانی به واحدهای چند هزار هکتاری شکل‌گیری شده بود. با ازهم‌پاشیده شدن شوروی، مسئولان سیاسی با یک جهت‌گیری معکوس در جهت برهم زدن کشاورزی اشتراکی وارد عمل شدند به این ترتیب مسئولان سیاسی روسیه پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی یک بار دیگر اشتباه بزرگ انقلاب اکبر را تکرار نموده و دومین ضربه بزرگ را به کشاورزی کشور تجزیه شده کنونی وارد آوردند؛ زیرا خصوصی کردن اجباری و دستوری مزارع کشاورزی تأثیری جز آنچه اشتراکی کردن دستوری و اجباری به بار آورد، نداشت (صندوق مطالعاتی نظام‌های بهره‌برداری ایران، ۱۳۷۲: ۷۶-۹۶).

چکسلواکی

در این کشور شرکت‌های تعاونی کشاورزی پس از اصلاحات ارضی شروع به فعالیت چشمگیر کردند. پیش از اصلاحات ارضی مالکیت زمین‌ها در اختیار کلیسا و فئودال‌ها بود. برای جلوگیری از اقدامات حاد کارگران پس از اصلاحات ارضی، تصمیم گرفته شد که زمین‌ها به صورت شرکت‌های تعاونی اداره و به دهقانان واگذار شود اما پس از ۲۰ سال مشخص شد که اصلاحات ارضی برای کشاورزان چندان مفید نبوده است و با جنگ جهانی دوم و اشغال مملکت به وسیله نازی‌ها متوقف شد. پس از جنگ، وزارت کشاورزی چکسلواکی، شرکت‌های

تعاونی زراعی وسیعی تشکیل داد و نهضت تعاون مهمترین وسیله رسیدن به دموکراسی تلقی گردید. شرکت‌های تعاونی فوق کمک‌های فراوانی به دهقانان و کشاورزان خرده‌پا که هرکدام بین یک تا ۵ هکتار زمین داشتند و در محدوده تعاونی‌ها فعالیت می‌کردند ارائه می‌دادند. تعاونی‌ها اموری مانند تولید فرآورده‌های کشاورزی، خرید وسایل زندگی دهقانان فروش محصولات، ایجاد انبار و نگهداری از محصولات را بر عهده داشتند. در سال ۱۹۵۰ تعاونی‌ها و مزارع اشتراکی دولتی، اداره امور ۸۰ درصد از اراضی کشاورزی را در اختیار داشتند.

لهستان

کشور لهستان از چهره‌های درخشان نهضت تعاون است. رونق اقتصادی این کشور از زمانی آغاز شد که برنامه اصلاحات ارضی در آنجا به مرحله اجرا درآمد. در نتیجه حدود ۸ میلیون اراضی کشاورزی به کشاورزان واگذار گردید. سیستم مالکیت در این کشور سه نوع بود مزارع دولتی، مزارع تعاونی و مزارع کشاورزی خصوصی. کلاً کشاورزی در لهستان مکانیزه است و هزاران تراکتور در اختیار تعاونی‌های کشاورزی قرار دارد و میزان اراضی تحت کشت تعاونی‌ها ۵/۲ میلیون هکتار است که ۲۰۰ واحد بزرگ کشاورزی را تشکیل می‌دهند.

بلغارستان

پس از جنگ جهانی دوم بر اثر تخلیه نیروهای نازی از بلغارستان تحول بزرگی در این کشور روی داد و نظام اجتماعی، گذشته توسط طبقه کارگر و کشاورز فقیر واژگون شد و دولت سوسیالیستی که خود را حامی کشاورزان فقیر معرفی می‌کرد، مأمور پاره‌ای از اصلاحات اجتماعی و اقتصادی شد. اهم اقدامات دولت جدید که به پیروی از اتحاد جماهیر شوروی بود ملی کردن صنایع و کارخانه‌ها و در واقع دولتی کردن همه تأسیسات بود برای بهره‌برداری از اراضی بزرگ و کوچک توسط دولت برنامه‌هایی تنظیم و به مورد اجرا گذاشته شد دولت مقرر کرد امور کشاورزی سراسر مملکت در قالب شرکت‌های تعاونی تولید درآید و کشاورزی به صورت جمعی شود. دولت بلغارستان توجه خاصی به امر تعاون کشاورزی داشت و مزارع این کشور به صورت دولتی و تعاونی هر دو اداره می‌شد. معمولاً مزارع بسیار بزرگ، دولتی بود. به طوری که ۱۰۰ واحد بزرگ دولتی و ۱۰۰۰ واحد روستایی به وسیله شرکت‌های تعاونی اداره می‌شد. مزارع تعاونی ۶۶۴۰۰ تراکتور و ۱۲۰۰۰ کمباین در اختیار داشتند

همچنین هزاران متخصص کشاورزی را تربیت کرده بود تا در مزارع به کار بپردازند. کشاورزی بلغارستان مکانیزه بود و دولت سرمایه‌گذاری زیادی در این زمینه کرده بود.

چین

در کشور چین در هنگام جنگ‌های طولانی با ژاپن، توسعه تعاونی‌ها آغاز شد. در ابتدا این تعاونی‌ها موفق شدند، اما بعد به علت شتاب‌زدگی و انجام آن توسط کسانی که آموزش ناچیزی دیده بودند با مشکلاتی مواجه شد. گام‌های نخستین برای تعاون نه از طرف دولت بلکه از طرف کمیسیون بین‌المللی نجات‌یافتگان قحطی و برخی دانشگاه‌ها برداشته شد. پس از آن جامعه بین‌الملل یک مشاور تعاونی در اختیار آن دولت قرار داد و آن شخص سال‌ها نهضت تعاون را در چین راهنمایی و تشویق کرد؛ اما جنگ، تورم مالی، عدم تربیت کارکنان تعاونی، عدم تمرکز و نظارت، کار را بر تعاونی‌ها مشکل می‌کرد. دولت انقلابی چین کار خود را با تقسیم زمین میان کشاورزان و ایجاد تعاونی‌ها آغاز کرد. سرانجام دولت، تعاونی‌ها را به مزارع اشتراکی تبدیل کرد و این کار را نوع تعاون مترقی نام نهاد تشکیل مزارع اشتراکی از مختصات کشورهای کمونیستی است و در نتیجه اجرای آن حدود ۳۰۰ میلیون کشاورز چینی دارای زمین و عضو تعاونی‌ها شدند؛ اما کلیه تعاونی‌ها توسط سپاهیان کار اداره می‌شدند و اداره آنها از بالا و با نظارت کامل دولت کمونیستی انجام می‌شد (سلیم، ۱۳۸۴: ۵۳-۴۸). ایجاد اصلاحات ساختاری و نهادی در بخش کشاورزی این کشور، دگرگونی‌های عظیمی را در مناطق روستایی به وجود آورد. اصلاح کمون‌های خلقی و تخصیص اراضی مزارع اشتراکی یا دولتی و تغییر در نظام مشارکت در مسئولیت و ساختار مالکیت، باعث افزایش انگیزه تولید کشاورزی در مناطق روستایی شد و اصلاحات عظیمی در ثمربخشی کشاورزی و افزایش تولیدات به وقوع پیوست. افزایش تولیدات سبب شد که درآمد کشاورزان به صورت بی‌سابقه‌ای بالا برود. بالا رفتن در آمد سبب افزایش تقاضا برای کالاهای غیرخوراکی شد تقاضا برای ایجاد کارخانه و فروشگاه‌های کالاهای تولیدی افزایش یافت و رونق سرمایه و اشتغال در نواحی روستایی افزایش چشمگیر یافت (مهاجرانی، ۱۳۸۰: ۳).

ویتنام

ویتنام یک جامعه زراعی است زیرا چهار پنجم جمعیت آن در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و عمدتاً نیز در بخش کشاورزی مشغول به کارند ویتنام نیز مانند بسیاری از جوامع

پیرامونی در آسیا تا قبل از ورود استعمار از یک نظام اجتماعی مبتنی بر بزرگ مالکی برخوردار بوده است. از زمان استعمار فرانسوی‌ها در ویتنام یک تغییرات اساسی در نظام زراعی این کشور به وجود آمد که محیط فیزیکی و اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی و بخش کشاورزی را تغییر داد از این زمان به بعد نطفه‌های اولیه کشاورزی سرمایه‌داری در ویتنام بسته شد. بین سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶ در ویتنام شمالی یک اصلاحات ارضی صورت گرفت که بر اساس آن بزرگ مالکی لغو شده و زمین به افرادی که بر روی آن کار می‌کردند واگذار شد. در سال ۱۹۵۵ در ویتنام شمالی، کشاورزی جمعی آغاز شد. به طوری که در سال ۱۹۶۰ حدود ۸۶ درصد خانوارهای روستایی عضو تعاونی‌های تولید کشاورزی بودند. بر اساس ارزیابی اقتصاددانان، کشاورزی این اصلاحات ارضی از لحاظ اقتصادی بسیار موفقیت‌آمیز بود و تحولی عظیم در کشاورزی ویتنام ایجاد کرد. از طریق تعاونی‌ها، برابری‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی ایجاد شد. با جمعی شدن مزارع و کشاورزی در ویتنام شمالی پیشرفت‌های فناوری زیادی به دست آمد.

با اتحاد دو ویتنام از سال ۱۹۷۵، کشاورزی جمعی در ویتنام جنوبی پس از یک برنامه اصلاحات ارضی به وجود آمد. نخست به کشاورزان زمین داده شد و سپس آنها را وادار به تشکیل تعاونی‌های کشاورزی نمودند. در این زمان مقاومت‌هایی علیه جمعی شدن کشاورزی در جنوب به وجود آمد. در سال ۱۹۸۱ با اجرای یک نوع اصلاحات ارضی خاص عدم جمعی شدن به اجرا درآمد و زمین‌های جمعی به خانواده‌های کشاورز برگردانده شد و آزادسازی کشاورزی آغاز شد. بسیاری از کشاورزان به تشکیل تعاونی‌های خودگردان اقدام نمودند. در حال حاضر ۳۸۲۳۵ تعاونی تولید کشاورزی در ویتنام وجود دارد که به صورت بسیار تخصصی به تولید محصولات کشاورزی می‌پردازند. امروزه تعاونی‌های کشاورزی از پایدارترین و توسعه‌یافته‌ترین نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ویتنام هستند (له‌سای زاده، ۱۳۸۴: ۳۶۷-۳۸۲).

الجزایر

در الجزایر کشاورزان خرده‌پا از کشاورزی سنتی پیروی می‌کنند. ولی قسمت اعظم تولیدات بزرگ از طریق تعاونی‌ها اداره می‌شوند انواع تعاونی‌های این کشور تعاونی‌های تولید و فروش انگور است که تاریخ آن به پیش از جنگ جهانی اول می‌رسد تولیدکنندگان انگور با راهنمایی فرانسویان برای پیشرفت کار، تعاونی تشکیل دادند. تدریجاً انجمن تأمین آتیه

الجزایر تحول‌یافته و به یک تعاونی قوی تبدیل شد و امور مربوط به گمرکات، خرید ماشین‌آلات خرید و فروش غلات، توسعه اعتبار و وام را عهده‌دار شد. تعاونی‌های بازاریابی و مرکز تعاونی اصلاحات زراعی از دیگر انواع تعاونی‌ها در الجزایر است. مفهوم تعاونی، مبنای کشاورزی سوسیالیستی الجزیره است. سیاست اداره ملی اصلاحات اراضی ایجاب می‌کرد که تمام موارد مصرفی به مزارع سوسیالیستی و از طریق تعاونی‌های کشاورزی به فروش برسد و تمام بازده این مزارع نیز از همین طریق به بازار عرضه شود کشاورزی امروز الجزایر توسط واحدهای بزرگ تولیدی صورت می‌گیرد که نسبت کمی از کل نیروی کار را در استخدام دارد ولی قسمت اعظم محصولات را به بازار عرضه می‌کند. قسمت دیگر این کشاورزی که محصول آن کمتر و تعداد کشاورزان آن بیشتر است همان کشاورزان خرده‌پا هستند که از سیستم سنتی پیروی می‌کنند و تولید اندکی دارند و هنوز به کشاورزان سوسیالیست نپیوستند و میزان کم محصول خود را به بازار عرضه می‌کنند ولی قسمت اعظم نیروی مولد را در بردارند. قسمت اعظم تولیدات مزرعه توسط تعاونی‌هایی که خود اداره امور خود را بر عهده‌دارند به بازار عرضه می‌شود (سلیم، ۱۳۸۴: ۶۵-۸۲).

تعاونی‌های کشاورزی در کشورهای جهان سوم

در بسیاری از کشورهای جهان سوم نوعی تعاون و همکاری از دوره‌های قدیم میان اصناف و کشاورزان وجود داشته است؛ اما کم کم تحت تأثیر سیاست‌های استعماری تضعیف شده و از اوایل قرن ۲۰ تشکیلات جدید تعاون بر اساس تقلید از تعاونی‌های غربی در این سرزمین‌ها ایجاد گردیده است. اقتباس سازمان‌های تعاونی از غرب، باعث شد که تعاونی‌ها در این کشورها موفقیتی به دست نیاورند. در کشورهای جهان سوم دخالت کامل دولت در حد هیئت‌مدیره است و دولت اقدام به تشکیل تعاونی‌های منطقه‌ای و ملی نموده و مستقیماً آنها را اداره می‌کند (طاهرخانی، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۹).

هندوستان

از آن جایی که کشور هندوستان سرزمین وسیع و پر جمعیت و از نیروی انسانی و منابع بسیار برخوردار است، با تصویب قوانینی، فعالیت‌های تعاونی را مورد توجه قرار داده است. دولت هند برای پیشرفت کشاورزی با اقتباس و اتخاذ تعاونی‌های اعتبار رایفایزن، مشکلات مالی کشاورزان هندی را تا حدود بسیار حل کرده و مأمورانی را به نام رژیستر به سراسر

روستاها فرستاده تا در آموزش و راهنمایی روستاییان کمک مؤثر کنند و دفاتر آنها را تنظیم و نگهداری کنند به خصوص پس از جنگ جهانی دوم که استقلال هند و پاکستان عملی گردید هندیان با تشکیل کمیته، مطالعاتی قوانین مفیدی برای پیشرفت تعاون وضع و به تصویب رساندند. سپس با تنظیم و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله اقتصادی به امر تعاون بیش‌ازپیش اهتمام ورزیدند. به طوری که در برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله دوم و سوم اعتبارات بسیاری چه در مرکز و چه در ایالات تابعه برای کمک و توسعه تعاونی‌ها منظور نمودند با این، حال این فعالیت‌ها حدود یک درصد کشاورزان را بیشتر پوشش نمی‌داد ولی با وجود جمعیت کثیر فقیر و بیکار و مشکلات عدیده اجتماعی، اقتصادی، فعالیت‌های تعاونی در این کشور چشمگیر بوده است. این نهضت در میان کسانی که آموزش کافی و حس خودیاری نداشتند با مشکلاتی غامض مواجه شد دولت هند ناچار شد کمک‌های مالی خود را به تعاونی‌های اعتبار افزایش دهد و در پنجاب، بمبئی و مدرس عده‌ای از مأموران توانای دولتی را برای اداره امور تعاونی‌ها بگمارد و کادرهای ورزیده‌ای تربیت کند و آنها توفیق یافتند سطح درک و مسئولیت روستائینان هند را بالا ببرند (سلیم، ۱۳۸۴: ۸۰). از لحاظ گسترش نهضت تعاونی در آسیا، هندوستان همواره پیشتاز بوده و مقام اول را داراست. حدود ۶۱ درصد از کل تعداد اعضای شرکت‌های تعاونی موجود در آسیا را هندی‌ها تشکیل می‌دهند در سال ۱۹۹۶ تعداد تعاونی‌ها در هندوستان بالغ بر ۴۰۰ هزار واحد با عضویت ۱۹۵ میلیون نفر و سرمایه در گردش ۳/۴۹ دلار بود تعداد ۷۸ درصد از کل تعاونی‌های موجود در هندوستان را تعاونی‌های روستایی تشکیل می‌دهند که سهم بسزایی در اقتصاد هند ایفا می‌کنند این تعاونی‌ها علاوه بر اینکه در برنامه‌های مختلف و مهم زیربنایی توسعه روستاها مشارکت دارند در زمینه فقرزدایی و ایجاد اشتغال فعال و تأثیرگذار هستند (صدیقی و درویشی نیا، ۱۳۸۱: ۳۱۴-۳۱۵).

پاکستان

بعد از استقلال پاکستان و مواجه شدن با رکود اقتصادی دولت پاکستان جبران این ضعف اقتصادی را در تقویت تعاونی‌ها دید. بر این مبنا باید در سیاست تعاونی پاکستان تجدیدنظر و تغییرات بنیانی صورت می‌گرفت و بنای تعاون نوسازی می‌شد در این زمینه از تجارب هند در مورد تعاونی‌ها استفاده نمود. بدین سبب از سال ۱۹۵۶ به بعد برای تشکیل و توسعه شرکت‌های تعاونی نیروی جدیدی بسیج گردید و برنامه‌های آموزشی را در سطح روستاها به

مورد اجرا گذاشت تا زمینه‌های مناسب برای پیشبرد فعالیت تعاون فراهم گردد. دولت پاکستان درصدد است از راه آموزش و تقویت تعاونی‌ها، کادر لازم را برای گسترش بخشیدن به نهضت تعاون پرورش داده و اقتصاد روستایی را تقویت نماید.

اندونزی

در اندونزی سابقه همکاری‌های جمعی از گذشته‌های دور آغاز شده و اندیشه تعاون به شکلی خاص در جوامع گذشته و جوامع کنونی وجود دارد توسعه واقعی تعاون در این کشور پس از کسب استقلال در سال ۱۹۵۴ صورت گرفت زیرا بر اساس قانون اساسی مصوب آن کشور متناسب با این هدف به فعالیت‌های اقتصادی در این بخش اولویت داده شده و دولت کوشش می‌کرد تا به وسیله یک کادر ورزیده مردم شهرها و روستاها را با اصول و مبانی تعاون و انواع آن آشنا سازد. دولت اندونزی تعاونی‌هایی در مورد تولید کشاورزی، صنعت، بازاریابی و فروش محصولات تأسیس کرد. نتیجه آن که تعاونی‌های این کشور در سال ۱۹۵۰ فقط ۱۱۵۵ تعاونی با ۸۵۰۰۰ عضو بود که در سال ۱۹۶۰ به ۱۶۶۰۱ تعاونی با ۶۸/۲ میلیون عضو بالغ گردید و از آن نیز همواره در حال افزایش است البته این ارقام گسترش کمی است و نمی‌توان از لحاظ کیفی هم گسترش و موفقیت این تعاونی‌ها را با تعاونی‌های اروپا قابل مقایسه دانست.

ترکیه

فعالیت‌های تعاونی در کشور ترکیه بعد از سال ۱۹۲۱ آغاز شد و قانون تعاون در سال ۱۹۳۹ به تصویب مجلس ملی ترکیه رسید که به موجب آن تأمین اعتبارات کشاورزی و تشکیل تعاونی‌های بازاریابی بود؛ اما توسعه تعاونی‌ها در ترکیه بعد از جنگ جهانی دوم صورت گرفت. چنانکه تعداد اعضا تعاونی‌ها در سال ۱۹۶۰ به ۵/۳ میلیون رسید که ۵۰ درصد آنها در تعاونی‌های کشاورزی فعالیت داشتند. مهمترین تعاونی‌ها در این کشور، تعاونی‌های کشاورزی هستند؛ اما این تعاونی‌ها کلاً به دولت متکی بودند. در این راستا روستاییان تلاش می‌کنند تا از تعاونی‌های دولتی روستایی استفاده کنند پیش‌بینی شده است که ۷۰ درصد زمین‌ها در آینده متعلق به تعاونی‌ها خواهد بود و نیازهای مختلف کشاورزان اعم از کود، علوفه، سم، بنزین، ماشین‌آلات و کارگر را تعاونی‌ها تأمین می‌کردند. دولت ترکیه در راه هدایت و تنظیم و تصحیح نهضت تعاونی قدم‌های مؤثری برداشته و هم‌اکنون نیز

سیاست‌های ویژه‌ای را دنبال می‌کند به همین منظور دولت ترکیه قانون مخصوصی را برای تعاونی‌ها به تصویب رسانده است؛ اما نقایص تعاونی‌های ترکیه مربوط به ضعف آموزش است. برنامه‌های آموزشی که شامل کادر ورزیده ناظر بر فعالیت‌های تعاونی و اعضای تعاونی باشد و برای هرکدام نوع خاصی از آموزش تعاون، لازم به نظر می‌رسد.

مصر

در کشور مصر از سال ۱۹۵۲ به بعد حکومت انقلابی این کشور توجه بیشتری به تعاونی‌ها نشان داد و از سال ۱۹۵۶ همزمان با قانون اصلاحات ارضی قانون جدیدی درباره تعاون از تصویب گذشت. در حال حاضر اهم فعالیت‌های تعاونی در مصر متوجه اقدامات شرکت‌های تعاونی روستایی است. با توجه به قوانین و مقررات اصلاحات ارضی و برنامه‌های توسعه روستایی این اقدامات هسته مرکزی و اساس زندگی جمعی تعاونی روستایی را تشکیل می‌دهد. ضمناً باید دانست که سیستم تعاون هند به عنوان الگو برای نهضت تعاون مصر مورد استفاده قرار می‌گیرد. شرکت‌های تعاونی این کشور از حمایت کامل دولت برخوردارند و به خصوص در مناطق روستایی این کشور، تعاونی‌های چند منظوره تشکیل شده است تا بهتر بتوانند نیازهای مختلف روستاییان را تأمین کنند (سلیم، ۱۳۸۴: ۸۲-۶۵).

تایلند

تعاونی‌ها در تایلند نزدیک به یک قرن قدمت دارند. این تعاونی‌ها از سال ۱۹۱۶ شروع به کار نموده و هدف آن وام‌دهی به کشاورزان خرده‌پا بوده است. تا ژانویه ۲۰۰۲ حدود ۵۶۱۷ تعاونی با بیش از ۸ میلیون عضو در این کشور فعالیت دارند که حدود ۳۵۸۲ یا ۶۴ درصد تعاونی‌ها را تعاونی‌های روستایی تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین هدف تعاونی‌ها سازماندهی تولیدکنندگان کوچک و توانمندسازی تعاونی‌ها از طریق ارائه برنامه‌های آموزشی و سایر اقدامات حمایتی بوده است.

شیلی

در شیلی تقسیم مجدد زمین در سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۰ شروع و طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ گسترش پیدا کرد؛ اما در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶ به صورت معکوس در آمد و یکپارچه‌سازی اراضی توسط تعاونی‌ها به مرحله اجرا گذاشته شد. تشکیلات جدید با منابع مالی قوی وارد عمل شد و به سمت صادرات جهت‌گیری نمود (شولتز، ۱۹۶۹: ۳۱۷).

تانزانیا

در کشور تانزانیا که اقتصاد آن متکی بر بخش کشاورزی است، حدود ۸۰ درصد جمعیت آن در نواحی روستایی زندگی می‌کنند و در بخش کشاورزی فعال هستند این کشور در راستای توسعه و برنامه‌ریزی روستایی اقدام به تأسیس روستاهای متمرکز به نام اوجاما نمود که مردم توسط تعاونی‌های کشاورزی در کنار هم زندگی می‌کردند در این راستا اقدام به پیاده نمودن برنامه‌های عمرانی و اصلاحات ارضی و شیوه مالکیت نمود تا روستاییان از حقوق مساوی برخوردار شوند در سال‌های اولیه استقلال این کشور، جمعیت روستایی آن در روستاهای متفرق و پراکنده و در آبادی‌های دور از هم زندگی می‌کردند. لذا تأمین خدمات ضروری و ترویج دانش کشاورزی از مشکلات مهم دولت به شمار می‌رفت. در سال ۱۹۶۷ دولت تانزانیا از طریق این طرح اکثر جمعیت روستایی (۱۵ میلیون نفر) را در نزدیک به ۸۰۰۰ روستا اسکان داد. مهمترین اهداف این طرح عبارت بودند از:

- دادن شخصیت سیاسی به جامعه روستایی
- ایجاد شرایط برای توسعه نیروهای مولد در بخش اقتصاد روستایی
- متحول کردن روابط تولید
- ارتقا استانداردهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی توده جمعیت روستایی
- خودکفا کردن روند توسعه در مناطق روستایی

مدل توسعه تانزانیا یک مدل اجتماعی گرا و خوداتکاست که سعی در تحول کشاورزی روستایی از طریق سازماندهی بر اساس تعاونی‌ها را دارد چارچوب نهادی اصلی که قرار است اهداف توسعه روستایی از طریق آن جامه عمل پوشانده شود، روستای اوجاما (تعاونی) است؛ که اساساً سازمانی اشتراکی است که مردم در آن برای رفاه عمومی با هم کار کنند. اعضای این اجتماع مشترکاً در به‌کارگیری و کنترل وسایل اصلی تولید (زمین تراکتور و مانند آن) و در اکثر مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی روستا سهیم هستند و تصمیم‌گیری در مورد سایر مسائل روستا از این قاعده مستثنی نیست. در واقع اساس قانون روستاهای اوجاما، به یک جامعه تعاونی چند منظوره که متشکل از ۲۵۰ تا ۶۰۰ خانوار است اطلاق می‌شود. این روستاها واحدهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی خودگردان می‌باشند که در قالب نظام اقتصادی و سیاسی ملی به ساختار دولتی متصل هستند مردم هم به عنوان هدف و هم به عنوان وسیله در کلیه تلاش‌های توسعه دیده می‌شوند و فرض بر این است که برنامه‌های

عمده توسعه معطوف به جامعه روستایی و به منظور رفع نیازهای اساسی مردم باشد به طور کلی می‌توان گفت تانزانیا به واسطه ساختار تعاونی که از دولت سوسیالیستی برای این کشور به ارث مانده بود توانست در جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشور گام‌های اساسی و پرقدرتی برداشته و ساختار اقتصادی کشور را بهبود بخشد (رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۲: ۸۹-۹۵).

مطالعات انجام گرفته در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد امروزه اکثر کشورهای جهان خصوصاً کشورهای توسعه‌یافته مبنای توسعه کشاورزی خود را بر پایه تحول در نظام‌های بهره‌برداری بنا نهاده‌اند. در واقع الگویی که منجر به توسعه کشاورزی در بسیاری از کشورها شده، تغییراتی است که در نظام بهره‌برداری کشاورزی و قابلیت توجیه اقتصادی آن به عمل آوردند. به طوری که در تمام الگوهای موفق که به توسعه کشاورزی منجر شده، تغییرات در جهت کاهش تعداد بهره‌برداری‌ها و افزایش متوسط مساحت اراضی آنها در اندازه‌های قابل توجیه از نظر اقتصادی بوده است. این تغییرات که در بسیاری از کشورها از طریق تعاونی کردن تولید انجام شده است، امکان کاربرد روش‌های صحیح و مناسب از ابزار و ماشین‌آلات و نهاده‌های نوین کشاورزی را جهت حداکثر استفاده از منابع فراهم می‌آورد و باعث افزایش میزان بهره‌وری و سود در واحد سطح، ارتقا عملکرد بخش کشاورزی در تمام ابعاد و بالأخره امکان اعمال سیاست‌های کشاورزی منطبق بر توسعه پایدار کشاورزی و بهبود وضعیت کشاورزان می‌شود.

در این خصوص شیوه تعاون منشأ بروز تحولات عظیمی در نظام بهره‌برداری شده و توانسته در بسیاری از نقاط جهان صرف‌نظر از نظام‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی بسیار متفاوت، ریشه پیدا کرده و توسعه یابد. پاسخ کشورها به سیستم تعاون به مقتضای شرایط سیاسی - فرهنگی و اقتصادی آنها متفاوت بوده است که به شرح زیر خلاصه شده است:

نقش مثبت تعاونی‌ها در توسعه کشاورزی کشورهای جهان سوم

برابر یافته‌های حاصل از تجربیات جهانی می‌توان اذعان نمود که تعاونی‌های کشاورزی در کشورهای جهان سوم توانسته‌اند نقش مهمی را در توسعه کشاورزی بازی کنند در این کشورها تعداد زیادی از کشاورزان را کشاورزان خرده‌پا تشکیل می‌دهند به طوری که ۸۵ درصد از ۴۶۰ میلیون کشاورز دنیا که کمتر از ۲ هکتار زمین کشاورزی دارند غالباً در

کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. بر اساس آمارهای موجود در سال ۱۹۹۱، ۹۹/۵ درصد جمعیت کشاورز در مصر، ۹۶ درصد در مراکش، ۸۲ درصد در ترکیه، ۸۱ درصد در سوریه، ۵۵/۶ درصد در اردن و ۷۵ درصد از جمعیت آفریقای جنوبی و شرقی را کشاورزان خرده‌پا تشکیل می‌دهند. کشاورزان خرده‌پا تولیدکنندگان اصلی مواد غذایی این کشورها محسوب می‌شوند؛ اما در اکثر این کشورها مورد بی‌توجهی قرار گرفته و در سیاست‌های تجارت بازار آزاد به حساب نمی‌آیند. درآمد ناکافی از اشتغال کشاورزی و فرصت‌های معاش محدود باعث محرومیت و مهاجرت آنها به مناطق شهری مجاور می‌شود (Polman, ۲۰۰۶: ۱۵). این مسئله به خاطر محدودیت‌های تکنولوژیکی نبوده بلکه به علت پایین بودن مشارکت روستاییان در سیاست‌گذاری‌های کشاورزی بوده است. به تجربه نیز ثابت شده است که می‌توان با اتخاذ سیاست‌های تمرکززدایی و افزایش میزان مشارکت افراد محلی در توسعه اقتصادی، از طریق تعاونی‌های روستایی بستری مناسب برای تأمین مشاغل جدید و پردرآمد ایجاد فرصت‌های کاری برای افراد بیکار و نیمه بیکار، کاهش مهاجرت روستاییان به دیگر شهرهای بزرگ، افزایش سطح رفاه همگانی و سرانجام توسعه پایدار فراهم ساخت (سپهر دوست، ۱۳۸۸: ۸۳). بسیاری از کشورها تأکید ویژه‌ای بر گسترش فرهنگ تعاون همچون ساز و کاری برای فقرزدایی و توانمندسازی دارند در نتیجه در ۱۵ سال گذشته توسعه کشاورزی از طریق توسعه سازمان‌های مردمی و تعاونی‌ها به عنوان یک ابزار مهم توسعه روستایی مورد توجه بسیاری از این کشورها قرار گرفته است (شعبانعلی قمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۱). اطلاعات موجود حاکی از آن است که تعاونی‌های روستایی و خصوصاً تعاونی‌های کشاورزی، توانمندی‌ها و امکانات بالقوه زیادی دارند و کشاورزان فقیر به عنوان بخش مهمی از جامعه توانسته‌اند توانمندی‌هایشان را در تعاونی‌ها آشکار کنند و تعاونی‌ها را نماد کارآفرینی کنند. آمارهای جهانی نیز حاکی از تعداد زیاد تعاونی‌های کشاورزی در کشورهای جهان سوم است برای مثال اتحادیه تعاونی بین‌المللی تخمین زده است که تعداد کنونی تعاونی‌های کشاورزی حدود ۳۷۰۴۹۰ شعبه در ۱۰۱ کشور دنیا است تعداد این تعاونی‌ها در کشورهای آفریقایی حدود ۲۴۰۰۰ یا ۶ درصد کل تعاونی‌های جهان است؛ که جمعیتی حدود ۱۰/۴ میلیون کشاورز در آن سازماندهی شده‌اند در مصر ۵۳۱۳ تعاونی چند منظوره و ۷۰۸ تعاونی اعتباری، در سوریه ۴۲۶۰ تعاونی کشاورزی با ۱۷۸۳۹ عضو و در اردن و در مراکش ۱۹/۱ درصد از کشاورزان خرده‌پا در تعاونی‌های کشاورزی عضو هستند. نمونه‌های موفق زیادی از تعاونی‌ها در کشورهای جهان سوم وجود دارند که در

بهبود زندگی میلیون‌ها روستایی تأثیر زیادی داشته‌اند. به عنوان مثال تعاونی لبنیات در هند با ۱۲ میلیون عضو، تعاونی برق روستایی در بنگلادش با ۲۸ میلیون عضو، اتحادیه‌های اعتباری در اکوادور و کنیا با یک میلیون عضو، تعاونی‌های قهوه در اتیوپی روآندا آمریکای مرکزی که هزاران کشاورز کوچک را به طور مستقیم به بازارهای جهانی ارتباط می‌دهد. در کشور غنا نیز از سال ۲۰۰۰ تعاونی‌های مشاوره‌ای و آموزشی توسعه روستایی و کشاورزی تشکیل شده است. هدف اصلی تشکیل این کمیته‌ها کمک به کشاورزان و تسهیل دسترسی آنان به سطوح تجاری در تولید غذا است (Dumn, ۲۰۰۸).

برابر بررسی‌های انجام شده در حوزه‌های مختلف تئوریک و تجارب جهانی مشخص می‌شود که نهضت تعاونی به منزله الگوی مناسب نهاد مشارکتی در اکثر کشورهای جهان و ایران پذیرفته شده است. در حال حاضر تعاون به عنوان یک پدیده اقتصادی اجتماعی با جنبه‌های فرهنگی خاص خود و توجه به نقش اساسی آن در بهبود اشتغال، سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی و فرهنگی جوامع، از اهمیت به سزایی برخوردار است. از آنجایی که در اغلب کشورهای توسعه نیافته قوانین و سیاست‌ها به گونه‌ای است که باعث دخالت وسیع دولت در تعاونی‌ها و کاهش مشارکت روستاییان در فعالیت‌های تجاری شده است و این وضعیت تمایل به تداوم را نشان می‌دهد، در بسیاری از کشورهای شرق اروپا مانند لهستان و رومانی تغییرات جدیدی در قوانین تعاونی‌ها دیده می‌شود که خودمختاری بیشتری را به تعاونی‌های روستایی می‌دهد. این مسئله در دیگر کشورهای آفریقایی مانند اتیوپی، غنا، کنیا، اگاندا، تانزانیا و زامبیا دیده می‌شود و همچنین در بعضی کشورهای آسیایی مانند هند، ویتنام و چین اصلاحاتی در قوانین تعاونی‌ها در حال انجام است. در این راستا سازمان خواربار جهانی FAO در زمینه رشد و توسعه تعاونی‌ها اقدامات مختلفی را به شرح زیر در تعدادی از کشورهای عضو انجام داده است:

۱- تغییر در سیاست‌ها و قوانین و توسعه سیاست‌های قانونی جدید که به استقلال و رشد تعاونی‌های روستایی در تعدادی از کشورهای در حال توسعه مانند اتیوپی، غنا، تانزانیا، ویتنام و هند منجر شده است.

۲- بهبود در مدیریت و سازماندهی مردم روستایی از طریق جهت‌دهی و آموزش و سازماندهی مردمی روستایی و مدیران تعاونی و حمایت از اعضا جهت مشارکت بیشتر آنها به عنوان مثال برنامه آموزش مشارکت که با همکاری سازمان FAO و با حمایت تعاونی تانزانیا

انجام گردید، در مشارکت روستاییان در فعالیتهای تجاری تعاونی تأثیر زیادی داشته است. این برنامه مبتنی بر تجربیات به دست آمده از برنامه مشارکت مردم در سایر کشورها بود. این سازمان با استفاده از تجربیات به دست آمده در چند دهه گذشته در آفریقا و آسیا، زمینه مناسبی را در اجرای برنامه‌های مشارکت مردم و اجرای پروژه‌های مختلف در غنا، کنیا، تانزانیا، سیرالئون، زامبیا، زیمبابوه، سریلانکا، پاکستان و تایلند فراهم آورده است.

تجربیات سازمان FAO نیز نشان می‌دهد که مشارکت بیشتر روستاییان از طریق برنامه‌های پایین به بالا و ایجاد سازمان‌های خودیار روستایی منافع بسیار زیادی در توسعه روستایی و کاهش فقر داشته است؛ اما در بسیاری از کشورها ایجاد چنین سازمان‌هایی تحت عنوان، تعاونی با وجود سیاست‌های متمرکز و از بالا به پایین دولت‌ها، به تدریج از سازمان‌های پایدار و خودیار فاصله گرفته‌اند (Jouse, ۱۹۹۶). بدین ترتیب تعاون و همکاری میان اعضا یک جامعه از طریق شکل‌گیری تشکلهای سازمان‌های دولتی و غیردولتی، زمینه‌سازی در جهت مشارکت فعال آحاد مردم و به ویژه اقشار فقیر روستایی به صورت داوطلبانه در تصمیم‌گیری‌ها و نیز دارا بودن روحیه اجتماعی و کار گروهی از جمله مهمترین عوامل تشکیل‌دهنده پایداری نهادهای در جوامع روستایی محسوب می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۵۵).

تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که در توسعه کشاورزی پایدار رویکرد مشارکتی از جمله راهبردهایی است که می‌تواند این فرایند را نظام‌مند، پایدار و بادوام سازد؛ زیرا مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه می‌تواند توانمندی‌های خرد و پراکنده اقتصادی و اجتماعی را متمرکز سازد و انرژی‌های پراکنده اما مؤثر در توسعه و بهبود وضعیت روستاها را به منبع واحدی تبدیل نماید زمینه این نوع مشارکت را می‌توان در چارچوب مشارکت سازمان‌یافته از طریق نهادهای مردمی و محلی جستجو کرد عملکرد شرکت‌های تعاونی در نقاط مختلف روستایی ایران و جهان از تأثیر مثبت بخش تعاون در عملکرد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی این جوامع حاکی است. تعاون استفاده از مشارکت مردم در برآورده ساختن نیازهای اساسی مردم به دست خودشان است و علاوه بر این راهبردی مؤثر برای شتاب دادن به روند توسعه اقتصادی و اجتماعی است.

تبیین جغرافیایی توسعه کشاورزی پایدار

توسعه برآیند آگاهی، شناخت از جامعه، محیط و جریان تفکرات مردم است و هدف اصلی آن پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های انسانی از طریق شناخت تمامی ساختارها، فرایندها و همه جریانات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. در این خصوص هر یک از نظریه‌پردازان برحسب دیدگاه علمی خود، توسعه را ناشی از عوامل ساختاری مختلف دانسته و اهداف متعددی را برای توسعه متصور شده‌اند که وجه مشترک همه آنها در سطح متعالی تأمین آزادی، ثروت رفاه و آسایش، بهبود کیفیت زندگی و دستیابی به عدالت اجتماعی است.

توسعه حرکتی در جهت رسیدن به اهدافی چون کاهش فقر، افزایش رفاه اقتصادی، بهبود سلامت و بهداشت، بهبود وضعیت آموزش، افزایش آزادی سیاسی و اجتماعی تعریف می‌شود (Szimai, ۲۰۰۵: ۳۵). از نظر مایکل تودارو توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. شوماخر نیز توسعه را فرایندی ساختاری تلقی می‌کند که طی آن نه تنها تولید بلکه عوامل جانبی مانند اشتغال، درآمد سرانه و رفاه مردم و محیط‌زیست نیز افزایش یابد (پاپلی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۳۷). کرنل و دیگران توسعه را رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه است می‌دانند که دستیابی به غایات مطلوب نوسازی اقتصادی را فراهم می‌آورد (نراقی؛ ۱۳۶۹: ۴۵-۸۱). از نظر کرنل و همکاران سه هدف مهم توسعه عبارت‌اند از:

- ۱- فراهم آوردن فرصت‌های اقتصادی برای افراد که باعث افزایش رضایت از زندگی شود.
- ۲- فراهم نمودن بستری مناسب برای اجتماعات محلی که بتوانند اهداف اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال کنند.

۳- حمایت از حکومت‌داری محلی و تقویت اجتماعات محلی برای مشارکت در مسائل مربوط به خود. از نظر حاجی هاشمی در توسعه از لحاظ نظری تمامی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در کنار هم و به یک اندازه اهمیت دارند؛ اما زمانی که واقعیت‌ها و راه‌حل‌های عملی مطرح می‌شود، اولویت برحسب شرایط و مقتضیات و نیازها

متفاوت می‌شود. لذا باید کوشید میان این ساختارها شکاف و فاصله زیادی نباشد (حاجی‌هاشمی، ۱۳۸۷: ۲۷).

با بررسی کلی تعاریف توسعه از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف می‌توان به نکات کلیدی زیر که در نگرش جدید توسعه روستایی مد نظر قرار گرفته اشاره نمود:

- جامعیت فرایند توسعه روستایی اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی.
- مردم‌گرایی، مشارکت و درون‌زایی.
- آزادی انتخاب و برابری در دسترسی به فرصت‌ها.
- رسیدن به هدف نهایی انسان یعنی رضایت از زندگی
- توانمندسازی و ایجاد ظرفیت‌های جدید احترام به دانش و اطلاعات و دانش بومی و افزایش آگاهی و اطلاعات.
- ایجاد تغییرات آرام در دیدگاه‌ها ارزش‌ها شیوه مصرف و شیوه‌های مدیریتی.
- ایجاد پیوند کارآمد درون‌گروهی بین کنش‌گران توسعه و مردم محلی.
- به مخاطره نیفتادن محیط‌زیست (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۴-۵).

در چارچوب تعاریف عنوان شده توسعه دستاوردی بشری و دارای مختصات فرهنگی و مستلزم تحول انسان در تفکر و ایدئولوژی است؛ تا بتواند در جریان، توسعه اندیشه‌ها و راه‌های تازه را قبول نموده و راه و رسم‌های تازه‌ای را در پیش گیرد و آماده پذیرش تغییرات جدید و زندگی نو شود. هدف توسعه هر چیزی که باشد نیازمند راهبردهایی است که بتواند ارزش‌های متصور در آن را برای انسان به ارمغان آورد. با این نگرش دیدگاه‌ها و برداشت‌های مختلف توسعه در گستره‌ای وسیع بیانگر دو دیدگاه قطبی قرار می‌گیرد: دیدگاهی که توسعه را با معیارهایی مانند رشد تولید ملی، صنعتی شدن، مدرنیزه و ... بیان می‌کند و معیارش تنها رضایت مردم است و در دیدگاه دیگر به عدالت اجتماعی اشاره می‌کند که هدف والای آن توانمندسازی برای دستیابی به عدالت اجتماعی است. در این دیدگاه سیاست کلی توسعه روستایی بر کاهش فقر روستایی، افزایش تولید و بهره‌وری، دسترسی برابر به تسهیلات و امکانات، بهبود کیفیت زندگی روستایی از طریق تأمین زیرساخت‌های اساسی، توانا ساختن مردم جهت مشارکت و استفاده بهینه از منابع روستا و تصمیم‌گیری‌ها و تقویت مؤسسات و نهادهای روستایی، تأکید می‌کند. لذا مفاهیم جدیدی چون مشارکت، تعاون، همکاری و عدالت اجتماعی به عنوان اهداف اصلی توسعه عنوان شده است.

دیدگاه‌های توسعه کشاورزی نیز طی تحولات دیدگاه‌های توسعه تکوین یافته و مانند مفهوم توسعه با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی در سیر تکوینی خویش متحول شده است. این تحول در مفاهیم و اهداف را می‌توان نتیجه اثبات بی‌ثمری و حتی ناسازگاری نظریه‌ها با یکدیگر دانست. نظریه‌هایی که انتظار می‌رفت به عنوان راهنما بتوانند در بهبود سرنوشت جهان و به ویژه جامعه روستایی و بخش کشاورزی مؤثر واقع شوند؛ اما نه تنها زندگی بشر را به سمت آرامش رهنمون نساخت که مشکلات پیچیده اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فراوانی را به ارمغان آورد. این مسئله سبب تجدیدنظرهای گوناگون در مفهوم توسعه کشاورزی گردید و توسعه کشاورزی به عنوان مفهومی چند بعدی و با توجه خاص به فرایندهای پایداری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مطرح شد. روند توسعه خود تابعی از عوامل اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی داخلی و خارجی است. از این رو تغییرات آن در ساختارهای کشاورزی نیز تأثیرگذار خواهد بود (بدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۴). این تحول در ابعاد مختلف اندیشه‌ای روش‌شناختی و برنامه‌ریزی در دهه‌های گذشته به شرح زیر مشخص شده است.

تحول اندیشه‌ای توسعه کشاورزی پایدار

پس از جنگ جهانی دوم فضای مناسبی برای تحول اندیشه‌ای توسعه به وجود آمد. رشد تعداد کشورهای مستقل در آسیا و آفریقا به علاوه رشد کینزگرایی در اقتصادهای توسعه‌یافته و نقد و رد ارتدکس اقتصادی، زمینه‌های طرح نظریه‌های جدید توسعه را فراهم آورد. تحولات اندیشه‌ای مربوط به توسعه را می‌توان در سه دوره بحث کرد:

تحول نخست که از قبل از دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، ریشه در تحولات فکری و فرهنگی و اندیشه‌های اقتصادی قرون قبل داشت و زمینه‌های فکری آن طی دوره‌ای بیش از چهار قرن فراهم گشت. علاقه به کار و فعالیت دنیوی و دقت و نظم در انجام وظایف شغلی در مجموع از ویژگی‌های یک برداشت جدید از مذهب بود که نمود آن در ساختار اقتصادی سیاسی ظاهر گشت طی دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ توسعه به معنی بهره‌برداری از منابع طبیعی کشورهای مستعمره بود اقتصاددانانی چون آدام اسمیت، ریکاردو و مارکس بیشتر تأکیدشان بر توسعه اقتصادی، انباشت سرمایه و رشد متمرکز شده بود و توسعه معادل رشد اقتصادی قلمداد می‌شد. با این برداشت یک بعدی از توسعه سایر ابعاد توسعه اجتماعی، فرهنگی و محیطی و

نهادی تا آنجا مورد توجه قرار می‌گرفت که در راستای رشد و توسعه اقتصادی باشد. به عبارتی رشد اقتصادی به عنوان هدف نهایی و توسعه اجتماعی، فرهنگی و محیطی تابعی از آن در نظر گرفته می‌شد. در این دوره دیدگاه نوسازی مبتنی بر شیوه و مسیر تولید گرایی، بر تراکم سرمایه به عنوان مهمترین عامل رشد اقتصادی در کنار سایر عوامل تولید چون نیروی انسانی، منابع طبیعی و ... تأکید می‌کند تحت تأثیر پارادایم حاکم رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی از طریق سهم کاهنده کشاورزی در کل محصولات، پیشرفت فناوری و صنعتی شدن جوامع جهان سوم مورد توجه قرار گرفت. با چنین تصویری در دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ گرایش شدیدی نسبت به شهرنشینی و صنعتی شدن در جهان به وجود آمد؛ اما با گذشت چند دهه از اتخاذ چنین سیاستی در اغلب کشورهای جهان سوم آشکار شد که نه تنها این راهبردها مشکلات را از بین نبرد بلکه بر دامنه آنها نیز افزود. برهم خوردن تعادل منطقه‌ای برهم ریختن ساختار اقتصاد سنتی و بخش کشاورزی مهاجرت نیروی کار روستایی به شهرهای بزرگ و افزایش جمعیت شهرهای بزرگ نتیجه به‌کارگیری این الگو در اغلب کشورهای جهان سوم بود.

در دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰ دیدگاه‌های اقتصاد غربی توسعه با ظهور دیدگاه اقتصاد سیاسی رادیکال و نظریه‌های ساخت‌گرایی به چالش طلبیده شد. نظریه‌های توسعه رادیکال ریشه در نظریه‌های لنین کائوتسکی، پل باران و سایر اقتصاددانان مارکسیست داشت (شکوری، ۱۳۹۱: ۲۴). بر اساس نظریه ساخت‌گرایی، توسعه اقتصادی نتیجه ساختارهای اقتصادی - اجتماعی بوده و دستیابی به آن در گرو تغییر و تحول ساختار اقتصادی و اجتماعی است. نظریه ساختارگرایی طیفی از رهیافت‌ها را که شامل اصلاحات معتدل و مداخله دولت بود را در برمی‌گرفت که فقط در کشورهای سوسیالیسم قابل تحقق است. تغییر در ساختار مالکیت و تعادل بخشی میان صنایع بزرگ مقیاس و کوچک مقیاس از خط مشی‌های ساختارگرایان است. به عقیده آنان الگوی سنتی زمین‌داری و اجاره داری مانع توسعه کشاورزی است و از این رو اصلاحات ارضی رادیکال را در بهبود بخشی توزیع زمین و تغییر مناسبات اجاره داری ضروری می‌دانند.

از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی تجربه‌های حاصل از رویکردهای معطوف به رشد و توسعه اقتصادی نشان داد که این برداشت از توسعه پاسخگوی نیازهای کامل انسان و جوامع انسانی نیست. این مسائل سبب شد که در مدل توسعه بازنگری کلی پیش آید و مسائل اجتماعی و

اقتصادی چون فقر، توزیع درآمد، تغذیه، مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی بهتر، باسوادی، آموزش و پرورش، دسترسی به اشتغال و ... مطرح شوند. به تدریج نقش دیدگاه‌های مبتنی بر رشد اقتصادی در مباحث توسعه کمرنگ شد و دخالت و مشارکت کلیه افراد جامعه در فرایند توسعه (عربیون و عبدالله زاده، ۱۳۹۱: ۹) و توانمندی‌های بالقوه انسانی در زمینه روابط با سایر گروه‌های اجتماعی مد نظر قرار گرفت. در این راستا مشکلات ناشی از نابرابری‌های درونی و بیرونی کشورهای درحال توسعه که لزوماً دگرگونی‌های ساختاری اساسی را به دنبال دارد مد نظر قرار می‌گیرد. از اوایل دهه ۱۹۸۰ عقاید ساختارگرایی با انتقادهایی مواجه شد و باعث ظهور سه نظریه فکری وابستگی، نیازهای اساسی و نئولیبرالیسم شد نئولیبرال‌ها به اصول اقتصادی عام و جهان شمول اعتقاد داشتند. از نظر آنها جهان یک پدیده انعطاف‌پذیر است و سازگاری مردم با تغییرات از طریق مکانیسم قیمت کنترل می‌شود. سیاست‌های نئولیبرال از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تحت عنوان سیاست‌های تعدیل آزادسازی، بازار تجارت و کاهش نقش دولت در اقتصاد با خصوصی کردن و کاهش هزینه‌های دولت مورد توجه قرار گرفت. در این دیدگاه توسعه یک مفهوم یک بعدی توسعه اقتصادی نبود؛ بلکه به عنوان یک پدیده با ابعاد ارزشی فرهنگی - اجتماعی و همه‌جانبه بود.

اما در توسعه با این مفهوم جدید محیط‌زیست و طبیعت مورد غفلت واقع شده بود. در واقع دیدگاه فن محوری نئولیبرال‌ها و دید خوشبینانه آنها به جهان و نتایج بد سیاست‌های تعدیل ساختاری، موجب گردید منابع طبیعی خصوصاً منابع تجدید نشدنی به صورت بی رویه مورد بهره‌برداری قرار گیرد و جهان با مشکلات زیست‌محیطی مواجه شود به عبارتی توسعه مهار نشده و مشکلات زیست‌محیطی ناشی از آن باعث شد در مفهوم توسعه تجدیدنظر اساسی شود و مفاهیمی چون کنترل منابع حفظ محیط‌زیست، مدیریت محیطی، تنظیم مجدد رابطه انسان و محیط در توسعه مطرح شوند. در دهه ۱۹۸۰-۹۰ تجدیدنظرهای گوناگون و رهیافت‌های مختلف توسعه و بسیاری تحولات فکری و اجتماعی بنیان نهاده شد و توسعه به عنوان مفهومی چند بعدی و با توجه خاص به پایداری تعریف می‌شد. این مفهوم جدید انسان را محور و بقای او را هدف قرار داده است. در این مفهوم جدید انسان در کانون توجه قرار گرفته و توجه بیشتری به کیفیت زندگی انسان‌ها می‌شود درحالی‌که در مطالعات پیشین انسان‌ها دور از فرایند تصمیم‌گیری نگاه داشته شده بودند و از مشارکت آنها در هر

سطحی جلوگیری می‌شد. در مفهوم توسعه پایدار برنامه‌های توسعه علاوه بر سازگاری با اصول دموکراسی و با فرهنگ هر جامعه باید، با محیط‌زیست نیز همخوانی داشته باشد و از فشارهای روزافزون بر آن جلوگیری نماید لذا توسعه پایدار نه تنها شامل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود که مسئله شیوه استفاده از منابع طبیعی و به ویژه تأثیرات این عوامل بر محیط‌زیست را نیز در برمی‌گیرد (نصیری، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

تحول روش‌شناختی توسعه کشاورزی

در مباحث توسعه‌ای در جهان تحول روش‌شناختی در دو الگوی تحقیق تقسیم‌بندی می‌شود: یکی الگوی تحقیق سنتی که انسان‌ها را به عنوان اجزا و عناصر منفعل و نظام را عامل توسعه قلمداد نموده است. از این دیدگاه توسعه کشاورزی توسط نهادهای دولتی و به معنای تکیه بر دولت برای تحقق توسعه است. دیگری الگوی تحقیق جدیدی است که انسان را عنصر خلاق و مدبر می‌داند و توانمندسازی او را مهمترین عامل توسعه معرفی می‌کند. در تفکر جدید توسعه کشاورزی با مشارکت مردم و مدیریت دولت انجام می‌شود (عمادی، ۱۳۸۴: ۹-۱۴). در الگوی نخست چشم‌انداز توسعه کشاورزی بر اساس پارادایم علم اثبات‌گرایی سه بازیگر اصلی (محققان فراهم‌کننده نتایج اعتبار علمی تحقیقات)، مروجان (عاملان تغییر و انتقال پیام به کشاورزان) و کشاورزان نقش تعدیل‌کننده و یا رد‌کننده نوآوری در کشاورزی استوار است (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۳)؛ اما در الگوی دوم، توسعه بخش کشاورزی نیازمند مشارکت کلیه بخش‌های خصوصی، دولتی، جوامع مدنی و تشکلهاست و شیوه مشارکتی به عنوان یک شیوه غالب پذیرفته شده است (پاپلی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). در این شیوه رویکردی مشارکتی و چند رشته‌ای با متغیرهای کلیدی چون فروض علم‌شناسی اهداف تحقیق انواع مشارکت نقش بازیگران محلی (کشاورزان، بهره‌برداران، مردم محلی)، میزان درگیری و مشارکت، بازیگران شیوه‌ها فرایندها و روش‌های تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد. در این خصوص بخش کشاورزی تحولاتی را به خود دیده است: مرحله اول: افزایش تولید، مرحله دوم: افزایش بهره‌وری، مرحله سوم: افزایش پایداری. بدین ترتیب بخش کشاورزی با به‌کارگیری تکنولوژی و منابع جدید به سمت افزایش تولید و سپس افزایش بهره‌وری متحول شده است؛ اما آنچه در دهه‌های اخیر در بسیاری کشورها آغاز شده افزایش کیفیت تولید و پایداری منابع است که بیشتر بر مفاهیمی چون تولید، بهره‌وری و پایداری تأکید دارد (عمادی، ۱۳۸۴: ۹-۱۴).

امروزه توسعه منابع انسانی بیش از سایر منابع و امکانات در توسعه پایدار مطرح است. از طریق پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان بستر مناسبی برای تغییر و تحول و دگرگونی‌ها و موجبات توسعه پایدار فراهم می‌شود. روحیه، احساس، عواطف، افکار و رفتار مشارکتی و تعاونی انسان، بدون تردید مهمترین عامل توسعه به شمار می‌رود. مطالعاتی که توسط سازمان بین‌المللی کار در اوایل دهه ۱۹۷۰ انجام شد نیز نشان داد که پاسخ به مشکلات توسعه در کشورهای جهان سوم تبعیت از الگوی صنعتی شدن و شهرنشینی بلکه راه چاره در فرایند اتکا به خود حاصل می‌شود فرایندی که تجربه دیگران را با استعدادهای مردم محلی ترکیب می‌نماید تا استفاده مطلوب از دانش و فناوری و منابع موجود تحقق یابد (تودارو، ۱۳۶۴: ۴۲۵). در واقع حضور آگاهانه مردم به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی توسعه پایدار خصوصاً در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که یونسکو طی گزارشی، توسعه پایدار را مستلزم گذار از عضویت فردگرایانه در جامعه به مشارکت دموکراتیک مردم در صحنه تلقی کرده است. بر این اساس توسعه پایدار بدون برخورداری از کارکردهایی در جهت تعمیق مشارکت دموکراتیک، دست‌نیافتنی خواهد بود؛ بنابراین تعریف پایداری و بسط آن اصولاً سیاسی است (نصیری، ۱۳۸۴: ۲۳۲). هدف اصلی توسعه کشاورزی پایدار بهبود میزان و راندمان تولید (اعم از راندمان بیولوژیک و راندمان اقتصادی) و در واقع حرکت به سمت بهبود کیفیت زندگی کشاورزان و بهره‌برداران است. لذا تحولات بخش کشاورزی با توانمندسازی و ارتقای دانش بینش و مهارت تولیدکنندگان و بهره‌برداران کشاورز در قالب تشکلهای سازمان‌یافته و نهادهای محلی منسجم امکان‌پذیر می‌شود تشکلهای سازمان‌یافته و نهادهای محلی به عنوان یک سیستم حمایت‌کننده از طریق ایجاد تحول در دانش و بینش بهره‌برداران، آنها را هدایت و حمایت می‌کند (Chiang, ۲۰۰۵: ۱) از طرف دیگر مشارکت افراد در زندگی جمعی از طریق میزان سرمایه اجتماعی در میان آنها تعریف می‌شود و سرمایه اجتماعی که عموماً به اعتماد هنجار اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد تأثیر گسترده‌ای بر روی توسعه پایدار داشته و در واقع فاکتوری است که توضیح می‌دهد چرا در بعضی جوامع و ملل اجرای برنامه‌های توسعه پایدار متفاوت است (Roslan et al, ۲۰۱۰: ۱۱۳).

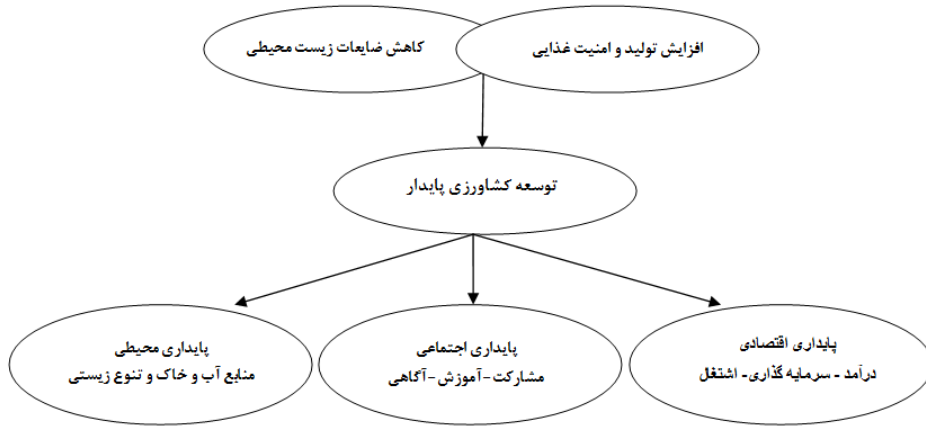
تحول برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی

با تحولات اندیشه‌ای و تحولات روش‌شناختی برنامه‌ریزی کشاورزی با توجه به موضوعات، ساختارها و سطوح برنامه‌ریزی از رویکردهای مختلفی برخوردار شده است و طیفی از برنامه‌ریزی کشاورزی متمرکز، عمل‌گرا، راهبردی، نظام‌مند، مشارکتی، غیرمتمرکز و منطقه‌ای و محلی را در برمی‌گیرد. واکاوی‌ها نشان می‌دهد تحولات در بعد سیاستی از سیاست‌های توسعه ساختاری دهه ۱۹۷۰، تعدیل ساختاری دهه ۱۹۸۰، به چندبخشی در چارچوب ترویج سیاست‌های از پایین به بالا در حوزه ارتباط دولت، بازار، مردم و حکمروایی در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ تغییر یافته است. از لحاظ شیوه‌های برنامه‌ریزی کشاورزی می‌توان سه مرحله زمانی مختلف را تشخیص داد: کشاورزی معیشتی، کشاورزی صنعتی و کشاورزی پایدار به عبارتی کشاورزی سنتی کم کم جای خود را به کشاورزی تجاری و نوین داده و مشکلات زیست‌محیطی ناشی از آن سبب شد به تدریج به کشاورزی دهقانی و کوچک مقیاس و کشاورزی پایدار تغییر کند هر یک از شیوه‌ها نشان‌دهنده پارادایم خاصی است که در آنها نحوه مدیریت و رفتارها بر مبنای پارادایم‌های مربوطه متفاوت است و هر سه مورد را می‌توان در یک کشور خصوصاً در یک کشور جهان‌سومی مشاهده نمود: کشاورزی معیشتی یا سنتی این نوع کشاورزی که قبل از دهه ۱۹۵۰ در بسیاری از کشورهای اروپایی رایج بود و در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان سوم رایج است متکی به نیروی کار اعضای خانواده است و تولید برای مصرف خانگی است. در این نوع کشاورزی فشارهای خارج از سیستم، مانند سیاست‌گذاری‌های بی‌ثبات محدودیت‌های تکنولوژیکی ناسازگاری‌های محیطی و درآمد اندک، فشارهای زیادی را بر کشاورزان وارد می‌سازد. کشاورزی صنعتی یا تجاری: پس از جنگ جهانی دوم یعنی در دهه‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۶۰ دوره‌ای که توسعه به معنای رشد تولید سرانه تعریف می‌شد، توسعه کشاورزی نیز بر استمرار نوسازی صنعتی و تجاری شدن کشاورزی با تأکید بر افزایش تولید تأکید داشت. مدل صنعتی یعنی تخصصی شدن و مکانیزاسیون، نظام کشاورزی سنتی را متحول نمود. اگرچه نظام سنتی کشاورزی دچار تحول شد و انسان با استفاده از فناوری طبیعت را مهار کرد، اما به محیط‌زیست آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد شد. سیاست‌های کشاورزی به کار گرفته شده دهه ۱۹۵۰ در بسیاری از کشورهای اروپای غربی، آمریکای شمالی، ژاپن، چین، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان (Tashmatov et al, ۲۰۰۰: ۷۱۹) و در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و در

کشورهای جهان سوم (Sanders, ۱۹۹۲: ۳۶۱) تأثیرات منفی زیادی مانند فرسایش و کم بازدهی خاک، آلودگی‌های آب‌وخاک و کاهش تنوع زیستی ایجاد نمود. در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ به دنبال افزایش جمعیت در کشورهای درحال توسعه و نیاز به مواد غذایی انقلاب سبز به وقوع پیوست. ورود مدرنیسم در کشاورزی جهان و تکنولوژی‌های به کار گرفته شده جهت افزایش محصول مانند تولید و مصرف انواع سموم و کودهای شیمیایی و استفاده گسترده از ماشین‌آلات عدم انطباق کشاورزی با اصول پایدار را به عنوان یک موضوع مهم و اساسی در توسعه‌اینده مطرح ساخت؛ بنابراین کشاورزی مدرن که بر اهداف کوتاه‌مدت و حصول حداکثر تولید به هر شیوه و با کمک فناوری مبتنی است، با وجود نتایج مثبت، اما آثار منفی زیادی بر محیط‌زیست وارد نمود و پایداری را به دنبال نیاورد. کشاورزی پایدار از آنجایی که فناوری‌های انقلاب سبز تولید را افزایش داده بود اما اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی معکوسی پدید آورد و انقلاب سبز با مشکلات عمده‌ای در زمینه عدالت، ثبات و پایداری مواجه شد، فاز جدیدی از تحقیقات کشاورزی و یکی از جنبه‌های مهم در توسعه پایدار یعنی کشاورزی پایدار مطرح گردید. در این دیدگاه بهره‌وری ثبات پایداری و عدالت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته بود (Barbie & Conway ۱۹۸۸: ۶۵۱). لذا از دهه ۱۹۷۰-۱۹۸۰ دومین تحول در توسعه کشاورزی یعنی ادغام کشاورزی با اقتصاد روستایی و اهداف محیطی و افزایش کیفی محصول بیش از افزایش کمی آن آغاز شد؛ زیرا توسعه کشاورزی مدرن، پایایی دراز مدت نظام‌های تولیدی جاری را مورد تردید قرار داد (اسدی و ورمزیاری، ۱۳۸۹: ۲۶۳-۲۶۴) به عبارت دیگر کشاورزی صنعتی و مشکلات حاصل از آن نتوانست کشاورزی صنعتی را به جایی برساند که پایدار باشد لذا باید برای مقابله با آثار نامطلوب آن مانند افزایش نابرابری در توزیع درآمد، سیاست‌های مناسب اتخاذ می‌شد. این نگرانی‌ها برخی اقدامات را برای استفاده از تکنیک‌های توسعه کشاورزی پایدار مطرح ساخت. مطابق نمودار (۳-۱)، کشاورزی پایدار در تمام انواع کشاورزی به دنبال کاهش اثرات زیان‌بار عملیات کشاورزی با اهداف زیر است:

- تأمین نیازهای غذایی و تولیدات کشاورزی نسل فعلی و آینده.
- کاهش آلودگی محیط‌زیست.
- ایجاد اشتغال پایدار، درآمد مناسب و شرایط مطلوب زندگی.
- افزایش آگاهی و مشارکت.

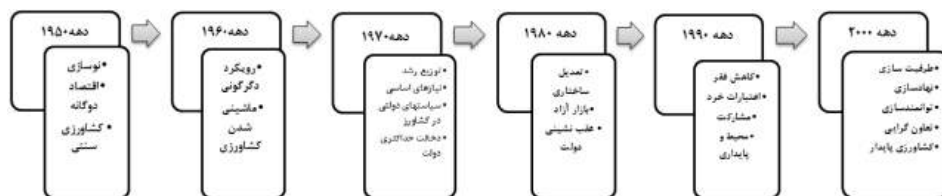
- نگهداری و افزایش پتانسیل تولید منابع طبیعی.



شکل ۳-۱. نمودار مهمترین عوامل شکل‌گیری و اهداف توسعه کشاورزی پایدار

در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰ دوره‌ای که به اصلاح سیاست‌گذاری‌ها، شتاب‌گیری‌ها و تغییرات نهادی و توجه به امنیت غذایی و پایداری محیط‌زیست توجه می‌شود سومین تحول آغاز شده و کشاورزی پایدار شکل می‌گیرد. الگویی که به انقلاب سبز دوم معروف است و بر تولید محصولات کشاورزی متناسب با محیط‌زیست تأکید می‌کند به‌گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای اروپایی تمایل به کشاورزی پایدار با تأکید محافظت از منابع طبیعی امنیت غذایی و حمایت اقتصادی کشاورزان افزایش یافت. به عبارتی توسعه کشاورزی پایدار به ابداعات تکنولوژیکی جدید تغییر سیاست‌ها و طرح‌های اقتصادی - اجتماعی عادلانه‌تر نیاز دارد و باید به صورت اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت در برنامه دیده شوند (Bezumeh, ۱۴۹: ۱۹۹۵).

در دهه ۲۰۰۰-۱۹۹۰، یعنی هزاره سوم راهبرد کاهش فقر، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، توسعه محلی و حکمرانی محلی و مدیریت محیطی در نظریه‌ها، رویکردها و سیاست‌های توسعه روستایی در چارچوب توسعه پایدار روستایی مورد تأکید قرار می‌گیرد (نمودار ۳-۲).



شکل ۳-۲. نمودار تحولات اندیشه‌ای - سیاستی توسعه کشاورزی پایدار

بنیان‌های نظریه‌های جدید توسعه پایدار کشاورزی

ساختار پایه‌ای نظریه‌های جدید توسعه کشاورزی پایدار مبتنی بر نظریه توسعه اکولوژیکی، توسعه محلی، توانمندسازی، ظرفیت سازی، نهادگرایی و نظریه تعاون گرایی است که بر ارتقاء توانایی‌های بالقوه انسانی و محیطی تأکید داشته است. به عبارتی توسعه معادل مشارکت، نهادسازی، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و مردم‌گرایی و توسعه محلی در چارچوب توسعه پایدار کشاورزی قلمداد می‌شود. امروزه توسعه کشاورزی به مثابه فرایند مشارکتی تلقی می‌شود که توانمندسازی مردم روستایی به منظور کنترل و مدیریت و تعیین اولویت‌های خود برای تغییر از اصول بنیادین آن به شمار می‌رود. در این پارادایم جدید، راهبردهایی چون توسعه ظرفیتی توانمندسازی و راهبرد مشارکتی، نهادی - شبکه‌ای و تعاون گرایی به شرح زیر به کار گرفته شده است:

نظریه توسعه محلی

پایداری نیازمند آن است که اعضای جوامع محلی روستایی را به تولید و بازساخت زندگی هدایت نموده و تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها را تا سطح اجتماعات محلی گسترش دهند. این چارچوب نیازمند آن است که کارگزاران ملی در جهت‌گیری سیاست‌های همکاری و برنامه‌ریزی خود فرایندهای غیرمتمرکز را تسهیل کنند. این کارگزاران باید با ایجاد ظرفیت‌های نهادی نقش تسهیل‌کننده راهنمایی و پشتیبانی را ایفا نمایند. در این چارچوب باید مجموعه‌ای از عوامل و دستورالعمل‌های لازم برای برنامه‌ریزی توسعه پایدار، جهت پشتیبانی از جوامع محلی و برنامه‌ریزی در سطح اجتماعات محلی فراهم شود.

فرایند توسعه اجتماعات محلی ریشه در مفهوم ارزش فرد به عنوان یک عضو مسئول و فعال جامعه را داشته و هدف اصلی آن تشویق خودیاری برای ارتقای استانداردهای زندگی و ایجاد اجتماعات باثبات، متکی به خود و با احساس اطمینان از مسئولیت اجتماعی و سیاسی بوده

است. فلسفه توسعه اجتماعات محلی، ایجاد رویه دموکراتیک برای شکوفا ساختن بستری از زندگی اجتماعی بر اساس مشارکت و مسئولیت جمعی، با کار فردی و انگیزه گروهی است. این راهبرد با پذیرش ساختار موجود جامعه روستایی سعی دارد تا از طریق دادن اختیار به اجتماعات محلی بدون آن که به تحولاتی انقلابی نیاز باشد به اصلاحات محدود جامعه روستایی و بهبود کیفیت زندگی در سطح جامعه بپردازد (جمعه پور، ۱۳۸۵: ۷۶).

نظریه توانمندسازی

توسعه بدون همکاری محلی و تأکید بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی امکان‌پذیر نیست. توانمندسازی فرایند عمل اجتماعی است که مشارکت مردم، سازمان‌ها و جوامع را در دستیابی به مدیریت بهره‌مندی از زندگی، در جامعه خود در سطح محلی و سطوح اجتماعات بزرگتر ارتقا می‌دهد. این فرایند شامل ارتقای ظرفیت افراد و گروه‌ها، مکان‌ها و سازمان‌ها برای انتخاب و تغییر و دگرگونی در انتخابشان از طریق اقدامات و کنش‌های منطقی و معقول است. افراد گروه‌ها و سازمان‌های توانمند، آزادی عمل بیشتری در انتخاب خود دارند و این عمل بستر را آماده می‌کند تا در زندگی معقول‌ترین تصمیمات را در جهت نیل به فرجام مطلوب گرفته و کیفیت زندگی خود، گروه و سازمان را از هر بعدی ارتقا بخشند امروزه مفهوم توانمندسازی به یکی از مفاهیم اصلی توسعه تبدیل شده است، توانمندسازی بر اساس تمایل افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها به وجود می‌آید. مشارکت برابر بین، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مدنی و احزاب، یادگیری از یکدیگر از ضرورت‌های توانمندسازی است درمجموع توانمندسازی باید حق توسعه‌یافتگی را در افراد، جوامع، سازمان‌ها و گروه‌ها به وجود آورد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

نظریه ظرفیت‌سازی

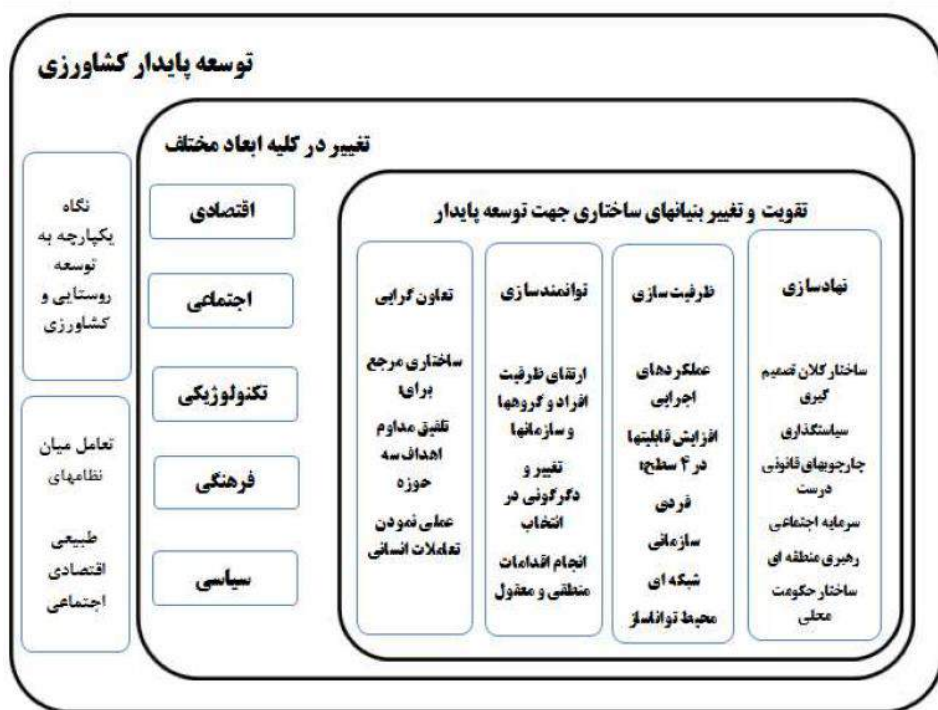
توسعه ظرفیتی نیز به عنوان مکمل سایر ایده‌ها شامل نهادسازی، توسعه نهادی، توسعه منابع انسانی، توسعه اداری و مدیریتی و تقویت نهادی است، ظرفیت‌سازی فرایندی است که به وسیله آن افراد، گروه‌ها، مؤسسات و نهادها، سازمان‌ها و جوامع قابلیت‌ها و توانایی خودشان را شناسایی کرده و چالش‌های توسعه را با اتخاذ روش و شیوه پایدار برطرف کنند و توانایی‌هایشان را برای عملکردهای اجرایی حل مسائل و دستیابی به اهداف، درک و برطرف کرده و نیازهای توسعه را در یک زمینه وسیع‌تر و در یک الگوی پایدارتر سازمان

دهند. نتایج ناشی از ظرفیت‌سازی در بلندمدت نتیجه می‌دهد و برای نیل به توسعه پایدار اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی که مبتنی بر هدایت آن به سمت نیازهاست صورت می‌گیرد. ظرفیت‌سازی چهار سطح ظرفیت‌های فردی، ظرفیت سازمانی، سطح شبکه‌ای و بخشی و محیط توانا ساز را شامل می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۱۵۷-۱۶۴).

نظریه تعاون گرایی

از توسعه پایدار غالباً به عنوان عاملی دارای سه بعد یا سه عرصه عمل برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی یاد می‌شود که وجود حداقل استانداردهای اجرایی در تمام این سه حوزه برای تحقق پایداری امری ضروری است. در این راستا تعاونی‌ها به عنوان یک راهکار از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. تعاونی‌ها می‌توانند هر نوع تعامل انسانی را در حوزه‌های فوق عملیاتی سازند. به عبارتی به کارگیری روش‌های پایدار نیازمند نوعی همزیستی اجتماعی توسط مردم محلی است. تعاونی‌ها تمایل دارند در بخش‌ها و حوزه‌هایی حضور فعال و پرتعداد داشته باشند که نافی برقراری روابط نسبتاً ساده با مدیریت زیست‌محیطی باشد تعاونی‌ها در بخش کشاورزی بر پایه منابع تجدیدشونده استوارند. حضور قدرتمند تعاونی‌ها در بخش‌های مرتبط بر منابع طبیعی مبین آن است که تعاونی‌ها باید الزاماً از روش‌های پایدار استفاده کنند؛ اما شرایط و الزامات ساختاری پرداختن به سرمایه‌گذاری‌های لازم را برای تعاونی‌ها دشوار می‌سازد. نکته راهبردی دیگر در نظریه تعاون گرایی این است که به فرهنگ و خصوصیت جامعه در هر منطقه‌ای که عمدتاً از ساختار فعالیت‌های کلیدی موجود در آن نشأت گیرند، تأکید دارد و همچنین به سازمانی نیاز دارد که از حیث اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در سطوح بالایی عمل کنند. بنابر آنچه گفته شد توسعه پایدار نیازمند سرمایه اجتماعی است و پویایی اجتماعی برای موفقیت هر اقدامی از جمله تعاونی‌ها ضروری است. در این خصوص اگر تعاونی‌ها نقش خود را به خوبی ایفا کنند، موجب بازتولید و گسترش سرمایه اجتماعی می‌شوند و به نوبه خود باعث موفقیت دیگر طرح‌ها و الگوواره‌ها می‌شوند. ایجاد انسجام‌بخشی (یکپارچه‌سازی و ایجاد ثبات) از دیگر نقش‌های تعاونی است که موجب تقویت و ترویج پیوندها و ائتلاف‌ها و در نتیجه کاهش نابرابری اجتماعی می‌شود تعاونی‌ها شرکایی هستند که روند اتحاد و ائتلاف تشکلهای محلی منطقه‌ای ملی و بخش‌های خصوصی و عمومی را تسهیل می‌کنند. این‌ها در ائتلاف‌ها و اتحادیهایی که مستلزم تلفیق سازمان‌های بخش‌های خصوصی و عمومی و ملی و بین‌المللی

است همانند شرکای تسهیل گر عمل می‌کنند شراکت و همکاری بخشی از واقعیت‌های عینی و سنتی و نوین تعاونی‌ها در فرایند توسعه اقتصادی اجتماعی است. تعاونی‌ها اغلب شرکای کلیدی هستند که مورد احترام و اعتماد سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، بنگاه‌های دولتی و شرکت‌های بخش خصوصی قرار دارند. اینها به عنوان شرکای کارساز معمولاً منابع و ذخایر رهبری را فراهم می‌آورند و ممکن است برای طرح‌هایی که مستلزم روابط و پیوندهای پیچیده هستند نقش کارگشا را ایفا نمایند (همان: ۱۸۳-۱۸۸).



شکل ۳-۳. نمودار بنیان‌های نظریه‌ای جدید توسعه پایدار کشاورزی

مطابق شکل (۳-۳)، ارتقا بخشی به توان‌های بالقوه و انسانی و محیطی ساختار پایه‌ای نظریه‌های جدید توسعه کشاورزی پایدار را شکل می‌دهد در این خصوص رشد همراه با پایداری افزایش خوداتکایی و خودباوری، افزایش آگاهی کشاورز از توان خود و محیط، بیش‌ازپیش مطرح شده است. با این نگاه توسعه پایدار کشاورزی در گرو رفع نیازهای اساسی توزیع عادلانه و عدالت اجتماعی، خوداتکایی محلی، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و تعاون-گرایی همراه با رفع مشکلات محیطی ناشی از توسعه خواهد بود.

جامعه مدنی بستر شکل‌گیری تعاون‌گرایی

بنا بر آنچه گفته شد در الگوهای نظری جدید توسعه، آنچه در فرایند توسعه پایدار کشاورزی مهم است نهادینه کردن یادگیری مبتنی بر توسعه اکولوژیکی، توسعه اجتماعات محلی، توانمندسازی، توسعه ظرفیتی، نهادی و تعاون‌گرایی است. در این خصوص جامعه مدنی و تقویت تشکلهای مدنی و سازمان‌های اجتماعی، بستر مناسبی جهت افزایش ظرفیت دانش مهارت و دسترسی به منابع در سطح، افراد، گروه‌ها و کارگزاران توسعه خواهد بود اتکای اساسی نظریه‌های جدید توسعه پایدار و خصوصاً نظریه جدید تعاون‌گرایی، بر جامعه مدنی است. جامعه مدنی بر بستر منطقه یا حوزه طبیعی تأکید دارد برای نیل به توسعه پایدار، اصالت دادن به روابط بوم‌شناسانه و روح همیاری اجتماعی و یکپارچگی نیازهای مادی و معنوی ضروری است (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۴۶).

در این فضا نهادها و تشکلهای تعاونی فضای میان دولت متمرکز و افراد پراکنده را پر می‌کنند و اختیارات را با پاسخگویی مسئولان و مشارکت مردم همراه می‌سازند. تشکیل و گستره فعالیت تعاونی‌ها از هر نوع، تولیدی، خدماتی و توزیعی در هر کشور بستگی زیادی به ضریب نفوذ دموکراسی اجتماعی و اقتصادی در آن جامعه دارد، دموکراسی حق حاکمیت اجتماعی فرد را در عرصه مناسبات کار اجتماعی شده وی، تأمین می‌کند؛ زیرا در تعاونی‌ها روح انسان‌محوری و دموکراسی حاکم است. تعاونی‌ها عمده‌تأ سازمان‌هایی اقتصادی هستند که جهت پاسخگویی به نیازهای اعضایشان فعالیت می‌کنند. انگیزه‌های اساسی که محرک آنهاست از سه منبع اساسی نشأت می‌گیرد:

- اول نیاز به حمایت در برابر استثمار نیروهای اقتصادی که بسیار قدرتمندتر از آن هستند که فرد بتواند به تنهایی در برابر آنها ایستادگی کند.
- دوم انگیزه برای بهبود وضع خویش از طریق استفاده بهینه از منابعی که غالباً کمیاب هستند.
- سوم توجه به تضمین بیشترین سود ممکن در هر شکلی از فعالیت اقتصادی که فرد بدان مشغول است. همکاری و همفکری افراد برای تضمین رسیدن به اهداف فوق، انگیزه فعالیت همیارانه را ایجاد می‌کند. در این فرایند، برخی عناصر کنش مشترک به قدری اساسی تلقی می‌شود که چنانچه بنا باشد کنش دوجانبه توفیق یابد.

استراتژی‌های کلی نظام در پایداری روستایی و کشاورزی

نظام روستایی مجموعه‌ای از عناصر پیوسته است که ساخت ویژه‌ای را شکل می‌دهد. این نظام دارای کارکردهای خاصی است که آنها را در محیط اجرا می‌کند. هر نظام دارای مرز و عامل کنترل و نفوذپذیری ورودی‌ها از محیط و خروجی‌ها به محیط است این مرز هویت و استقلال داخلی آن را معین می‌کند و شکل‌دهنده نوع نظام روستایی است. ساختار داخلی نظام روستایی متشکل از فرایندها، زیر نظام‌ها، ارتباطات درونی و دارای تعاملات با کیفیتی متفاوت است که در داخل نظام کلی از جایگاه و مسئولیتی برخوردار است که ضمن برخورداری از استقلال داخلی برای ماندگاری نظام کلی مسئول است. این ماندگاری و پایداری به قدرت سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت نظام کلی بستگی دارد. توسعه روستایی یک فرایند چندمرحله‌ای است که نمی‌توان یک باره به مرحله فرایندی آن دست یافت (رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۱۰۸-۱۰۷). توسعه پایدار روستایی جنبه‌های گوناگونی را شامل می‌شود و زمینه‌سازی در سه جنبه اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و محیطی کالبدی می‌تواند به کارکرد صحیح این فرایند بینجامد. در این میان توجه به مشارکت مردم روستایی از طریق نهادها و سازمان‌های مردمی و تأکید بر اقتصاد اجتماعی تعاونی‌ها، نهادهای مبتنی بر، همیاری اتحادیه‌ها و مانند آن از اهمیت اساسی برخوردار می‌شود (سعیدی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). لذا ترغیب و تقویت جوامع محلی و تسهیل‌گری در زمینه برپایی حکمرانی محلی و ایجاد نهادهای مردمی به بهترین وجه می‌تواند زمینه‌های عملی توسعه روستایی را تضمین نماید؛ زیرا تشویق و گسترش اندیشه توسعه روستایی پایدار بدون این گونه نهادهای محلی عملاً کارساز نخواهد بود (سعیدی و حسینی، ۱۳۸۸: ۲۶۶). توسعه پایدار روستایی یعنی نگرش همه‌جانبه و فرایندی به تعامل انسان سازمان‌یافته و محیط‌زیست او و الگوی حاصل از این تعامل در ابعاد سه‌گانه راهبردی، اقتصادی اجتماعی و زیست‌محیطی در راستای افزایش انتخاب مردم با گسترش دموکراتیک، تواناسازی مردم به منظور تصمیم‌گیری برای شکل‌گیری محیط‌زیست، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، تواناسازی کشاورزان مستقل برای انجام کار گروهی است و در آن صورت می‌توان گفت که توانمندسازی و ظرفیت‌سازی به منزله کانون و هسته مرکزی پارادایم جدید مورد توجه است (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۵). برای دستیابی به توسعه روستایی پایدار، شناخت و ایجاد تحول در نوع فعالیت روستاییان که عمده‌تأ مبتنی بر کشاورزی است ضرورت

می‌یابد (بدری و همکاران ۱۳۹۰: ۳۴). به عبارتی بستر فعالیت‌های کشاورزی یک محیط و فضای جغرافیایی به نام روستاست و جهت بهره‌گیری صحیح و پایدار از بنیان‌های کشاورزی، توجه به این مناطق اهمیت می‌یابد از سوی دیگر توسعه کشاورزی و پایداری آن در قالب توجه به روستا و توسعه روستایی است که هویت واقعی یافته و معنی پیدا می‌کند (بسحاق و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۳۱). فعالیت‌های کشاورزی در ارتباط با محیط روستایی شکل می‌گیرند و این دو مکمل هم و غیر قابل انفکاک از یکدیگر هستند و به وسیله وجود همین ارتباط تنگاتنگ توسعه کشاورزی پایدار در قالب توسعه روستایی مفهوم پیدا می‌کند. در فرایند توسعه پایدار روستایی رسالت و کارکرد جدید کشاورزی پایدار عبارت است از:

- امنیت غذایی و افزایش تقاضای داخلی و پاسخ به نیازهای جمعیت شهری در حال افزایش (نجفی و زاهدی، ۱۳۸۴: ۷۴).
- حفظ و بهره‌برداری پایدار از منابع پایه و طبیعی (قنبری و برقی، ۱۳۸۷: ۲۲۰).
- استمرار سلامت محیطی توأم با رشد اقتصاد ملی از طریق استمرار فعالیت‌های بازرگانی صادرات محصولات کشاورزی (پیشرو و عزیزی، ۱۳۸۸: ۱).
- تعدیل بی‌عدالتی و نابسامانی اجتماعی و اقتصادی در مناطق روستایی.

مهم‌ترین موضوع در بحث توسعه کشاورزی، تأکید بر کشاورزی پایدار است و پایداری کشاورزی در گرو تحقق تحولات بنیادی و همه‌جانبه در ساختار کشاورزی، مدیریت و بهره‌برداری مطلوب از امکانات و سازمان‌دهی و هدایت سنجیده فعالیت‌ها در مناطق روستایی است؛ بنابراین اصلاح ساختار اداری و تمرکززدایی، اصلاح و بهبود سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و قوانین مربوط به زمین، ایجاد یکپارچگی اراضی، بهبود در وضعیت قیمت‌گذاری محصولات، حمایت بیشتر دولت از بخش کشاورزی، انتقال سرمایه به سمت روستاها و ایجاد زمینه سرمایه‌گذاری بیشتر در روستاها به پایداری کشاورزی می‌انجامد (نمودار ۳-۴).



شکل ۳-۴. نمودار استراتژی‌های کلی نظام و پایداری روستایی و کشاورزی

در این چارچوب لازم است روستاییان و کشاورزان از طریق نهادها و سازمان‌های مردمی در امور روستایی و کشاورزی خود دخالت و تصمیم‌گیری و مشارکت نموده و احساس کنند در منافع حاصل از توسعه نقش دارند. این اقدام نیازمند گذار و تغییر مدیریت از بالا به پایین به مدیریت پایین به بالاست و اندیشه مردم محور و مشارکت محلی را می‌طلبد و با مشارکت توانمندسازی و ظرفیت‌سازی شیوه‌های توسعه پایدار را عمق می‌بخشد.

پایداری کشاورزی و نهادهای مشارکتی تعاونی

توسعه پایدار دارای سه بعد، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است و وجود حداقل استانداردهای اجرایی در تمام سه حوزه و وجود تعامل میان آنها از الزامات توسعه پایدار روستایی است. پایداری مفهوم پیچیده‌ای است و تعریف دقیقی از آن امکان‌پذیر نیست؛ اما آنچه مشخص است این است که مشارکت تنها راه‌حل رسیدن به پایداری است. مشارکت

فراگردی است که انعطاف ذهنی و تحرک اندیشه را با خود به همراه دارد و با ایجاد فضای گفتمان بین بهره‌برداران و مروجان کشاورزی و سازمان‌های خدماتی، زمینه را برای آموزش و تبادل اطلاعات فراهم می‌سازد و در دستیابی به اهداف و اصول کشاورزی پایدار مؤثر است. مشارکت را می‌توان میزان دخالت اعضای نظام اجتماعی در فرایند تصمیم‌گیری، برانگیختن حساسیت مردم در افزایش درک و توان آنان در پاسخگویی به طرح‌های توسعه و تشویق ابتکارات محلی دانست. مشارکت فرایندی است که موجب رشد توانایی بشر از جمله شأن و منزلت انسانی، نیروی تصمیم‌گیری و عمل و اندیشه سنجیده می‌شود. این تلقی از مشارکت بر سه جنبه مهم سازماندهی محرومان، تمرکززدایی دولتی و برنامه‌ریزی در سطح محلی (پایین به بالا) تأکید دارد و اگر دارای پایه مردمی باشد، شخصیت متکی به خود و روحیه تعاون را در جامعه ایجاد می‌کند. در این دیدگاه مشارکت به عنوان یک حق اساسی نگاه می‌شود و هدف اصلی آن آغاز برای فعالیت بسیج دسته‌جمعی، کسب قدرت و تشکیل نهاد و سازمان است.

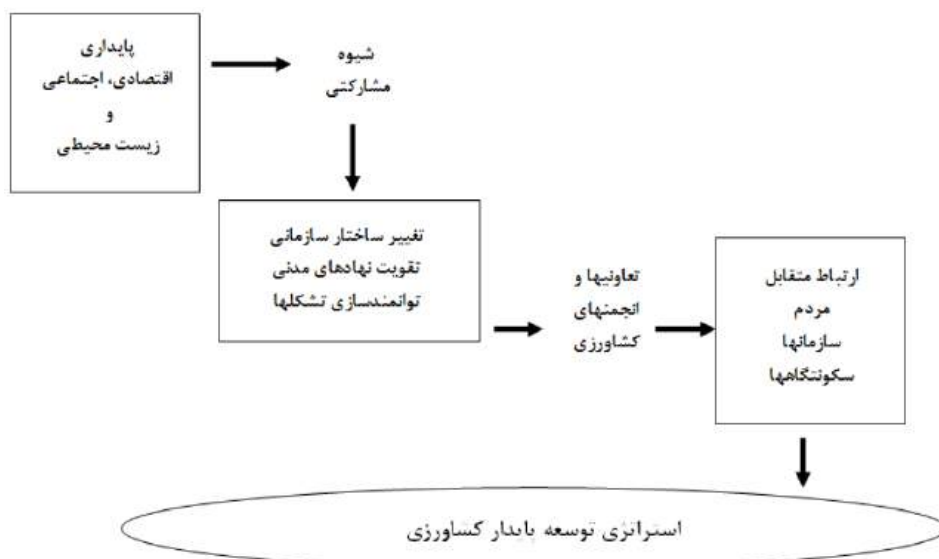
در این چارچوب مفهومی مردم منابع طبیعی و مشارکت ارکان توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند. با این تفاوت که مشارکت در مقایسه با دو رکن دیگر نقش ساختاری داشته و دو عامل مردم و منابع در چارچوب آن به فعلیت درمی‌آیند. در واقع مشارکت که نقش ترکیب‌کننده دو عامل دیگر را دارد و برآیند آن دو به شمار می‌آید، عنصر کلیدی در فرایند توسعه پایدار تلقی شده و از آن به عنوان حلقه گم شده فرایند توسعه یاد می‌شود. در مناطق روستایی مشارکت فعالانه و مداخله و نظارت مردم به عنوان یک ابزار مهم می‌تواند دستیابی به عدالت اجتماعی را تسریع نماید استفاده از شیوه مشارکتی در کشاورزی بر مشارکت و درگیر کردن کشاورزان در فرایند نوآوری حل مسئله و تصمیم‌گیری تأکید دارد و تواناسازی مردم روستایی و استفاده از آنها در برنامه‌ریزی مورد توجه قرار می‌گیرد. مشارکت، روستاییان را به افراد مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌کند. مشارکت در واقع وسیله‌ای است تا مردم به کمک آن و بدون اتکال جدی به نهادهای رسمی بتوانند بر مشکلات خود فائق آیند و نیازهای اساسی خود را به اتکا خود رفع نمایند. در واقع توسعه روحیه همکاری و ایجاد انگیزه مشارکت در بین مردم روستایی یکی از راه‌های بهبود امور بر اقتصادی و اجتماعی و کاهش نابرابری‌های موجود در جامعه روستایی است که باید در موارد زیر تهیدستان روستایی را در امر توسعه مشارکت دهد:

- مشارکت در قدرت اقتصادی از طریق افزایش دسترسی به امکانات تولید.
- مشارکت در قدرت سیاسی و اجتماعی با شرکت در تصمیم‌گیری‌ها از طریق سازماندهی به انتخاب خود.
- داشتن انگیزه برای کمک به افزایش تولید از طریق سازمان‌های نهادی.
- سهیم شدن در پاداش‌ها و منافع رشد به منظور بهبود مهارت‌های تولیدی و توانایی‌های انسانی و تبادل عادلانه کار و محصول خود برای رفع نیازهای اساسی (پاپلی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

بنابراین شیوه‌های توسعه پایدار برای تناسب با مردمی که تحت تأثیر قرار می‌گیرند صرفاً مبتنی بر ابعاد اکولوژیکی نیست. بلکه به منظور بهبود روش‌های توسعه بر اولویت‌های مردم محلی و مشارکت و یادگیری تأکید می‌کند. این نگاه فرایندی، پایدار مستلزم رهیافت یکپارچه‌تر اجتماعی است که حمایت محیطی را با نیازها و حقوق محلی ترکیب می‌کند و چارچوب جدیدی را مطرح می‌سازد که در مرحله نخست به دنبال راه‌حل‌های مناسبی برای حل مشکلات ویژه محیطی از طریق تأمین نیازهای اساسی، تساوی، توزیع عدالت اجتماعی، خوداتکایی محلی و توانمندسازی و ظرفیت‌سازی عمومی است. برای آن که مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه به عمل درآید، نیازمند سازمان مناسب و الگوی سازمانی است که در آن هر عنصر در جایگاه مناسب خود قرار گرفته باشد. در چنین مدلی مشارکت محور و ماهیت اصلی فرایند توسعه را تشکیل می‌دهد که از طریق ارتباط متقابل با مردم، منابع سازمان‌ها و سکونتگاه‌ها به عمل درمی‌آید. با این نگاه است که توسعه پایدار قبل از هر چیز به ساختار سازمانی و نهادهای مدنی و تشکلهای مردمی توانمند مشارکتی نیاز دارد تا بتواند ظرفیت اداره و کنترل زندگی جوامع محلی را افزایش داده و مردم را در دستیابی به اهدافشان سازماندهی کند، بر این مبنا سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی کشاورزان می‌تواند ابزار خوبی برای تداوم توسعه روستایی و کشاورزی پایدار مناطق روستایی باشد. چنین سازمان‌هایی در ایجاد زمینه مشارکت اقشار مختلف مردم و پیگیری مطالبات آنها و کمک به توسعه پایدار نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. اگرچه موانع زیادی مانند فقدان حمایت‌های سازمانی و نبود تخصص‌های سازمانی، موانعی را برای این سازمان‌های کشاورزان به وجود می‌آورد.

یکی از الگوهای مشارکت سازمان‌یافته شرکت‌های تعاونی است که زمینه استفاده سیستماتیک از مشارکت مردم را در برنامه‌های توسعه اقتصادی فراهم می‌کند و وسیله

مناسبی برای افزایش کارایی و اثربخشی نیروی عظیم انسانی است. مشارکت دادن مردم در قالب شرکت‌های تعاونی در مراحل مختلف توسعه از قبیل برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت و رفع مشکلات و تأمین نیازهای توسعه در حد امکانات محلی امکان‌پذیر است. تعاونی‌های تولید روستایی به عنوان یک شکل محلی، زمینه مناسبی را برای همکاری و اجرای برنامه‌های توسعه به وجود آورده و نقش مهمی در توسعه روستایی پایدار دارند. تعاونی‌های تولید روستایی ابزاری مهم در بهره‌گیری مناسب و بهینه از توانایی‌ها و استعدادهای روستاییان خصوصاً روستاییان فقیر و بهره‌گیری و استفاده مطلوب از فرصت‌های مناسب است و از طریق آن استعدادهای نهفته اعضا شکوفا می‌شود و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای را تسهیل می‌کند. توجه به سازماندهی خدمات مورد نیاز کشاورزان خرده‌پا به شیوه تعاونی و به منظور تسهیل فعالیت‌های مولد آنها، ضرورتاً باید در بافت گسترده‌تر فرایند توسعه اجتماعات و نظام‌های اقتصادی روستایی صورت گیرد. در این راستا باید چارچوب ارزش‌ها و نگرش‌ها به سمت توسعه و نقشی که تعاونی‌ها می‌توانند ایفا کنند سوق داده شود تا بتوانند نقش اساسی تعاونی‌ها را از نظر فلسفی و نیز به لحاظ اقتصادی و کاربردی توجیه نمایند (شکل ۳-۵).



شکل ۳-۵. نمودار مدل پایداری کشاورزی از طریق تقویت نهادهای مشارکتی تعاونی

اصول مشترک در نظریه‌های تعاون‌گرایی و توسعه کشاورزی پایدار

توسعه‌ای که تعاونی‌ها به دنبال آن هستند توسعه پایدار است توسعه پایدار فرایندی است که نه تنها رشد اقتصادی را به همراه دارد بلکه سبب تجدید حیات محیط‌زیست به جای تخریب آن می‌گردد و به جای در حاشیه قرار دادن مردم به آنان قدرت و اختیار می‌دهد و اولویت را به فقرا داده و حق انتخاب را برای آنان فراهم آورده و امکان مشارکت در تصمیماتی که بر زندگی آنان اثر می‌گذارد را تقویت می‌کند. توسعه پایدار توسعه‌ای است که طرفدار مردم، طبیعت و اشتغال است (طاهرخانی و حیدری، ۱۳۸۳: ۱۱۵). توسعه پایدار کشاورزی، به عنوان فرایند اجتماعی، مستلزم تدابیر و تمهیداتی سازمانی و نهادی است؛ که ضمن حمایت از سازه نظام‌های پایدار تولید و مصرف از توسعه جوامع پایداری که علاقه و ظرفیت دفاع از تمامیت بوم محلی خود را دارند پشتیبانی لازم را به عمل آورند، توسعه پایدار روستایی از طریق زمینه‌های مشترک، تفاهم، اجماع مردم و مشارکت آنها در کلیه امور روستا محقق می‌شود و در این چارچوب است که همبستگی اجتماعی، احترام و همکاری متقابل، توانایی تحمل مشکلات و الگوی تعاون‌گرایی ضرورت می‌یابد. الگوی تعاون‌گرایی با تأکید اصلی بر بهره‌گیری کامل از انگیزه، شوق، خلاقیت و نیروی کار همگان، دربرگیرنده فضای زیست و نظم دادن به مردمی است که منبع اصلی و نهایی هرگونه ثروت و دارایی قلمداد می‌شوند و این همکاری نهایتاً به تحقق اهداف توسعه پایدار در سه حوزه راهبردی اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی به شرح نمودار ۲-۸ می‌شود. تعاونی‌ها از دو طریق با توسعه کشاورزی پایدار در ارتباط تنگاتنگ هستند: حفظ منابع پایه و پایداری آن و عدالت بین نسلی یا انتقال منابع به نسل بعد. چنین ارتباط تنگاتنگی را می‌توان برابر فهرستی از مؤلفه‌ها و فرایندها به صورت زیر خلاصه کرد:

تعاونی‌های کشاورزی گروه‌های کشاورز را در کنار یکدیگر قرار داده و قدرت آنها را در انجام فعالیت‌های توسعه پایدار کشاورزی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی افزایش می‌دهند. تعاونی‌ها با تسهیل مشارکت در اتحادیه‌های محلی، ملی و عمومی و همچنین سازمان‌های خصوصی و با ایجاد اجتماع و تشکل درصدد تقویت و عملی کردن مشارکت هستند که خود هم وسیله و هم معیاری برای توسعه پایدار هستند.

تعاونی‌ها در تثبیت اقتصادهای محلی کمک شایان توجهی می‌کنند و شرایط مطلوبی برای سرمایه‌گذاری بیشتر فراهم می‌آورند و باعث کاهش نابرابری و بهبود تقسیم مساوی هزینه‌ها

و فواید توسعه پایدار می‌شوند. تعاونی‌ها یک ضمانت اجرایی در راستای تقسیم ثروت هستند و قادرند دموکراسی اقتصادی را بهبود داده و گروه‌های حاشیه‌ای را توانمند سازند.

تعاونی‌ها مراکز آموزشی مهمی برای توسعه پایدار قلمداد می‌شوند و دارای ظرفیت سازمانی برای تعلیم و آموزش جوامع می‌باشند. آموزش اعضا کارمندان و عامه مردم و به روز کردن مهارت‌های فنی، مدیریتی و سازمانی اعضا و کارمندان یکی از اصول تعاونی‌هاست.

تعاونی‌ها، حمایت‌کننده تحقیقات مشارکتی برای اعضای خود یا افرادی که پروژه‌های تحقیقی را مدیریت می‌کنند هستند.

تعاونی‌ها در جمع‌آوری، تدوین و تقویت دانش محلی و بومی نقش مهمی دارند. دانش بومی‌دانشی است که از نظر اقتصادی و اجتماعی پایدار و مؤثر است و از حداقل ریسک برای کشاورزان روستایی برخوردار است و یک سرمایه مهم برای تأمین معاش و حفظ منابع طبیعی محسوب می‌شود.

تعاونی‌های تولید بیشتر در بخش کشاورزی بر پایه منابع طبیعی فعالیت می‌کنند و پایداری به عنوان یک موضوع محوری و مرکزی در فعالیت‌های آنها مطرح است. از طرفی مدیریت محیط‌زیستی که توسط تعاونی‌ها می‌تواند اعمال شود، سبب بهبود کیفیت و کارایی کاهش ضایعات و هزینه‌ها خواهد شد.

تعاونی‌ها زمینه مناسبی برای ایجاد ارتباطات محلی و منطقه‌ای هستند ارتباط قوی بین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و فعالیت‌های تبدیل و فرآوری به تعاونی‌ها اجازه می‌دهد به سمت انجام فعالیت‌های پایدار حرکت نمایند.

تعاونی‌ها بر اساس اصولی چون عضویت آزاد و اختیاری، کنترل دموکراتیک اعضا، مشارکت اقتصادی اعضا، استقلال، در واقع برای توسعه پایدار جوامع فعالیت می‌کنند و این اصول از اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه پایدار می‌باشند. هدف اصلی تعاونی‌ها، تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی است و در توسعه پایدار نیز این سه بعد به صورت یک سیستم مطرح است.

فصل چهارم

نتیجه گیری

نگاهی گذرا به تجربه کشورهای نظیر هلند، یوگسلاوی سابق، ژاپن و بسیاری از دیگر کشورهای موفق در عرصه تولید محصولات کشاورزی نشان می‌دهد که تعاونی‌های کشاورزی نقش بسیار مهمی در بهبود الگوهای مربوط به نظام‌های بهره‌برداری و رشد و توسعه کشاورزی آنها داشته‌اند. در حقیقت تعاونی‌های کشاورزی نوعی از سازمان‌های کشاورزان و شکل تکامل‌یافته رهیافت گروه کار هستند که می‌توانند به عنوان ابزاری برای توانمندسازی و توسعه عدالت و کانالی مؤثر به منظور انتقال نیازها و اولویت‌های کشاورزان به سطوح بالاتر ملی و بین‌المللی به شمار می‌روند (FAO، ۲۰۰۷). مطالعات مختلف صورت گرفته در ایران نیز به گونه‌ای مؤید نتایج فوق است. به عنوان مثال نتایج پژوهش نیازی (۱۳۵۴) نشان داد که افزایش اعتبارات روستایی استفاده خوش‌نشینان از امکانات شرکت‌های تعاونی و افزایش تولید و درآمد روستاییان با وجود تعاونی‌ها ارتباط مستقیم دارد. همچنین اثنی عشری (۱۳۶۹) دریافت که تعاونی‌های تولید، کارکرد توزیع نهاده‌ها و برقراری ارتباط میان دولت و کشاورزان را بسیار سهل‌تر می‌نماید. مطالعه پزشکی راد و کیانی مهر (۱۳۸۰) نیز حکایت از آن داشت که تعاونی‌های تولید توانسته‌اند موجب افزایش درآمد اعضا خود شوند و گام‌های مثبتی در زمینه توزیع نهاده‌ها بردارند. به عقیده اوزن (۱۹۹۳)، سازمان‌های محلی نظیر تعاونی‌ها، دارای بهترین ظرفیت برای اجراء و مدیریت ابتکارات مربوط به توسعه مشارکتی هستند و می‌توانند برای برآوردن نیازها و خواست‌های اصیل جامعه پاسخ مناسبی به همراه داشته باشند. همچنین این تشکله‌ها تأثیر پررنگی در ایجاد همبستگی و همیاری در جامعه و تعالی بخشیدن به روح انسانی در جهت کاهش فقر دارند (Opore، ۲۰۰۲).

تعاونی‌های تولیدکنندگان به کشاورزان خرده پا کمک می‌کنند تا ظرفیت تولیدی و بازار رسانی خود را به منظور پاسخگویی به چالش‌های رقابتی و فرصت‌های تجاری بازار بالا ببرند. به این ترتیب کشاورزان کوچکی که به طور انفرادی بازیگران ضعیفی در عرصه بازار به شمار می‌آیند، با تشکل یافتن در تعاونی‌ها خواهند توانست قدرت چانه‌زنی خود را افزایش داده و بسیاری از هزینه‌های مربوط به تولید، حمل‌ونقل، بازاریابی و فرآوری محصول را کاهش دهند. درحالی‌که در اغلب کشورها، واسطه‌ها از محل واسطه‌گری محصولات کشاورزی بیشترین سود را به دست می‌آورند تعاونی‌های کشاورزان می‌توانند نقش بسیار مهمی در کوتاه کردن دست دلالان و بازگرداندن بخش قابل‌توجهی از حاصل دسترنج تولیدکنندگان به ویژه اقشار خرده‌پا به آنان داشته باشند مشارکت تولیدکنندگان در تعاونی‌های کشاورزی

ممکن است. در اشکال مختلفی صورت گرفته و بسیار متفاوت از هم باشد. مشارکت برخی اعضاء ممکن است تنها به سرمایه‌گذاری محدود باشد درحالی‌که برخی دیگر می‌توانند در برگزاری جلسات و نشست‌ها فعال باشند و یا به عنوان پرسنل منتخب تعاونی، با پذیرفتن مسئولیت‌های مختلف به ایفای نقش بپردازند. درعین‌حال آنچه مسلم است آن که وجود تعاونی بدون مشارکت اعضاء معنایی نخواهد داشت (Grey & Kraenzle, 1998).

در بخش کشاورزی ایران نیز با توجه به این که ۳۷ درصد اراضی کشاورزی کشور در اختیار ۸۶ درصد بهره‌برداران قرار دارد، زمینه ایجاد و توسعه کشاورزی به صورت تعاونی در بین این دسته از تولیدکنندگان خرده‌پا اجتناب‌ناپذیر است. چراکه سایر بهره‌برداران که ۶۳ درصد اراضی را در اختیار دارند به لحاظ وسعت اراضی تحت تملک و فراوانی به مراتب کمتر عموماً به بخش‌های تجاری جلب می‌شوند. بخش مورد تأکید تعاونی در تولیدات کشاورزی، شرکت‌های تعاونی تولید روستایی است که بر اساس قانون ویژه تعاونی کردن تولید و یکپارچه‌سازی اراضی با هدف افزایش درآمد تولیدکنندگان از طریق بالا بردن راندمان تولید، یکپارچه‌سازی اراضی، توسعه شبکه‌های آبیاری، ایجاد جاده‌های بین مزارع، گسترش مکانیزاسیون، انجام بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر، بیمه محصولات و توجه به صنایع تبدیلی کشاورزی تدوین‌شده است این دسته از تعاونی‌ها در حال حاضر در بیش از ۵/۳ میلیون هکتار از اراضی مستعد کشور با تحت پوشش قرار دادن بیش از ۳۵۰ هزار خانوار مشغول فعالیت می‌باشند. این شرکت‌ها بیش از ۳۰ درصد اراضی کشاورزی آبی کشور را در برگرفته‌اند و زمینه‌ساز جذب و به‌کارگیری ۲۵۰۰ فارغ‌التحصیل کشاورزی شده‌اند (اجلایی، ۱۳۸۸). در شرکت‌های تعاونی تولید روستایی سعی شده است با یکپارچه‌سازی تجهیز و نوسازی اراضی حد و مرز زمین هر خانوار به عنوان جزئی از یک قطعه زمین بزرگ حفظ گردد که این امر امکان کاربرد روش‌ها، فنون، ابزار و ماشین‌آلات نوین کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری را با حفظ استقلال و انگیزه‌های فردی فراهم می‌سازد به طوری که علاوه بر تأمین مزایای مالکیت فردی با رعایت همیاری و تولید جمعی در سطح شرکت وحدت سه اصل مالکیت، حاکمیت و عاملیت نیز حفظ می‌شود؛ بنابراین خانوارهای روستایی با عضویت در تعاونی‌های تولید نه تنها چیزی را از دست نمی‌دهند بلکه از امکانات و تسهیلات حاصل از تشکیل شرکت مثل دسترسی سریع و به موقع به ابزار و وسایل کشاورزی مورد نیاز و

استفاده صحیح و مناسب از آنها با کمترین هزینه ممکن نیز برخوردار می‌شوند (خبرگزاری موج، ۱۳۸۷).

در جوامع کشاورزی و روستایی ایران نیز نظام بهره‌برداری دهقانی و خرده‌مالکی مشکلات متعددی را از یک سو برای تولیدکنندگان و از سوی دیگر برای دولت به همراه داشته است به‌گونه‌ای که تنها ۳۷ درصد اراضی کشاورزی کشور در اختیار ۸۶ درصد بهره‌برداران قرار دارد. لذا به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران عرصه توسعه روستایی پراکندگی و کوچک بودن اراضی مزروعی یکی از معضلات اصلی سد راه توسعه بخش کشاورزی ایران به ویژه در مناطق محروم و دور از مرکز به شمار می‌رود تا جایی که همه‌ساله به دلیل عدم توانایی کشاورزان خرده‌پا در بهره‌گیری از تکنولوژی‌های پیشرفته روز از یک سو و راندمان پایین عوامل تولید نظیر، آب و زمین همراه با هزینه بالای تمام شده برای هر خانوار تولیدکننده از سوی دیگر، بسیاری از ظرفیت‌های بخش کشاورزی کشور شکوفا نمی‌گردد و از این رهگذر، ضرر و زیان قابل‌توجهی به کشاورزان وارد می‌آید. در راستای غلبه بر چنین مشکلاتی یکی از راه‌های پیشنهادی که در بسیاری از کشورهای دنیا نتایج و سوابق درخشانی نیز داشته است، تشکیل تعاونی‌های کشاورزان است. تعاونی‌های کشاورزان تشکلهایی برخاسته از اجتماعات محلی هستند که به وسیله گروهی از کشاورزان علاقه‌مند و با هدف یاری‌رساندن به یکدیگر در زمینه‌های مختلفی چون تولید، فرآوری، بازار رسانی یا سایر فرآیندهای جانبی مرتبط با محصولات کشاورزی شکل می‌گیرند و به عنوان ساختارهایی میانجی بین تولیدکنندگان روستایی و سایر کنشگران فعال در محیط سیاسی، اقتصادی و نهادی آنها عمل می‌کنند. تعاونی‌های تولید روستایی و سایر اشکال سازمانی کشاورزان به بهره‌برداران عرصه تولیدات روستایی به ویژه اقشار خرده‌پا و کم‌درآمد اجازه می‌دهند تا با تجمیع و سازماندهی امکانات محدود و پراکنده خویش به‌گونه‌ای مؤثرتر درصدد برآوردن اهداف مشترک خود برآیند و کارایی و بهره‌وری فعالیت اقتصادی خویش را فزونی بخشند. این تشکلهای یک اهرم قدرتمند اجتماعی و اقتصادی در عرصه کشاورزی به حساب می‌آیند که از ظرفیت‌های ارزشمند و فراوانی برای پیشبرد جریان توسعه روستایی برخوردارند. تعاونی‌های تولید روستایی به کشاورزان خرده‌پا کمک می‌کنند تا ظرفیت تولیدی و بازار رسانی خود را بالا ببرند، از سوی دیگر این تشکلهای قدرت چانه‌زنی

بهره‌برداران را افزایش داده و هزینه‌های مربوط به تولید، حمل‌ونقل، بازاریابی و فرآوری محصول را کاهش می‌دهند.

شرکت‌های تعاونی تولید روستایی توانسته‌اند از طریق متشکل نمودن نیروهای انسانی و ایجاد روحیه تعاون و همدلی از طریق یکپارچه‌سازی اراضی و متمرکز نمودن سرمایه‌های اندک روستاییان، نسبت به تأمین ماشین‌آلات و نهاده‌های کشاورزی و استفاده مطلوب از امکانات موجود اقدام نموده و در مقایسه با بهره‌بردارهای مجاور به موفقیت در افزایش تولید محصول تا دو برابر و حتی بیشتر نائل آیند و هزینه‌های تولید را به نصف کاهش دهند. لذا توسعه تعاونی‌های تولید، امکانات مناسب و الزامات مورد نیاز برای تحقق برخی از اساسی‌ترین اهداف کشور را محقق می‌سازد و موجبات افزایش تولید و ایجاد تحول در کشاورزی رایج و سنتی را در بخش‌های وسیعی از اراضی کشاورزی کشور هموار می‌نماید، درعین‌حال نتایج برخی مطالعات داخلی نشان می‌دهند که تعاونی‌های تولید تا حد زیادی از مسیر اصلی خود دورمانده و به مراکز خدمات کشاورزی تبدیل شده‌اند. بی‌تردید توسعه تعاونی‌های تولید روستایی نیز همانند هر سازمان دیگری، نیاز به سرمایه‌گذاری مطمئن دارد که در قالب سه نوع سرمایه فیزیکی، زیستی و انسانی قابل توجه است.

پیشنهادهای

بر این اساس با توجه به تعداد شهرستان‌ها و روستاهای کشور و اهمیت آنها در عرصه تولیدات کشاورزی کشور، از یک سو و پراکندگی و خردی اراضی مزروعی کشاورزان در بسیاری از نقاط آن همراه با معضلات پیش روی تولید از سوی دیگر، کمک و تسهیل‌گری دولت برای تأسیس تعاونی‌های تولید جدید پیشنهاد می‌گردد. تسهیل‌گری دولت جهت اطلاع‌رسانی و نیز تدارک حمایت‌های مالی و فنی به منظور تشکیل و توسعه تعاونی‌های تولید در بخش‌های مختلف کشاورزی، اگرچه مدیران عامل جوان به واسطه برخورداری از نیروی جوانی که معمولاً با تحصیلات بالاتری نیز همراه است می‌توانند به پیشبرد تعاونی و دستیابی به اهداف آن کمک کنند درعین‌حال با توجه به حیطه فعالیت‌های مدیران عامل و ارتباط مستمر آنان با کشاورزانی که اغلب مسن و کم‌سواد می‌باشند پیشنهاد می‌گردد حتی‌المقدور افرادی به عنوان مدیرعامل انتخاب گردند که از مقبولیت اجتماعی برخوردار

بوده و به اصطلاح جافتاده باشند که این مسئله به ویژه در رابطه با تعاونی‌های خودگردان از اهمیتی دوچندان برخوردار است.

- پیشنهاد می‌گردد دوره‌های آموزشی مناسبی برای اعضای تعاونی‌های تولید در زمینه صلاحیت‌های مورد نیاز یک مدیرعامل تعاونی تولید برگزار گردد تا انتخاب شایسته‌ای داشته باشند.
- پیشنهاد می‌گردد که حتی‌المقدور کسانی به عنوان مدیرعامل انتخاب گردند که خود نیز به عنوان یک بهره‌بردار، عضوی از تعاونی تولید باشند چراکه در این صورت مسائل و نیازهای سایر اعضا را بهتر درک کرده و سرنوشت خود را به طور مستقیم در گرو سرنوشت تعاونی می‌بینند.
- در راستای به‌روزرسانی اطلاعات مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها، دوره‌های ویژه مدیریتی با ارائه موضوعات و مطالب جدید جهت توانمندسازی آنها برگزار گردد
- این شرکت‌ها به سمت دانش‌بنیان شدن حرکت نموده و به منظور اجرای فعالیت‌های تولیدی به روز و نوین اقدام نمایند.
- در راستای افزایش و بهره‌وری در تولید و درآمد بیشتر هرکدام از این شرکت‌ها با در نظر گرفتن پتانسیل‌های موجود در منطقه، نقاط قوت داخلی و فرصت‌های محیطی با همکاری اعضا اقدام به اجرای طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی نمایند.
- نسبت به همکاری و مشارکت با مراکز دانشگاهی و تولید علم در جهت به‌روزرسانی بخش کشاورزی اقدام نموده و ارتباط بین دانشگاه و بخش تولید کشاورزی تقویت گردد.
- در راستای تحقق توسعه پایدار کشاورزی، استفاده از نهاده‌ها، حفظ منابع خاک، حفظ محیط‌زیست و افزایش سلامت جامعه باید در شرکت‌های تعاونی تولید مطالعاتی صورت گرفته و برای اعضا و کشاورزان نیز دوره‌های آموزشی برگزار گردد.

منابع

۱. اساسنامه سازمان مرکزی تعاون روستایی، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مرکزی تعاون روستایی، معاونت بازرگانی و برنامه‌ریزی، دفتر توسعه و آموزش تعاون.
۲. آمارنامه کشاورزی ۱۳۹۲.
۳. اسکندری، م.ر.، ۱۳۸۵، پیام وزیر محترم جهاد کشاورزی، ویژه‌نامه معاونت امور دام، انتشارات روابط عمومی و امور بین‌الملل، چاپ ششم، صفحه ۲ و ۳.
۴. آقاجانی ورزنده، م.، ۱۳۸۰، بررسی و ارزیابی فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۵. آقایی، م.، ۱۳۷۸، نقش تعاونی‌ها در توسعه کشاورزی، نشریه اطلاعات، شماره ۲۹: صفحه ۱۴.
۶. انصاری، ح.، ۱۳۸۰، پژوهشی در تعاونی‌های روستایی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، صفحه ۸.
۷. انصاری، ن.، ۱۳۸۰، مسائل و تنگناهای دامداری عشایر زاگرس، نشریه برزگر، سال بیست و دوم، شماره ۸۱۸: صفحه ۳۶.
۸. انگورانی، ا.، ۱۳۷۷، کشورهای کم‌رشد و تلاش برای جبران عقب‌ماندگی با استفاده از شیوه‌های تعاونی، نشریه تعاون، شماره ۸۹: صفحه ۴۱.
۹. اوپنهام، ا.ان.، ۱۳۷۵، طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها، ترجمه کریم نیا، م.، انتشارات قدس رضوی، چاپ دوم، تهران.
۱۰. اولیایی، ا.، ۱۳۶۴، تعاونی تولید و نقش آن در تولید اقتصادی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. بازرگان، ع.، سرمد، ز. و. حجازی، ا.، ۱۳۷۶، روش‌های تحقیق در علوم و فن‌آوری، انتشارات آگاه تهران، چاپ اول، صفحه ۷۴.

۱۲. بست، ج.، ۱۳۷۶، روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه پاشا شریفی، ح؛ و. طالقانی، ن.، انتشارات رشد تهران، چاپ هفتم، صفحه ۵۷.
۱۳. بقایی، م.ع.، ۱۳۷۷، لزوم حمایت دولت از کاهش هزینه‌های تولید و افزایش قیمت شیر و گوشت، نشریه دامدار، شماره ۹۵: صفحه ۶۷.
۱۴. حافظ نیا، م.ر.، ۱۳۷۷، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت تهران، چاپ اول، صفحه ۴۴.
۱۵. حجتی، م.، ۱۳۸۵، چکیده‌ای از عملکرد و فعالیت‌های زیر بخش دام و طیور کشور، ویژه‌نامه ششمین نمایشگاه بین‌المللی دام، چاپ ششم، صفحه ۷ تا ۹.
۱۶. حسنی، ح.، ۱۳۷۴، حقوق تعاون، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، جلد اول، صفحه ۵ و ۶.
۱۷. حسین مهر، ک.، ۱۳۶۸، اتحادیه‌های تعاونی در ایران، مجله تعاون، شماره ۹: صفحه ۱۴.
۱۸. خسرو شاهین، م.، ۱۳۶۸، روش‌های پژوهش در مدیریت کشاورزی، مرکز نشر دانشگاهی تهران، صفحه ۳۰۸.
۱۹. خسروی، ر؛ و. حسنی، ز.، ۱۳۸۵، شرکت تعاونی از تصمیم تا تشکیل، فصلنامه نظام‌مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال چهارم، شماره ۱۳: صفحه ۲۵ تا ۳۲.
۲۰. خسروی، ش.، ۱۳۶۰، تاریخچه تعاونی‌های روستایی در ایران، وزارت کشاورزی، مجله زیتون، شماره ۸: صفحه ۱۳ و ۲۰.
۲۱. خطیب، ا.، ۱۳۷۷، دامداری‌های ایران با گرفتاری در دام بی‌سیاستی و چند سیاستی، نشریه دام، کشت و صنعت، سال اول، شماره اول: صفحه ۴۰ و ۴۱.
۲۲. دبیرخانه شورای کشاورزی ورامین. ۱۳۶۹، گزارشی کوتاه از کشاورزی ورامین، شورای کشاورزی ورامین.
۲۳. درویش نیا، ا.، ۱۳۷۹، ارزیابی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولیدی روستایی در استان مازندران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، صفحه ۲۰.
۲۴. دلاور، ع.، ۱۳۷۷، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، نشریه ویرایش تهران، چاپ چهارم، صفحه ۸۲.

۲۵. دلاور، ع.، ۱۳۷۸، مبانی نظری علمی پژوهشی در علوم انسانی و اجتماعی، انتشارات سمت تهران، صفحه ۳۴.
۲۶. رفیعی، ا.، ۱۳۵۳، اصول و انواع تعاون، انتشارات سمت تهران، چاپ اول، صفحه ۳۷.
۲۷. سجادی، ن.، ۱۳۸۵، عملکرد فعالیت‌های زیر بخش دام و طیور کشور، ویژه‌نامه امور دام، انتشارات روابط عمومی و امور بین‌الملل، چاپ ششم، صفحه ۵ و ۶.
۲۸. سرسختی عراقی، م.، ۱۳۷۴، عوامل اجتماعی مؤثر بر عملکرد سازمانی سازمان‌های تعاونی در استان بوشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۹. سکاران، او.، ۱۳۸۰، روش‌های تحقیق در مدیریت، ترجمه صائبی و شیرازی، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، صفحه ۷۴.
۳۰. صادقی، م.، ۱۳۸۶، پیش‌بینی عرضه و تقاضای انواع گوشت در ایران، فصلنامه توسعه و بهره‌وری، سال دوم، شماره ۳: صفحه ۱۳.
۳۱. صدراالاشرفی، م.، ۱۳۶۸، اقتصاد کشاورزی و تعاون، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، صفحه ۱۶.
۳۲. صدراالاشرفی، م.، ۱۳۷۳، اقتصاد کشاورزی و تعاون، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، صفحه ۶۳.
۳۳. صفری شالی، ر.، ۱۳۸۰، بررسی فعالیت‌ها و عملکرد شرکت‌های تعاونی کشاورزی مرغداران استان تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۳۴. طالب، م.، ۱۳۷۶، اصول و اندیشه‌های تعاونی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، صفحه ۳.
۳۵. طالب، م.، ۱۳۷۹، اصول و اندیشه‌های تعاونی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، صفحه ۱۸.
۳۶. طالب، م.، ۱۳۸۴، اصول و اندیشه‌های تعاونی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، صفحه ۲.
۳۷. طالبی، ح.، ۱۳۶۸، مقررات حقوقی بازرگانی مالی شرکت‌های تعاونی روستایی، انتشارات سازمان تعاون روستایی استان تهران، چاپ اول.
۳۸. طالب بیکی، ف.، ۱۳۵۰، اندیشه تعاون و تجربیات تعاونی در کشورهای درحال توسعه و ایران، انتشارات مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران، فصل اول.

۳۹. عبداللهی، م.، ۱۳۷۷، نظام‌های بهره‌برداری، وزارت کشاورزی، معاونت امور نظام بهره‌برداری، چاپ اول، دفتر طراحی نظام بهره‌برداری تهران، چاپ اول، صفحه ۳۴.
۴۰. عسگری، ع؛ و. اشراف‌زاده، ح.، ۱۳۶۹، بررسی جایگاه تعاون در بازرگانی خارجی کشور، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم، صفحه ۱۳.
۴۱. عمادی، م.ح؛ و. آقاعلی نژاد، ع.، ۱۳۷۷، تحلیلی بر تحول نظام‌های دامداری و راهبردهای مداخله دولت در ایران طی نیم‌قرن اخیر، کتاب‌نامه سازمان مرکزی تعاون روستایی، شماره اول.
۴۲. امید، ع.، ۱۳۷۸، نظریه نمونه‌گیری و کاربردهای آن، مرکز نشر دانشگاهی تهران، جلد اول، چاپ اول، صفحه ۱۲.
۴۳. غلامی، م.، ۱۳۷۶، آخرین وضعیت شرکت‌های تعاونی بخش کشاورزی، دفتر امور تعاونی‌های تولیدی و خدمات تولیدکنندگان، نشریه تعاون، شماره ۷۸: صفحه ۱۸.
۴۴. فریدونی، ا.، ۱۳۸۴، مشکلات دام‌پروری و دغدغه‌های تولیدکنندگان شیر و گوشت، نشریه اطلاعات، شماره ۴۲: صفحه ۱۸.
۴۵. گروه تحقیقات روستایی. ۱۳۴۷، گزارش شرکت‌های تعاونی روستای منطقه ورامین، مؤسسه تحقیقات تعاونی، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۶. موسی نژاد، م.ق.، ۱۳۶۹، بازاریابی تعاونی‌های ورامین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، صفحه ۶ و ۷.
۴۷. میر حیدری، ح.، ۱۳۶۴، دانش تغذیه، انتشارات وحید تهران، چاپ اول، صفحه ۴.
۴۸. میر محمدی، م.، ۱۳۶۲، تعاون و شکوفایی شبکه تعاونی روستایی و کشاورزی، انتشارات اتحادیه مرکزی تعاون روستایی ایران، صفحه ۵۹.
۴۹. میرمحمد میبیدی، ع.م.، ۱۳۸۴، روش تحقیق در علوم زیستی، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان، چاپ سوم، صفحه ۱۱۸.
۵۰. نادری، ع؛ و. سیف نراقی، م.، ۱۳۷۷، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، انتشارات بدر تهران، چاپ چهاردهم، صفحه ۶۳.
۵۱. نامغ، پ.، ۱۳۷۷، مدیریت تعاونی‌ها، انتشارات آروین تهران، چاپ اول، صفحه ۲۳.
۵۲. نامغ، پ.، ۱۳۸۶، مدیریت تعاونی‌ها، انتشارات هستان تهران، چاپ چهارم، صفحه ۱۳.

۵۳. نبوی، ب.، ۱۳۵۸، مقدمه‌ای روش تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات فروردین تهران، چاپ پنجم، صفحه ۲۲۲.
۵۴. نظام شهیدی، م.، ۱۳۸۰، اصول مدیریت تعاونی‌ها، انتشارات روشنگران نصر تهران، صفحه ۲۸.
۵۵. نوذریان، ر.، ۱۳۷۶، تخصص بهینه منابع برای خودکفایی گوشت قرمز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، صفحه ۹۲ و ۸۴.
۵۶. والکو، ا.ک.سا.، ۱۳۸۰، مدیریت در تعاونی‌های کشاورزی، ترجمه عنبری، م.، انتشارات وزارت جهاد کشاورزی، چاپ اول، صفحه ۲۳.
۵۷. ودیعی، ک.، ۱۳۵۵، نهضت تعاونی در ایران، انتشارات امیرکبیر تهران، صفحه ۲۸.
۵۸. ونوس، د؛ و. صفائیان، م.، ۱۳۸۱، بازاریابی خدمات بانکی، انتشارات نشر نگاه دانش تهران، صفحه ۱۴.
۵۹. هاشمی‌تروجنی، م.، ۱۳۸۶، عملکرد تعاونی‌های روستایی و نقش آن در توسعه روستاها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد تهران، صفحه ۳۸ و ۳۹.

1. Ary, D., Jacobs, I.c. and. Razarieh, A., 1990, Introduction to Researh in Education, ed.4th, Orlando. Florida: Holt, Rinhortand Winston, inc.
2. Australian Agricultural Council., 7988, Working party on Agricultural cooperative, Agriultural Cooperative in Australia, SCA Technical Report Serieis, Canberra.
3. Bhuyan. S., and. Olson, f., 1998, potential role non agricultural cooperatives in ryal North Dakota, Ag. Econ, Research Report No.383, Dept. of Agricultural Economics, North Dakota State University, Fargo, nD, January.
4. Bhuyan, s., 2000, Grower and manger issues in fruit and vegetable cooperatives. Annual Meeting, Available at Internet: www.ageon.kus.edu/accc/ncr194.
5. Carlo Russoa, D., Weatherspoonb, C., petersonb, M., Sabbatinia, 2000, Effects of managers power on capital structure: a study of Italian

agricultural cooperatives, international Food and Agribusiness Management Review, 3:27-39.

6. Cobia, D.w., and Novarro, L.A., 1972, How members fell about cooperatives, Ag Ecom Research Report 86, Department of Agricultural Economics, North Dakota State University, Fargo, ND.
7. Gripsrud, G., Lenvik, G.H., and. Olsen, n.V., 2001, Influence activities in Agricultural cooperatives: the impact af heterogeneity the food sector intransition Nordic Research- proceedings of NF seminar, No, 313, Norwegian Agricultural Economics Reserch Institute.
8. John, L., Adrian, J., and. Wade Green, T., 2001, Agricultural cooperative managers and the business environment. Journal of Agribusiness, Agricultural Economics Association of Georagia. 19 1: 17-33.
9. Ozdemir, G., 2005, cooperative- shareholder relations in agricultural cooperatives in Turkey, journal of Asian Economics, no 16, 315-325.
10. Rajendran, k., 2004, Dairy cooperatives and milk marketing in India, Journal of food distribution Research. No 35, pp34-40.
11. USDA. 1998, Member participation in Agricultural Cooperatives: A Regression and Scal Analysis, Rural Business cooperative Service, RBS Research Reporth. No. 165.
12. www.core.ir, Visited, 2008/05/20.
13. www.daneshname.roshd.ir, Visited, 2008/01/05.